اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

آیا ما به زمین تبعید شده ایم؟

از آیات قرآن براحتی میتوان فهمید که بشر از بهشت به زمین تبعید شده است. شما می بینید که تمام حیوانات و موجودات دیگر قبل از بشر در زمین بوده اند و زمین جایگاه زندگی آنها بوده است. حیوانات لباس ندارند و مشکلی با این موضوع ندارند. آنها کمتر مریض میشوند. آنها از هر چیزی درست و بجا استفاده میکنند. این فقط انسان است که نمی داند درست از نعمتهای زمین استفاده کند. این انسان است که زیاد مریض میشود. این انسان است که اگر زیاد زیر آفتاب بماند، پوستش میسوزد، ولی حیوانات دیگر اینجوری نیستند. زیرا بشر روحیتا متعلق به جای دیگری است. درست است که بدنش از خاک زمین درست شده است ولی روانش با حیوانات و سایر موجودات فرق میکند. اختراع میکند و کار بجایی رسیده است که به کرات دیگر میرود. در حالی که سایر موجودات زمین چنین استعداد و تمایلی ندارند. بشر متعلق به زمین نیست و موقتی به زمین تبعید شده است و به همین خاطر در زمین بیشتر زجر میکشد تا خوشی. این حادثه بخاطر مجادله و جنگی بود که در ملاء اعلی اتفاق افتاد و بشر بعد از آن به زمین تبعید شد تا روز مشخصی که

تکلیفش مشخص شود.

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

مرا در باره ملاء اعلى هيچ دانشى نبود آنگاه كه مجادله ميكردند (٦٩)

نکاتی در این مورد وجود دارد که قابل تامل است:

۱) آدم فضایی ها خود ماییم که وارد زمین شدیم

یک گاو را در نظر بگیرید. او غذایش در زمین آماده است. لزومی ندارد سبزیجات و گیاهان را به قورمه سبزی تبدیل کند تا بتواند بخورد. لازم نیست که غذایش را در داخل روغن سرخ کند تا بخورد. زیرا زمین برای زندگی آنها مناسب است و در اصل حیوانات و سایر جانداران بومیهای زمین هستند و ما انسانها در زمین بیگانه ایم. آن آدم فضاییهایی که بیشتر مردم کنجکاوی نشان میدهند تا بدانند کی ها هستند که بزمین آمده اند، خود ماییم! چند هزار سال پیش آدم و حوا به عنوان موجودات فضایی که از بهشت رانده شدند وارد زمین شدند ولی با بدنی زمینی. شرایط بدن زمینی ما زیاد با زندگی در زمین سازگار نیست. بشر بسیار زیاد بیمار میشود ، در حالیکه حیوانات دیگر اینجوری نیستند. بیماری سرطان در میان

حیوانات بسیار کم و نادر است. در حالیکه به وفور در میان انسانها یافت میشود. سیستم ایمنی بدن انسان ضعیف است. این به خاطر شرایط ماست که زیاد با زمین جور نیست. زیرا ما تبعیدی هستیم و تبعید شده ها در شرایط سخت به سر می برند. وقتی کسی را بجایی تبعید کنند، او را به جای خوش آب و هوا تبعید نمی کنند، بلکه به جایی تبعید میکنند که سختی باشد. نوزاد انسان در مقایسه با نوزاد سایر حیوانات بسیار ناتوان است؛ به گونه‌ای که اگر تا چندسال اول زندگی به نیازهای حیاتی او پاسخ داده نشود قادر به ادامه حیات نیست. یک سری از بیماریها و باکتریها توسط سیستم ایمنی بدن حیوانات براحتی نابود میشود ولی همین باکتریها براحتی انسان را از پای در میاورد مثل کووید ۱۹. استرس و نا امیدی بر سلامتی بشر تاثیر گذار است. حیوانات استرس و ناامید نیستند. حیوانات زمین را خانه خود میدانند و به همین خاطر هیچگونه استرسی ندارند و طمعکار نیستند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿۴﴾

براستی که انسان را در رنج آفریده ایم (۴)

۲) شرایط بدنی بشر بطور کامل با زمین جور نیست

یک سگ براحتی بدون هیچگونه لباسی در تابستان و زمستان بر روی زمین میخوابد ولی یک انسان هیچوقت نمی تواند چنین باشد، زیرا بشر اصالتا از جای

دیگری است. تمام موجودات و جانداران دیگر غذایشان در طبیعت آماده است و نیازی به پخت و پز ندارند. این فقط انسان است که طبعش متفاوت است و نیاز به تغییرات در غذاهای زمینی است تا بتواند مصرفش کند. به همین خاطر در ترکیب غذاها گاها اشتباه میکند، یا شور است یا شیرین است و کامل متعادل نیست . به همین خاطر بعد از مدتی دچار فشار خون، چربی خون و دیابت و ... میشود و بدنش بیمار میشود. بخاطر اینکه انسانها غذاهای کاملا سالم و متعادل مصرف نمی کنند. چرا شکم خیلی از انسانها گنده ست؟ زیرا در ترکیب غذاها، تعادل را رعایت نمی کنند و مثلا چربی زیاده از حد مصرف میکنند.

یک شیر فقط به اندازه ای شکار میکند که نیاز دارد. ولی انسان این خصوصیت را ندارد. آنقدر زباله پلاستیکی در طبیعت رها کرده است که چند هزار سال طول میکشد تا طبیعت به حالت اولیه اش برگردد. انسان حتی نمیداند که چگونه از محیط زندگی اش مواظبت کند. ولی حیوانات دیگر در تعادل هستند. اگر انسان روی کره زمین زندگی نکند، تمام طبیعت کره زمین به حالت سالم ومتعادل و اولیه اش بر میگردد.

۳) نور خورشید

این انسان است که اگر زیاد زیر آفتاب بماند، پوستش میسوزد، ولی حیوانات دیگر اینجوری نیستند. ما قبلا در بهشت توسط نور، اصلا اذیت نمیشدیم. سرما و گرما

اذیتمان نمیکرد. ولی در کره زمین اذیت میشویم. اما در جهنم، نوری که تابانده میشود، مثل دستگاه جوشکاری، آتش بیرون میدهد. خورشید و یا منبع نور جهنم آنقدر قوی و نزدیک است که زندگی در جهنم را به زجر تبدیل میکند. در جهنم نمیتوان به هیچ عنوان از این نور قوی از خود محافظت کرد.

۴) دید یک مورچه نسبت به ما

از نظر یک مورچه ، ما آدم فضایی هستیم که به محیط آنان وارد شده ایم و خواسته و ناخواسته مشکلاتی را برای آنان ایجاد میکنیم.

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۱۸﴾

تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند مورچه ای [به زبان خویش] گفت ای مورچگان به خانه هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند (۱۸)

۵) نور خورشید بطور کامل مناسب پوست انسان نیست

بشر میتواند از نعمتهای زمین استفاده کند ولی هیچوقت به آن رضایت کامل و دلخواه خویش نخواهد رسید. مثلا ما در بهشت که بودیم، آفتاب اذیتمان نمی کرد ، تشنگی و گرسنگی نداشتیم. زیرا همه چیز آماده و در تعادل بود.

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿١١٧﴾

پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناك] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی (١١٧)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿١١٨﴾

در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی (١١٨)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿١١٩﴾

و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب‌زده (١١٩)

در بهشت پوست ما هیچوقت سوخته نمیشد و هیچوقت آفتاب زده نمی شدیم. زیرا همه چیز متعادل بود. ولی در زمین با کمی قرار گرفتن در زیر آفتاب، براحتی

آفتاب سوخته میشویم. ولی حیوانات دیگر اینطوری نیستند. با آنکه هیچ لباسی ندارند. زیرا بشر اصالتا اهل زمین نیست و برای محافظت از خودش باید بزحمت بیفتد.

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى ﴿۱۲۰﴾

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم (۱۲۰)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿۱۲۱﴾

آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت (۱۲۱)

در آیه بالایی چسبانیدن برگهای بهشت بر خود کنایه از آن است که آدمی دیگر محافظت شده نیست و جهت رتق و فتق امور زندگی به زحمت می افتد. آدمی بعد از آن به زمین تبعید شد.

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾

فرمود همگی از آن [مقام] فرود آیید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت (١٢٣)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾

و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم (١٢٤)

۶) ما قبلا بهشتی بودیم

ما قبلا پیش خدا در بهشت بسر می بردیم. ولی بنا بر وسوسه شیطان ، به خود ظلم کردیم و شایستگی در جوار خدا بودن را از دست دادیم. به همین خاطر خدا میفرماید خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد. خدا کلمه بازگشتن را استفاده مینماید. این نشان میدهد که ما قبلا در بهشت زندگی میکرده ایم. بعد از نافرمانی کردن خدا به زمین تبعید شدیم.

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

ای نفس مطمئنه (٢٧)

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد (٢٨)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾

و در میان بندگان من درآی (٢٩)

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

و در بهشت من داخل شو (٣٠)

ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم، البته اگر نیکوکار و یکتاپرست باشیم.

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۱۵۶﴾

[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم (۱۵۶)

یعنی هدف نهایی زندگی در این جهان کوتاه مدت این است که ما به سوی خدا بازگردیم و دوباره وارد بهشت او شویم و از خستگیها و زحمات کره زمین خلاص شویم و دوباره به موطن اصلی خویش برگردیم و از دست تبعید گاه بعدی یعنی جهنم خلاص شویم.

۷) بشر نمی داند چطوری از این تبعیدگاه خارج شود

البته متاسفانه بشر برای رهایی از این تبعیدگاه به در و دیوار میزند تا که رهایی یابد. بشر این حس را در قالبهای مختلف نشان میدهد، مثلا بیشتر از هر موجود دیگری به آسمان نگاه میکند و بیشتر از هر موجود دیگری کنجکاو درباره کهکشانهای دیگر است. در این تبعید فقط انسان نیست که تبعید شده است، بلکه اجنه و شیاطین هم تبعید شده اند. حتی اجنه و شیاطین جهت رهایی از این تبعید دست به استراق سمع از آسمانهای دیگر میزنند و قصد دارند که راهی برای رهایی خویش بیابند.

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿٣٣﴾

ای گروه جنیان و انسیان اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید پس رخنه کنید [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید (٣٣)

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾

و به یقین ما در آسمان برجهايي قرار داديم و آن را برای تماشاگران آراستیم (١٦)

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم (١٧)

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ ﴿١٨﴾

مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می کند (١٨)

جن و انس هنوز نفهمیده اند که تنها یک راه برای رهایی از این تبعیدگاه و ورود به بهشت هست و آن هم این است که خدا را عبادت کرد و پرهیزگار بود. خدا در

آیات زیر راه رهایی از این تبعیدگاه را به سادگی بیان نموده است. خدا تنها راه حل و بهترین راه حل را به ما نشان داده است.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾

و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿٥٧﴾

از آنان هیچ روزيی نمی خواهم و نمی خواهم که مرا خوراك دهند (۵۷)

فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿٣٧﴾

اما هر که طغیان کرد (۳۷)

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾

و زندگی پست دنیا را برگزید (۳۸)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾

پس جایگاه او همان آتش است (۳۹)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى ﴿۴۰﴾

و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿۴۱﴾

پس جایگاه او همان بهشت است (۴۱)

این آیات را باید هر انسانی که مایل به نجات خویش از زمین است، هر روزه بخواند و روی آن تفکر کند و حتی آن را با خط زیبا بنویسد و در اتاقش قرار دهد تا یادش نرود که برای چی اینجاست.

۸) بعدا متوجه خواهیم شد که فقط چند روزی در زمین بوده ایم

جالب است که زندگی در روی کره زمین از نظر بهشتی ها فقط چند روزی است.

ما نباید بخاطر چند روز زندگی ناچیز ، خود را بدبخت کنیم و به جهنم برویم.

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿۴۶﴾

روزی که آن را می بینند گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند (۴۶)

به همین خاطر خدا نمی خواهد که ما زیاد به زمین بچسبیم. خدا زندگی در روی زمین را فقط به عنوان یک مسافرت کوتاه و یک آزمایش عنوان میکند.

۹) تبعید گاه بعدی، بعد از زمین کجاست؟

اما این تبعید همچنان ادامه دارد ، البته نه برای مومنان و پرهیزگاران؛ بلکه برای گناهکاران. بعد از این زندگی ، انسانهای گناهکار وارد محیط دیگری میشوند به اسم جهنم که آنجا اصلا شرایطش با شرایط بدنی و جسمی انسان سازگار نخواهد بود. کسی که وارد جهنم شود، دیگر نمیتواند بیرون آید تا ابد. اگر بشر در کره زمین مقداری زجر میکشد و در زحمت است؛ اما به هر حال میتوان با این سختی ها ساخت. ولی در جهنم کلا همه چیز زجر است و هیچ شرایط مناسبی برای زندگی انسان مهیا نیست. در جهنم غذا میخورند ولی چه غذایی! درخت زقوم. در جهنم دوش میگیرند ولی چه دوشی، مایعات داغ. آنها جاودانه در آتش اند و آبی جوشان به خوردشان داده می شود تا روده هایشان را از هم فرو پاشد. در آیه زیر میتوان غذاهای بهشتیان را با جهنمیان مقایسه کرد و دید که چقدر تفاوت است.

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿۱۵﴾

مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جویهایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از نوشیدنیی که برای نوشندگان لذتی است و جویبارهایی از انگبین ناب و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست [آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود [تا] روده هایشان را از هم فرو پاشد (۱۵)

اگر در زمین پوست انسان زیر آفتاب زیاد بماند میسوزد ولی حیوانات دیگر اینجوری نیستند زیرا آنها بومی زمینند و این انسان است که از جایی دیگر آمده است . ولی زندگی در جهنم مثل زمین نیست بلکه بسیار دردناک است و در واقع نمیتوان اسمش را زندگی گذاشت. پوست آنان در جهنم بطور کامل و همیشه میسوزد. این است که خدا از قیامت به عنوان روز آخر یاد میکند و دیگر جهنم پایان کار گناهکاران است و انسانهای بد طینت به آنجا تبعید میشوند و برای همیشه

در آنجا می مانند و جهنم تبعید آخری است. کسی که وارد جهنم شود، دیگر بیرون بیا نیست.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۵۶﴾

به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده اند در آتشی [سوزان] درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند آری خداوند توانای حکیم است (۵۶)

توصیف آبی که جهنمیان مینوشند:

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴)در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی (۲۴)
إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۲۵)جز آب جوشان و چرکابه ای (۲۵)
جَزَاءً وِفَاقًا (۲۶)کیفری مناسب [با جرم آنها] (۲۶)

۱۰) در جهنم دوستی وجود ندارد

جهنمیان در کنار هم نمیتوانند دوست هم باشند. بلکه آنها دشمن هم خواهند بود و هیچگونه آرامشی در جهنم وجود ندارد. هر کسی در جهنم بغل دستی اش را

لعنت میکند و با او دشمن است. به همین خاطر خدای قادر توانا میفرماید که جن و انس هیزم جهنم اند. یعنی وجود یک انسان در جهنم در کنار تو، بجای آنکه تسکینی باشد برای تو، عذابت را بیشتر میکند انگار هیزم آتش را بیشتر کرده باشند.

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾

ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود (١٥

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

می فرماید در میان امتهايی از جن و انس که پیش از شما بوده اند داخل آتش شوید هر بار که امتی [در آتش] درآید همکیشان خود را لعنت کند تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند پروردگارا اینان ما را گمراه کردند پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده [خدا] می فرماید برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمیدانید (٣٨)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿۳۹﴾

و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند شما را بر ما امتیازی نیست پس به سزای آنچه به دست می آوردید عذاب را بچشید (۳۹)

اما در بهشت محیطی همراه با صلح و صفا برقرار است و نشاط فوق العاده ای بین بهشتیان حکمفرماست.

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۵)

و خدا [شما را] به سرای سلامت فرا می خواند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند (۲۵)

اما در جهنم هیچگونه نشاطی برقرار نیست. غم و اندوه همیشه بر جهنمیان سیطره دارد. البته در زندگی زمینی هم اکنون، میتوان نشاط برای خود ایجاد کرد و همچنین میتوان زندگی را به جهنم تبدیل کرد.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷)

و کسانی که مرتکب بدیها شده اند [بدانند که] جزای [هر] بدی مانند آن است و خواری آنان را فرو می گیرد در مقابل خدا هیچ حمایتگری برای ایشان نیست گویی چهره هایشان با پاره ای از شب تار پوشیده شده است آنان همدم آتشند که در آن جاودانه خواهند بود (۲۷)

براساس آیه فوق جهنمیان تنها یک همدم دارند و آن هم گرما و آتش است.

۱۱) جاذبه زمین ما را اذیت میکند

بیشتر مردم کره زمین بعد از چهل سالگی دچار کمر درد میشوند و این بخاطر جاذبه قوی زمین است. جاذبه ای که در بهشت وجود داشت، ضعیفتر بود و لذت بخش بود. اما جاذبه زمین قوی است. البته این جاذبه به حیوانات و موجودات دیگر هیچگونه آسیبی نمی رساند. فقط انسان است که جاذبه زمین، زیاد با بدن او متناسب نیست. هرچند که جاذبه زمین با بدن انسان تبعیدی زیاد سازگار نیست ولی باز هم میتوان با آن ساخت.

اما شما جاذبه ای که در جهنم حکمفرما میباشد را در نظر بگیرید؛ آنقدر قوی و نا متناسب است که راه رفتن افراد در جهنم مثل این است که به دست و پای فرد زنجیری وصل شده باشد.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

ما برای کافران زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم (۴)

جاذبه زمین ، بدن انسان را اذیت میکند. حیوانات دیگر اینطوری نیستند. یک سگ هیچوقت دیسک کمر نمی گیرد. ولی کمر درد در میان انسانها به وفور یافت میشود. یک مورچه چندین برابر وزن خویش را جابجا میکند ولی شرایط جاذبه زمین این اجازه را به بدن انسان تبعیدی نمی دهد.

اما جاذبه سیاره ای که جهنم در آن واقع است ، آنقدر با بدن انسان نا متناسب است که تمام بدن انسان همیشه درد میکند. راه رفتن آنقدر سخت است که انگار انسان غل و زنجیر به پایش بسته شده است.

۱۲) خشنودی خدا

مهمترین خوشبختی اهل بهشت، خوشنودی خداست که واقعا این مورد کامیابی بزرگی است. و مهمترین عذاب جهنمیان لعنت خداست که برای همیشه از رحمت خدا محرومند. شاید تعجب کنید که اگر رحمت خدا نباشه، تمام مردم کره زمین در مدت زمان بسیار کمی پلاسیده میشوند و به فنا میروند. اما متاسفانه بیشتر مردم قدر این مورد را نمیدانند و فکر میکنند خدا نقشی در زندگی آنان ندارد.

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۷۲)

خدا به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در آن جاودانه خواهند بود و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است این است همان کامیابی بزرگ (۷۲)

۱۳) زجرگاه جهنم خوار کننده است

خدا پر از فیض و رحمت است، او سرشار از محبت است. خدا خودش به بندگانش فرصت داده که حرفهای مختلف را بشنوند و بهترینش را انتخاب کنند.

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۸)

به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان (۱۸)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ (۱۹)

پس آیا کسی که فرمان عذاب بر او واجب آمده [کجا روی رهایی دارد] آیا تو کسی را که در آتش است می رهانی (۱۹)

در بهشت که قبلا ما آنجا بودیم . هیچ سخن لغو و بیهوده ای نیست.

لا يسْمَعُونَ فِيها لَغْواً وَ لا تَأْثِيماً* إِلَّا قِيلًا سَلاماً سَلاماً»[۹]؛

در آن جا نه بیهوده ای می شنوند و نه [سخنی] گناه آلود. آن جا سخنی جز سلام و درود و آرامش نیست.

اما در زمین، در اکثر نقاط، سخنان لغو و بیهوده بسیار زیاد است. بطوریکه بیشتر مردم متاسفانه براثر این سخنان لغو و بیهوده منحرف میشوند. اما باز هم محیطهایی وجود دارند که سخنان لغو و بیهوده کمتر است و مقداری آرامش میتوان یافت.

اما در جهنم ، هر فردی بغل دستی اش را لعنت میکند و مدام اعصاب بغل دستی اش را خط خطی میکند و آن آرامش کمی که در زمین هست، در جهنم وجود ندارد. این است که عذاب جهنم واقعا خوار کننده است . خدا ما را از شر آن حفظ کند.

۱۴) گرمای جهنم سوزاننده تر است

آیه ۸۱ سوره بقره نشان میدهد که ما باید سختی های این جهان را تحمل کنیم و با این سختی ها در راه خدا تلاش و کوشش کنیم و الا وارد جهنم خواهیم شد.

آیه ۸۱ سوره بقره: "گفتند در این گرما بیرون نروید برای جهاد در راه خدا، بگو اگر دریابند گرمای جهنم سوزان‌تر است."

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ (٨١)

بر جای ماندگان به [خانه] نشستن خود پس از رسول خدا شادمان شدند و از اینکه با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند کراهت داشتند و گفتند در این گرما بیرون نروید بگو اگر دریابند گرمای جهنم سوزان‌تر است (٨١)

هر وقت در راه خدا تلاش کردید و سختی کشیدید، این را در نظر بگیرید که سختی جهنم بسیار بسیار زیادتر است. سختی روی زمین به هر حال قابل تحمل است. عذاب جهنم خوار کننده است.

١۵) نور خورشید جهنم در دلها تاثیر میگذارد

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴)

ولی نه قطعا در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)

و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (۶)

آتش افروخته خدا[یی] است (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)

[آتشی] که به دلها می رسد (۷)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ (۸)

و [آتشی که] در ستونهایی دراز آنان را در میان فرامی گیرد (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

در ستونهاي كشيده و طولاني! (۹)

آیه آخری (فِی عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ) توصیف آتش جهنم را بیان میدارد. آتشی با ستونهای کشیده و طولانی. این نشان میدهد که این آتش از یک منبع مثل خورشید ساطع میشود و از آنجا که بر دلها نیز تاثیر گذار است(الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿۷﴾) و نه فقط پوست، پس نوری مثل اشعه ایکس است که از پوستها رد میشود و بر اعضاء داخلی بدن هم تاثیر گذار است.

۱۶) سایه در جهنم چطوری است؟

وَيلٌ يَومَئِذٍ لِلمُكَذِّبينَ

بروید به سوی آنچه قبلاً باور نداشتید.

انطَلِقوا إِلىٰ ما كُنتُم بِهِ تُكَذِّبونَ
بروید به سوی سایه ای از سه غلظت مختلف.

انطَلِقوا إِلىٰ ظِلٍّ ذى ثَلٰثِ شُعَبٍ
با این حال، آن نه خنکی فراهم می کند و نه از گرما محافظت می نماید.

لا ظَليلٍ وَلا يُغنى مِنَ اللَّهَبِ
آن جرقه هایی به بزرگی کاخ ها پرتاب می کند.

إِنَّها تَرمى بِشَرَرٍ كَالقَصرِ
به زردی رنگ شتران.

آیات سوره مرسلات اعلام میدارد که در جهنم هم سایه وجود دارد. اما سایه ای با چگالی و سختی متراکم شده. که نه خنک میکند و نه از گرما حفاظت میکند و سایه در جهنم به نوعی بازهم برای جهنمیان زجر است. آیه آخری بیان میدارد که حتی رنگهای جهنم ، چشمها را اذیت میکند .

۱۷) خانه در جهنم

سْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)

و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعا بر کافران احاطه دارد (۵۴)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵)

آن روز که عذاب از بالای [سر] آنها و از زیر پاهایشان آنها را فرو گیرد و [خدا] می فرماید [نتیجه] آنچه را میکردید بچشید (۵۵)

ما در روی زمین میتوانیم یک خانه درست کنیم و در آن زندگی کنیم. اما در جهنم نمیتوان . آن روز که عذاب از بالای [سر] آنها و از زیر پاهایشان آنها را فرو گیرد. خاک زمین در دستان ما نرم است و میتوان آن را به اشکال مختلف در آورد ولی خاک جهنم بر کافران احاطه دارد و بعلت خاصیت آن خاک، اجازه کاری نمیدهد.

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (۴۱)

و یاران چپ کدامند یاران چپ (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (۴۲)

در [میان] باد گرم و آب داغ (۴۲)

وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ (۴۳)

و سایه ای از دود تار (۴۳)

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (۴۴)
نه خنك و نه خوش (۴۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ (۴۵)
اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند (۴۵)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ (۴۶)
و بر گناه بزرگ پافشاری میکردند (۴۶)

بادی که در جهنم میوزد، با بادی که در زمین می وزد بسیار فرق میکند. بادگرم و گردو غباری از دود تار که نه خنک میکند و زجر آور است.

۱۸) آلودگی صوتی جهنم

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷)
چون در آنجا افکنده شوند از آن خروشی می شنوند در حالی که می جوشد (۷)

در بهشت همه چیز آرامش است ولی در زمین با این اوصاف خدا نعمتهای زیادی در اختیار مردم گذاشته است و از یک طرف مردم برای خود آلودگیهای صوتی عجیبی ایجاد کرده اند. ولی در جهنم آلودگی صوتی وحشتناکی وجود دارد که قابل مقایسه با آلودگی صوتی زمین نیست.

۱۹) انسان تبعیدی تفاوتهای ساختاری زیادی با حیوانات بومی زمین دارد

انسانها تبعیدی هستند و موقت به کره زمین منتقل شده اند. شرایط زمین زیاد با انسان سازگار نیست. زایمان حیوانات غیر از انسان براحتی صورت میپذیرد ولی زایمان انسان به سختی صورت میگیرد. یک بچه نه ماه در شکم مادرش اذیت است و حین تولد هم سختی های زیادی هست. بعد از تولد هم تا چند سالی باید لحظه به لحظه مراقبش بود تا بزرگ شود. ولی بچه حیوانات اینطوری نیستند. این نشان میدهد که شرایط زمین با بدن انسانها زیاد جور نیست زیرا انسانها تبعید شده اند.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱۵)

و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیرگرفتن او سی ماه است تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می گوید پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم (۱۵)

خدای مهربان در آیه فوق می فرماید که بارداری و شیردادن به نوزاد حدود سی ماه است و تا آنگاه که به رشد کامل روحی برسد و به چهل سالگی برسد. این ثابت میکند که مدت عمر انسان از زمانی است که نطفه بسته میشود و نه ماه داخل شکم مادر هم به سن فرد باید افزوده شود. و همچنین میتوان براحتی فهمید که بشر در سن چهل سالگی به بلوغ روحی میرسد. تمام کسانی که زیر چهل سالگی فوت نمایند، از آنجا که به بلوغ روحی نرسیده اند، براساس رحمت خدا به بهشت زیرین خواهند رفت.

۲۰) انسان زندگی روی زمین را برای خود سخت تر کرده است

وقتی از کره ماه به زمین نگاه بشه ، متوجه تغییرات زیادی میشیم که انسانها در کره زمین بوجود آورده اند؛ انسانها مدام دنبال ایننده که همان شرایط بهشت از دست داده شده را برای خود بوجود آورند. ولی عملا امکان پذیر نیست. متاسفانه برعکس، بیشتر انسانها دنبال ایجاد شرایط جهنم برای خود هستند. فحش و توهین، ناسزا گویی، مال دوستی، طمع، چشم چرانی، زنا ، دزدی و ... اینها مقدمه ایجاد جهنم روی کره زمین است. هنوز بشر باور نکرده است که متاسفانه بیشتر مردم روی کره زمین وارد جهنم میشوند!

۲۱) سیاره های بزرگتر از زمین

جهنم به معنای واقعی و کامل یعنی فقدان و دوری از رحمت خدا. خدایی که بندگانش را براساس مذهب قضاوت نمیکند. خدا انسانها را براساس ماهیت نفسشان قضاوت میکند.

جدیدا یک سیاره ای پیدا کرده اند که سفر از این ور به آن ور این سیاره با سرعت نور، چهل میلیون سال نوری طول میکشد. که برای زمین فقط چند ثانیه طول میکشد! عظمت خدا اینجا نمایان میشود. بزرگی و عظمت و مدح و ثنا شایسته فقط خدای یکتاست.

انسان به یکی از کوچکترین سیاره های کیهان تبعید شده است. باید روی این نکته فکر کرد.

۲۲) پرهیزگاران حقیقتا نمی میرند

پرهیزکاران حقیقتاً نمی میرند؛ بلکه فقط کالبد خود را در این دنیا رها می کنند و به همان بهشتی راه می یابند که آدم و حوا زمانی را در آن می زیسته اند. هیچکس نمی میرد جز به اذن خدا، در زمانی معین که تاریخ آن از پیش نوشته شده است. هرکس به دنبال متاع پوشالی این جهان باشد، از آن به او داده میشود، و هرکس در طلب پاداش آخرت باشد، در آنجا مورد رحمت قرار می گیرد. مرگ بر خلاف باور بعضی ها به خیلی ناراحتی ها و زحمات پایان میدهد. آدمی همیشه جوان و زیبا و پر انرژی نمی ماند. زمانی می رسد که مورد بی مهری اطرافیان قرار می گیرد و

دچار انواع بیماری ها و انواع ناراحتی ها و مشکلات میشود. در این حالت مرگ نجات دهنده ست . به مشکلات آن فرد پایان می دهد. اما خوشا بحال کسی که در طول زندگی خویش درستکار زندگی کرده است و توشه ای برای بعد از مرگ خویش جمع کرده است. بزرگترین وعده و زیبایی قیامت رفتن مردم پیش خداست و اجرا شدن قضاوت خداست. کسانی که منکر وجود خدایند و جهان آخرت را منکر میشوند، از مهمترین رکن زندگی یک انسان میگذرند. با عدم وجود قضاوت خدا در قیامت، فرقی بین یک دیکتاتور و یک مظلوم وجود ندارد. یک دیکتاتور که جان هزاران نفر را می گیرد با یک مظلوم که از همه چیز در این جهان بی نصیب مانده است، در یک سطح قرار می گیرند و اینکه هر دو برای همیشه از بین می روند. قیامت و معاد نیمه گمشده عدالت این دنیاست که بدون آن واقعا زندگی چند ساله و پرزحمت این دنیا بی معنی است. سیستم این جهان طوری طراحی شده است که بدون معاد و قضاوت، زندگی بی معناست و کامل نیست.

اما فیزیولوژی بدن دوزخیان طوری است که نمی میرند. جهنمیان از شدت درد و عذاب روزی صدها بار آرزوی مرگ میکنند ولی امکان پذیر نیست.

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ (۷۷)

و فریاد كشند ای مالك [بگو] پروردگارت جان ما را بستاند پاسخ دهد شما ماندگارید (۷۷)

مرگ بزرگترین نعمتی است که خدا به اهل زمین عطا فرموده است. با مرگ خیلی از مشکلات فرد حل میشود. اما در جهنم مرگ وجود ندارد. در واقع روزی هزار بار تا پای مرگ می روند ولی نمی میرند.

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ (١٦)
[آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او آبی چرکین نوشانده می شود (١٦)

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (١٧)
آن را جرعه جرعه می نوشد و نمی تواند آن را فرو برد و مرگ از هر جانبی به سویش می آید ولی نمی میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد (١٧)

۲۳) تعداد ستاره ها

اگر تعداد ستاره هایی که تا بحال کشف شده است در آسمان یکم را بخواهیم بشماریم و برای هر یکی، یک ثانیه زمان ببرد ، نزدیک به ۳۲ میلیارد سال طول میکشد که ما بشماریمشان. ولی خدا با یک کن فیکون میسازد!! عظمت و بزرگی فقط شایسته خداست.

خدای توانا تمام این کهکشانها را در کنترل خویش دارد. نه تنها این کهکشانها، بلکه تک تک اتمها را تحت کنترل خویش دارد . تمام اینها گواه بر عظمت خداست. از آخر کهکشان، اصلا زمین کجاست؟ اصلا زمین ناپیداست. این نکته خیلی معنادار است. این است که نام کسی دیگر را نباید در کنار نام خدا قرار داد.

۲۴) آب

همانطور که گفته شد، شرایط بدنی ما زیاد با زمین سازگار نیست. حیوانات و جانداران روی زمین از آبی مینوشند که در رودخانه ها جاری است. اما انسان باید از آب چشمه و زلال و یا تصفیه شده استفاده کند والا مریض میشود. این نشان میدهد که بدن ما زیاد متناسب زمین نیست و ما تبعید شده ایم. انسان باید در اکثر مواد روی مواد زمین تغییرات شیمیایی و فیزیکی ایجاد کند تا بتواند مصرف کند. در حالیکه برای حیوانات و جانداران دیگر اینطوری نیست. زیرا آنها بومی های زمین هستند و زمین مخصوص آنها ساخته شده است و همه چیز در زمین برای آنها آماده ست. اما انسان در تبعید و در رنج و سختی به سر می برد و باید برای بدست آوردن نیازهایش، رنج و زحمت زیادی بکشد.

۲۵) فرقهای مهم حیوانات با انسان

انسان تا حد زیادی با زمین سازگار نیست و این بخاطر در تبعید بودنش است . خدا عمدا اینطوری ما را ساخته تا همیشه به ما یادآوری کند که شما باید الان جای دیگری میبودی! مثلا بچه حیوانات دیگر بدون هیچگونه آموزشی شنا بلدند. در حالیکه بچه انسان اینطوری نیست.

مطلب زیر برگرفته از صفحه این سایت است.

پوست بعضی حیوانات در زمستان کلفت‌تر از حد معمول می‌شود. خرسها برای مصرف کمتر انرژی ضربان قلب آن‌ها آهسته‌تر می‌شود و سوخت‌وساز بدنشان نیز کند می‌شود. خرس‌های قطبی نیز در قسمت زیرین موهای خود لایه‌ای از چربی دارند که بدن آنها را گرم نگه می‌دارد. همچنین سطح بدن این حیوانات از موهای بلند و ضخیمی پوشیده شده که ساختار پیچیده‌ای دارد. این موها دارای حفره‌هایی هستند که در زمان جمع شدن حرارت در زیر لایه کرکی مانند سطح پوستشان به دفع کردن آب کمک می‌کند. .موش‌های خرما به هنگام خواب زمستانی تنها دوبار در دقیقه نفس می‌کشند و گرمای بدن‌شان نیز تا پنج درجه سانتی‌گراد کاهش می‌یابد. معده و روده آن‌ها نیز نصف اندازه اصلی می‌شود. بر خلاف ماهی یخی و ماهی روغنی بسیاری از حیوانات خونسرد به دلیل آن که آب موجود در خونشان به یخ تبدیل می‌شود در درجه حرارت زیر صفر جان خود را از دست می‌دهند. کریستال‌های یخ، سلول‌های بدن حیوانات را همچون میلیون‌ها تیغ کوچک برنده سوراخ می‌کند. برخی از خزندگان و دوزیستان نیز برای حفاظت از خود در برابر یخ‌زدگی به شیوه‌های خاص روی می‌آورند و برای آن که از این کریستال‌های یخ

خود را حفظ کنند، میزان گلوکز خون خود را افزایش می‌دهند تا از تولید این کریستال‌ها پیشگیری شود.

مارمولک‌های شمالی تنها حیواناتی نیستند که به مقابله با سرما نیاز دارند. حتی در منطقه استوایی ملایم نیز خزندگان به شیوه‌هایی روی می‌آورند تا به عنوان موجودات خونسرد با سرما و یخ‌زدگی مقابله کنند.

قورباغه استرالیایی آب را در آبشش ها، بافت بدن و مثانه‌اش ذخیره می‌کند. این دوزیست پف‌دار می‌تواند دو برابر وزن خود آب ذخیره کند. زمانی که ظرفیتش کاملاً پر باشد، می‌تواند تا ۵ سال بدون آب زنده بماند!!

لاک‌پشت‌ها، از جمله لاک‌پشت‌ها بیابانی و لاک‌پشت‌ها غول‌پیکر در جزایر گالاپاگوس، آب را در مثانه خود ذخیره می‌کنند. هنگام بارندگی و زمانی که به برگ‌های آبدار می‌رسند، مثانه خود را با آب پر می‌کنند. در روزها و فصول خشک، آب را از دیواره قابل‌نفوذ مثانه استخراج می‌کنند.

ولزبرگ در یک آزمایش یک قورباغه درختی را برای چندین ماه در یک جعبه کفش نگه داشت. "زمانی که جعبه را باز کردم، چیزی شبیه به قورباغه مومیایی‌شده دیدم. روی آن آب ریختم. قورباغه از پوسته اطرافش بیرون آمد و کاملاً حالش خوب بود.

بااینکه عرق کردن و نفس‌نفس زدن به خنک شدن حیوانات کمک می‌کند، اما هر دو فعالیت آب بسیاری هدر می‌دهد. به همین دلیل شترها نفس‌نفس نمی‌زنند و

غدد عرق کمتری دارند. تفاوت دمای بدنشان در روز تنها ۶ درجه سلسیوس است. ولزبرگ می‌گوید: "ما انسان‌ها انرژی زیادی صرف می‌کنیم تا دمای بدنمان نزدیک به ۳۸ درجه بماند. یکی از روش‌های شترها آزاد بودن دامنه‌ی دمای بدنشان است. این روشی عالی برای کاهش وابستگی بدن به آب است.

در اکثر موارد، کل وزن اسکلت یک پرنده از کل وزن پرهای آن کمتر است.

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (١٧)
آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده (١٧)

۲۶) نا سازگاری انسان روی زمین

ناهمگون بودن انسان گاهی معلول نابرابرهای اجتماعی و فساد در جامعه است. یک کشور فقیر برای گذران زندگی افرادش، مجبور است که زغال سنگ تولید کند. یک کشور غرق در فساد اجتماعی سیاسی، بخاطر غرق شدن مسئولین و مردمش در فساد مدام مجبور است که بنزین مردمش را از هر نوعی تحت هر شرایطی تهیه کند و باعث ضربه زدن به محیط زیست خودش شود. یک جامعه بیمار پول، از درون زمین آنقدر آب بیرون میکشد تا که شرایط را برای وقوع زلزله فراهم کند و...

نگاه انسان به طبیعت باید براساس خداپرستی باشد. کسی که اسراف کند و ناشکری و ناسپاسی کند و طمع ورزد نسبت به نعمتهای خدادادی روی زمین،

خوبخود نسبت به هم نوع خود هم ناشکر و ناسپاس است و همین ظلمها را هم نسبت به هم نوع خویش روا میدارد. کسی که نسبت به یک حیوان بی زبان رحم نداشته باشد، قطعا نسبت به هم نوعان خویش هم بی رحم خواهد بود.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۱۱۵)
آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید (۱۱۵)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (۱۱۶)
پس والاست خدا فرمانروای برحق خدایی جز او نیست [اوست] پروردگار عرش گرانمایه (۱۱۶)

کووید ۱۹ ثابت کرد که بشر بیشتر از آنکه محتاج پول باشد، بیشتر محتاج همزیستی مسالمت آمیز با هم نوعان و غیر هم نوعان خویش است. یک انسان خوب حتی نسبت به مخالفش هم ترحم دارد.

۲۷) حیوانات بومی زمینند و به همین خاطر اسراف نمی کنند

یک شیر تنها چیزی که میخورد گوشت حیوانات دیگر است و با همین یک نوع غذا تمام ویتامینهای بدنش تامین میشود. اما انسان اینطوری نیست و بعد از مصرف

یک ماده خوراکی بطور مداوم دچار کمبودهای ویتامین خواهد شد. حیوانات و جانداران دیگر در یک چرخه طبیعی هرکدام کامل کننده یکدیگرند . گوشتی که از شکار یک شیر باقی می ماند، خوراک کفتارها میشود و مقداری که فاسد میشود، توسط ویروسها تجزیه میشود و دوباره به چرخه طبیعی بر میگردد. اما انسانها کامل کننده یکدیگر نیستند. به همین خاطر خدا می فرماید:

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۳۶)

پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید و از آنچه در آن بودند ایشان را به درآورد و فرمودیم فرود آیید شما دشمن همدیگرید و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی برخورداری خواهد بود (۳۶)

اما در جهنم اصلا شرایط به این سادگی نیست. غذایی که در جهنم برای انسانها موجود است، به هیچ وجه نیاز انسان را بر آورده نمی کند و خوردنش رنج و عذاب است.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (۵۱)

آنگاه شما ای گمراهان دروغپرداز (۵۱)

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ (۵۲)

قطعا از درختی که از زقوم است خواهید خورد (۵۲)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۵۳)
و از آن شکمهایتان را خواهید آکند (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴)
و روی آن از آب جوش می نوشید (۵۴)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (۵۵)
[مانند] نوشیدن اشتران تشنه (۵۵)

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶)
این است پذیرایی آنان در روز جزا (۵۶)

۲۸) در جهنم مردم نمی توانند خدا را صدا زنند

طبق گفته خدای مهربان در قرآن، در جهنم ، مردم نمیتوانند خدا را صدا بزنند. همانطور که در آیه زیر می بینید کلمات دوزخیان به خدا نمی رسد . یعنی از نظر روحی در شرایطی به سر می برند که نمی توانند خدا را بخوانند و نمی توانند از خدا کمک بخواهند . در نا امیدی مطلق به سر می برند .

آیه قرآن : کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون
[۱۵:۸۳] درواقع، در آن روز، از پروردگارشان جدا خواهند بود.

تمام شرایط سخت جهنم هم بخاطر جدا بودن از خداست. زیرا کسی که دچار لعنت خدا شود، دیگر شامل رحمت خدانیست و وقتی رحمت خدا نباشد، یعنی شرایط برای زندگی میشود مثل جهنم!

۲۹) انسان رو به جهنم میرود

یَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
روزی عذاب دوزخ از بالای سرشان و از زیر پاهایشان ایشان را فرا خواهد گرفت و خداوند بدیشان خواهد فرمود: بچشید (جزای) کارهائی را که (در دنیا) می‌کردید.

براساس آیه فوق، عذاب در جهنم از بالا خواهد بود که همان حرارت خورشید جهنم است و همچنین از پایین که جاذبه وحشتناک جهنم است که به سختی میتوان قدم برداشت . آنچنان به سختی که انگار به دست و پای انسان زنجیر وصل شده است.

انسان بطور پیشفرض مسیرش رو به جهنم است مگر اینکه مسیرش را عوض کند و برگردد به طرف خدا.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (٢)
كه واقعا انسان دستخوش زيان است (٢)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
(٣)مگر كسانى كه گرويده و كارهاى شايسته كرده و همديگر را به حق سفارش و به شكيبايى توصيه كرده اند (٣)

انسان پيشفرض در زيان و خسران است مگر اينكه كارهای شايسته كند و به طرف خدا برگردد. اصولا كسی كه در تبعيد به سر ميبرد، مسيرش در تبعيد است و اگر كارهای شايسته نكند، به تبعيد آخری (جهنم) ميرود .

۳۰) استرس

يک مورچه ، چه غذا باشد، و چه غذا نباشد، تلاش خودش را انجام ميدهد و هيچگونه استرسی برای جمع كردن آن ندارد. در حاليكه انسان در پيدا كردن پول ، استرس زياد دارد. زيرا مورچه زمين را خانه خود ميداند و يک انسان آن را خانه خود نمی داند.

۳۱) در جهنم شوخی و تفريح وجود ندارد

جهنم برخلاف این جهان جای خیلی جدی ای است. آدمها میتوانند در این جهان با دیگران شوخی کنند ولی جهنم جای شوخی نیست. کسی حال و هوای شوخی ندارد. هرکسی آنقدر مشکلات و زجر دارد، که از هر چیزی خسته است.

خدا به مومنان توصیه میکند که :

عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳)
و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (۶۴)
و آنانند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵)
و کسانی اند که می گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است (۶۵)

۳۲) زلزله

بسیاری از حیوانات خطراتی مثل زلزله، سونامی، سیل و بارش باران را با توجه به حس خویش نسبت به طبیعت زمین درک و پیش بینی میکنند. در حالیکه انسان

بیخبر از همه چیز است. البته انسان در این زمینه هیچ تجربه و درکی ندارد. این نشان میدهد که انسان زیاد با طبیعت زمین اخت نیست و تبعیدی است. البته انسانها مجبورند که همین توانایی را با تکنولوژی جبران کنند، در حالیکه سایر حیوانات مادرزاد چنین توانایی هایی دارند. حیوانات زمین را خانه خود میدانند و بومی زمین هستند. اما انسان زمین را خانه خود نمی داند. یک حسی در انسان هست که میخواهد دوباره به خانه خویش که همان بهشت است برگردد ولی غافل از اینکه تنها راه برگشت به بهشت، پرهیزگاری و خدا پرستی است و هر راه دیگری به جهنم ختم میشود.

۳۳) انسان منکر تبعید شدنش است!

جالب است که همین انسان که از بهشت به کره زمین رانده شده است، منکر هدایت از طرف خداست. هدایتی که برای پایان دادن به تبعید نازل میشود!!! وجود شیطان در کنار انسان ، منطق های ساده را از انسان سلب کرده است. انسان پیام برای نجات یافتن از تبعید را رد میکند، مثل یک زندانی که نمیخواهد از زندان آزاد شود. این است که اینجور آدمها ناخواسته به تبعید گاه بعدی میروند که همان جهنم است. اینجور آدمها زمین را به عنوان سکونتگاه اصلی خویش پذیرفته اند و فکر میکنند برای همیشه در اینجا هستند. افراد با این نوع تفکر هیچ از خودگذشتگیی ندارند و هیچوقت در راه خدا جان و اموال خود را به خطر نمی اندازند.

۳۴) پیامی مهم از طرف خدا به تبعید شده ها

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعا سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می کنند بهتر است آیا نمی اندیشید (۳۲)

۳۵) صداهای طبیعت زمین

وقتی میروی طبیعت ، هیچ صدایی شما را اذیت نمی کند. صدای قورباغه و جیرجیرک و کلاغ و گنجشک هیچوقت برای ما مزاحم نیستند. حتی آرامش دهنده هم هستند. کسی از قناری برای آوازش تشکر نمیکنه ولی قناری همیشه با تمام وجودش میخواند. کسی به کبک نمی گوید بخواند، ولی او با تمام وجودش میخواند. آنها بلدند که چکار کنند و چکار نکنند. اما یک انسان بعد از سالها مدرسه رفتن و درس خواندن، تازه متوجه میشود که تابحال اشتباه زندگی کرده است! این است که انسان با طبیعت زیاد همگون نیست و در بسیاری از موارد به طبیعت و خود آسیب میزند. حیوانات طبق غریزه خدادادی عمل میکنند. اما انسان هم فطرتا خداپرست به دنیا می آید ولی متاسفانه تلقینهای آباء و اجدادی کار را خراب میکنند و به این طریق انسان در فطرت خدادادی خویش دستکاری میکند و از همین جاست که آدم شروع میکند به عمل برخلاف فطرت و طبیعت در زمین .

آدمی برای یک لحظه هیجان ، در مسابقه گاوبازی، گاوها را سلاخی میکند و برای انسانی که فطرت خود را دستکاری کرده است، هیجان مهمتر از هر چیزی است.

۳۶) حفاظت از طبیعت

حیوانات میدانند که چگونه از طبیعت حفاظت کنند. آنها کاری نمی کنند که طبیعتشان نابود شود. زیرا زمین را خانه خویش میدانند. یک کلاغ در حفاظت از طبیعت داناتر از انسان است.

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ* فَبَعَثَ اللّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَـذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

«نفسش او را به کشتن برادر ترغیب کرد و او را کشت و از زیانکاران گردید*خدا کلاغی را واداشت تا زمین را بکاود و به او بیاموزد که چگونه جسد برادر خود پنهان سازد (قابیل)گفت: وای بر من، در پنهان کردن جسد برادرم از این کلاغ هم عاجزترم و در زمره پشیمانان در آمد.

اگر چشم انسانهای دیگر و یا شبکه های اجتماعی نباشد ، بشر براحتی هر چه آشغال دم دستش است در طبیعت رها میکند، انگار زمین خانه او نیست ! البته

آدمهای پرهیزگار اینکار را نمی کنند زیرا نسبت به آنچه انجام میدهند، خود را مسئول میدانند.

۳۷) دو راه پیش پای انسان است

خدا دو راه پیش پای ما تبعید شده ها گذاشته است:

یک:

نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۴۹)
به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان (۴۹)

دو:

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (۵۰)
و اینکه عذاب من عذابی است دردناك (۵۰)

۳۸) توصیه خدا به بندگان تبعیدی روی زمین

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳)
و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (۶۴)

و آنانند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵)

و کسانی اند که می گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است (۶۵)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۶۶)

و در حقیقت آن بد قرارگاه و جایگاهی است (۶۶)

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶۷)

و کسانی اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند (۶۷)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (۶۸)

و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را ریافت خواهد کرد (۶۸)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (۶۹)

برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می شود و پیوسته در آن خوار می ماند (۶۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۷۰)

مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند پس خداوند بدیهایشان را به نیکیها تبدیل می کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است (۷۰)

۳۹) مقاومت در مقابل نور خورشید

دانشمند آمریکایی علوم ژنتیک ثابت کرده است که کروموزمهای انسان با سایر حیوانات تفاوت زیادی دارد. ژنتیک حیوانات طوری آفریده شده است که مقاومت بیشتری در برابر پرتوهای مضر و شدید خورشید دارند و نور خورشید در زمین مناسب آنهاست. اما ژنتیک بشر تا حدی او را در مقابل خورشید محافظت کرده است و کامل نیست. حتی اگر روزی بشر بخواهد که در یک کره دیگر مثل مریخ ساکن شود و امکانات آن فراهم شود، قطعا با توجه به مقدار مقاومت در مقابل اشعه های خورشید، قادر به زندگی نیست، مگر اینکه در ژنتیک او دستکاری شود.

۴۰) میکروبهای زمین

بدن انسان برای خنثی کردن تمام میکروب‌های موجود در زمین کامل نیست و بدن حیوانات آمادگی بسیار بیشتری دارند. به همین خاطر حیوانات به نسبت انسان بسیار بسیار کمتر مریض میشوند. و البته انسان اکثر مواقع مریض است.

۴۱) انسان همه چیز خوار

انسان‌ها با وجود آسیب‌پذیری بالا در مواجهه با حوادث، با به‌کارگیری روش‌های علمی و استفاده از ابزارهای اختراعی خود در برابر نابودی مقاومت می‌کنند. این نوع مقاومت در مقابل حوادث و استفاده از علم همان کلماتی است که خدا به آدم القاء کرد. بشر تنها موجودی است که تقریبا همه چیز میخورد و این سردرگمی او ناشی از ناآشنایی او با زمین است. در حالی که حیوانات دیگر فقط آنچیزی را میخورند که نیاز جسمی آنان را برآورده میکند.

۴۲) شب قدر

اگر کمک خدا نباشد، بشر قادر به حیات نخواهد بود. زمانی که قحطی بزرگی در زمان یوسف اتفاق افتاد. تعبیری که یوسف انجام داد؛ باعث نجات آن نسل از مرگ شد. شاید وحی باعث شده است که بشر سرعت سیر تکاملیش خیلی زیاد باشد. به همین خاطر خدا میفرماید که شب قدر از هزار ماه بهتر است. هزارماه یعنی تقریبا ۸۲ سال. ۸۲ سال یعنی مدت عمر یک انسان طبیعی و تقریبا سالم. یعنی مطلبی که در شب قدر برای راهنمایی بشر نازل میشود، اگر انسان بخواهد خودش بدون وحی الهی بدست آورد، ۸۲ سال طول میکشد، آنهم اگر بشر بتواند! در اینجا متوجه میشویم که بشر تمام پیشرفتهای خود را مدیون وحی است و جالب است که انسان این موضوع را انکار میکند!

۴۳) در جهنم هیچ نوع دوستیی وجود ندارد.

انسان از بهشت اخراج شد در حالیکه در روی کره زمین بعضی ها دشمن بعضی دیگرند.

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (١٢٣)

فرمود همگى از آن فرود آييد در حالى كه بعضى از شما دشمن بعضى ديگر است پس اگر براى شما از جانب من رهنمودى رسد هر كس از هدايتم پيروى كند نه گمراه مى شود و نه تيره بخت (١٢٣)

این دشمنی و عداوت بین انسانها تا روز قیامت روی کره زمین هست و بخاطر سرپیچی از فرمان خدا بود. اما روی کره زمین دوستی ها هم وجود دارد هر چند اندک. اما در جهنم هیچ نوع دوستیی وجود ندارد. پیروان ، رهبران را لعنت میکنند و برعکس.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ (٣٨)

می فرماید در میان امتهایی از جن و انس که پیش از شما بوده اند داخل آتش شوید هر بار که امتی [در آتش] درآید همکیشان خود را لعنت کند تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند پروردگارا اینان ما را گمراه کردند پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده [خدا] می فرماید برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمیدانید (۳۸)

۴۴) آدمی قدر نعمتهای خدا روی زمین را نمی داند و اصلا متوجه نیست

آدمی تا وقتی یک نعمت را از دست ندهد، متوجه وجود آن نمیشود. اگر آب فراوان است ، او با خیال راحت ماشین و حیات خانه را میشوید و باغچه را آب میدهد و ... اما اگر آب کمیاب شود، آنوقت متوجه میشود که چه نعمتی را داشته است و خودش بی توجه بوده است. در حالیکه اگر برای هرنعمتی خدا را شکر کند، خدا برای او زیادترش میکند.

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۷)
و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعا عذاب من سخت خواهد بود (۷)

کمبودهایی که خدا در زندگی برای آدمیان بوجود میاورد بخاطر شوک وارد کردن به آنهاست تا که بیدار شوند. همین نکته ثابت میکند که ما در یک زندگی مسافرتی هستیم . خدای مهربان مدام زندگی بهشتی را در قرآن به ما یادآوری میکند تا

متوجه شویم که کجا بوده ایم و کجا آمده ایم و مواظب باشیم کجا میرویم و تلنگری باشد برای ما.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵)

و قطعا شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جانها و محصولات می آزماییم و مژده ده شکیبایان را (۱۵۵)

به همین خاطر ، انسانهای خوب بعد از هر گونه کمبود و مصیبتی، فورا متنبه شده و میگویند که إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم. زیرا موطن اصلی ما پیش خدا در بهشت بوده است و به سوی او بر میگردیم.

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶)

[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم (۱۵۶)

اما ممکن است که انسان متنبه نشود و سرنوشتی مثل قوم فرعون پیدا کند.

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۳۰)

و در حقیقت ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم باشد که عبرت گیرند (۱۳۰)

۴۵) به جلو انداختن تبعید گناهکاران به جهنم

گاهی افراد تبعیدی در زمین ، گناه را به حداکثر میرسانند و بخاطر این گناهان، محیط پر از فساد میشود. دراین حالت خدا تبعید گناهکاران را به جهنم به جلو می اندازد و عذاب خود را بر آنها نازل کرده و زودتر از موعد آنها را راهی جهنم میکند.

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (۱۶)

و چون بخواهیم شهری را هلاك كنیم خوشگذرانانش را وا می داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد پس آن را [یکسره] زیر و زبر کنیم (۱۶)

۴۶) کووید ۱۹

بیماری کووید ۱۹ که هم اکنون در تمام جهان شایع است پیامی است از طرف خدا به تبعید شده ها . انسان نسبت به زمین و طبیعت پیرامون خویش تعدی می کند . کووید نوزده فرصتی است تا طبیعت خودش را بازیابی کند مثلا لایه ازون در این

فرصت دارد خودش را ترمیم می‌کند. این در حالی است که کرونا برای بومی های زمین مشکل چندانی ایجاد نکرده است. بدن انسان نسبت به ویروسهای زمین بسیار ضعیف است.

کووید ۱۹ یک ویروس ساده است که در کره زمین بوجود آمده است. این ویروس بیش از یک سال است که زندگی بشر در کره زمین را مختل کرده است. نشان داد که بشر بسیار ضعیف است. اگر خدا بخواهد، میتواند زندگی بشر در کره زمین را با یک ویروس ساده انقدر مختل کند که همگی کلافه شوند. کووید ۱۹ عکس العمل طبیعی زمین بود در مقابل دست درازیهای انسان نسبت به طبیعت. در مدت این یکسال لایه ازن تاحدی ترمیم یافته است. اگر خدا بگذارد، ویروسها و جانداران زمین، در مدت یک ماهه، کل انسانها را نابود میکنند. ولی آنها تحت امر خدایند و فقط در وقت مشخص و اجل مشخص اینکار را میکنند.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (٣٠)
و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی گذرد (٣٠)

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (٣١)
و شما در زمین درمانده کننده [خدا] نیستید و جز خدا شما را سرپرست و یاوری نیست (٣١)

۴۷) کمبود آب در ایران

گسترش فساد در جامعه شرایط را برای نابودی زمین فراهم میکند. بیشتر مردم میخواهند بعد از چند سال میلیاردر شوند و بی نیاز از همه چیز! آنها آنقدر آب از زمین بیرون میکشند که منجر به تغییرات فیزیکی زمین و در نتیجه زلزله مهیبی در ایران میشود. سه پژوهشگر ایرانی ساکن آمریکای شمالی در مقاله‌ای در مجله نیچر، پرده از شرایط نگران کننده منابع آب زیرزمینی ایران برداشته‌اند.

کاهش منابع آب زیرزمینی در برخی نقاط بین ۲۰ تا ۲۶۰۰٪ گزارش شده و بیشترین میزان حجمی کسری مربوط به حوضه«دریاچه نمک» است که ۲۶٪ جمعیت ایران را دربرمی‌گیرد.

میزان کاهش منابع آب زیرزمینی در حوضه دریاچه بختگان نیز به ۲۶۰۰٪ می‌رسد. کمترین میزان کسری مربوط به حوضه آبریز هراز-قره‌سو است. به گفته این محققان، تولید غذا بدون بهبود راندمان آبیاری دلیل اصلی افزایش بیش از حد اضافه برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی ایران است.

اضافه برداشت آب زیرزمینی باعث می‌شود آبخوان‌ها حتی در سال‌های مرطوب قادر به بازیابی کامل نباشند. حدود ۷۶٪ مساحت کشور با اضافه برداشت مواجه است. عدم جبران کمبود آب آبخوان‌ها، عواقب عمده‌ای دارد که می‌تواند امنیت اجتماعی-اقتصادی و زیست محیطی ایران را تهدید کند.

بشر برای رفع نیازهای خویش اکثر اوقات روش غلط را انتخاب میکند و باعث نابودی طبیعت خود و نسل آینده میشود و همچنین باعث نازل شدن عذاب خدا بر خود میشود.

۴۸) زیباترین و امیدبخش ترین آیه

زیباترین و امیدبخشترین آیه در مورد سرای آخرت:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۸۳)

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (۸۳)

بیشتر مشکلات جامعه از اینجا ناشی میشود که مردم در جامعه خواستار برتری بر یکدیگر هستند. چه از نظر مادی و چه از نظر مذهبی. این نوع برتری جوییها نهایتا منجر به ظلم و فساد میشود.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۸۳)

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (۸۳)

۴۹) تسلط گناه بر انسان

خدای مهربان میفرماید که : کسی که گناهی انجام میدهد و گناهش را بحق دانسته طوریکه تحت تسلط عملش قرار گیرد، در آنصورت این فرد جهنمی خواهد بود.

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۸۱)

آری کسی که بدی به دست آورد و گناهش او را در میان گیرد پس چنین کسانی اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (۸۱)

۵۰) مهمترین آیه

مهمترین آیه که ثابت میکنه، ما در زمین در تبعید بسر می بریم و زندگی روی زمین همه اش آزمایش و سختی است. اما متاسفانه بیشتر مردم توجه نمی کنند.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۶۴)

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می دانستند (۶۴)

این آیه بسیار عجیب است و باید بیشتر روی آن مانور داد. خدا حرف بیهوده نمیزند و با کسی هم شوخی ندارد. مردم در قیامت افسوس میخورند و میگویند که ای کاش به حرف رسولانی که به سوی ما فرستاده شده بودند، گوش میکردیم.

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷)
و روزی است که ستمکار دستهای خود را می گزد [و] می گوید ای کاش با رسول راهی برمی گرفتم (۲۷)

۵۱) سرما و گرما

از آنجا که ما تبعید شده به زمین هستیم، شرایط ما زیاد با زمین جور نیست. مثلا هیچکدام از جانداران دیگر در سرما و گرمای زمین زیاد اذیت نمیشوند . شرایط بدنی آنها با زمین جور است. اما انسان در گرما و سرما اذیت میشود و خیلی از مواقع بدون کولر و خنک کننده نمی تواند راحت بزید. اما کدام حیوان کولر استفاده میکند؟ این است که جانداران دیگر بسیار بندرت بیمار میشوند. اما واقعا انسان اکثر اوقات بیمار است.

۵۲) زندگی جهنمی!

اما شرایط جهنم آنقدر با بدن انسان نامناسب است که انسان هیچوقت یک ذره خوشی نخواهد دید و هیچ آسایشی در کار نیست. برخلاف تفکر عموم مردم، جهنمیان در جهنم زندگی میکنند ولی زندگی جهنمی!

آنها غذا میخورند، می آشامند. آب جهنم آب نیست. مایعی است داغ که مزه بسیار زننده ای داره شبیه چرکاب. ولی مجبورند که آن را بخورند. غذاهایی از درخت زقوم که در جهنم روییده میشود و بسیار غذای کثیفی است که در مزه و کثیفی نمونه ندارد. کسی که آن را بخورد، بجز درد و عذاب چیزی عایدش نمیشود. گرسنگی و تشنگیش رفع نمیشود ولی مدام مجبور است که همیشه بخورد.

أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (۶۲)
آیا از نظر پذیرایی این بهتر است یا درخت زقوم (۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ (۶۳)
در حقیقت ما آن را برای ستمگران [مایه آزمایش و] عذابی گردانیدیم (۶۳)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (۶۴)
آن درختی است که از قعر آتش سوزان می روید (۶۴)

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (۶۵)
میوه اش گویی چون کله های شیاطین است (۶۵)

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۶۶)
پس [دوزخیان] حتما از آن می خورند و شکمها را از آن پر می کنند (۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ (۶۷)
سپس ایشان را بر سر آن آمیغی از آب جوشان است (۶۷)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ (۶۸)
آنگاه بازگشتشان بی گمان به سوی دوزخ است (۶۸)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (۶۹)
آنها پدران خود را گمراه یافتند (۶۹)

۵۳) چسبیدن به زمین

وقتی میدانیم و علم داریم که ما تبعید شده هستیم به زمین، در آنصورت جور دیگری به این زندگی می نگریم. مثل یک مسافریم. همیشه باید آماده رفتن باشیم. همیشه باید خودمان را آماده بکنیم و آمادگی رفتن داشته باشیم. ولی با کردار خویش آثار خوبی در زمین باقی بگذاریم. بعضی ها چنان به زمین و محتوایش می چسبند انگار که برای همیشه اینجایند.

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

پندارد كه مالش او را جاويد كرده (۳)

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴)
ولی نه قطعا در آتش خردكننده فرو افكنده خواهد شد (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)
و تو چه دانی كه آن آتش خردكننده چيست (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ (۶)
آتش افروخته خدا[يی] است (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷)
[آتشی] كه به دلها می رسد (۷)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ (۸)
و [آتشی كه] در ستونهايی دراز آنان را در ميان فرامی گيرد (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)
در ستونهاي كشيده و طولاني! (۹)

يا مثل كسی كه سالها عبادت كرد ولی فكر نمی كرد كه مسافر باشه و به زمين و زيور آلات آن چسبيده بود. آخر و عاقبت خوبی نداشت.

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (١٧٥)

و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد (١٧٥)

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (١٧٦)

و اگر می خواستیم قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می بردیم اما او به زمین [=دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد این مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن شاید که آنان بیندیشند (١٧۶)

اینکه ما با این طرز تفکر زندگی کنیم که مسافریم و اصالتا اینجایی نیستیم، در طرز زندگی ما بسیار موثر است و حسهای شیطانی طمع، بخل، کینه و ... را از خود دور میکنیم.

۵۴) در جهنم مرگ نیست

شاید بتوانم بگویم که مرگ در این جهان بزرگترین نعمتی است که خدا آفریده است. مرگ آدمی را از خیلی مشکلات نجات می دهد. خدا این نعمت را به تمام پرهیزگاران داده است. مرگ برای پرهیزگاران رهایی بخش است و برای گناهکاران ورود به مرحله ای جدید از عذاب. در جهنم مرگ وجود ندارد و در عوض زندگی هم وجود ندارد. در حالیکه در جهان فعلی ما، زندگی میتوان کرد (هر چند با مشکلات زیاد ولی قابل تحمل است) . اما در جهنم همین زندگی هم وجود ندارد و مرگ هم وجود ندارد. این یعنی بدبختی بسیار بزرگ که تا ابد گریبانگیر گناهکاران خواهد بود.

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى (۹)پس پند ده اگر پند سود بخشد (۹)

سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَى (۱۰)آن کس که ترسد بزودی عبرت گیرد (۱۰)

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱)و نگون‌بخت خود را از آن دور می دارد (۱۱)

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى (۱۲)همان کس که در آتشی بزرگ در آید (۱۲)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳)آنگاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد (۱۳)

۵۵) خدا نمی خواهد که ما زمین را انتخاب کنیم. او میخواهد که ما جایگاه اصلی خویش، بهشت را انتخاب کنیم.

با توجه به اینکه ما تبعید شده ایم به زمین، از آیات قرآنی مشخص میشود که خدا نمی خواهد که ما زمین را انتخاب کنیم و به زیورآلات آن بچسبیم. راه حل برگشت ما به جای اصلی در این است که به زمین و زیورآلات داخل آن دل نبندیم و دل خوش نکنیم. خدا زندگی در زمین را فقط چند روز از زندگی بهشتی اعلام میکند. آن را لهو و لعب می نامد. وقتی ما دل به مقامات و زیور آلات زمین نبندیم، به نوعی نفس خویش را تزکیه کرده ایم . آدمی در زمین باید از یک سری چیزها بگذرد تا بتواند به جایگاه اصلی برگردد و این همان امتحان ما در تبعید است.

۵۶) عدم بهتر از جهنم است ولی امکان پذیر نیست

بعضی ها میگویند که جهنم وجود ندارد و جهنم و بهشت همینجاست! مهمترین دلیل بر وجود جهنم، این است که ما همانطور که در بهشت بخاطر ارتکاب گناه به اینجا زمین تبعید شدیم. کسانی هم که در اینجا گناه مرتکب شوند، به جایگاه بسیار بدتری به اسم جهنم تبعید میشوند. قطعا مرگ و عدم بهتر از جهنم است. بر طبق قرآن این آرزوی جهنمیان است که برآورده نمیشود. جهنمیان روزی هزار بار آرزوی عدم و مرگ میکنند ولی امکان پذیر نیست. کسی که میگوید که جهنم وجود ندارد و بعد از مرگ همه چیز تمام میشود؛ در جواب باید به او گفت ای کاش

اینطوری بود که شما می گویید. عدم بسیار بهتر از جهنم است. ولی قطعا اینطوری نیست و وجود جهنم حتمی است.

۵۷) انسان همیشه بیمار است

انسانهای تبعید شده، بدنشان نسبت به زمین بسیار ضعیفتر از موجودات دیگر است. کمتر آدمی است که در طول عمرش به پزشک مراجعه نکرده باشد. سیستم غذایی زمین بطور کامل مناسب انسان نیست. انسان با تغییراتی که در غذاها ایجاد میکند، ناخواسته و خواسته به بدن خویش آسیب میرساند. چربی خون، مرض قند، فشار خون و ... از آثار مصرف غذاها و ترکیبات ساخته انسان است. حیوانات بسیار کمتر دچار این امراض میشوند.

به همین خاطر خدا برای نسل بشر سیستم روزه را در نظر گرفته است تا که انسان بدنش را در مقابل این غذاهای بد ترکیب حفاظت کند. ما در تبعید بسر می بریم و در نتیجه شرایط روی زمین زیاد مناسب نیست؛ اما خدای قادر متعال آنقدر مهربان است که حتی در این شرایط تبعیدی هم به فکر بدن ماست تا که خودمان را حفاظت کنیم. خدا شفای بدن ما را در عسل قرار داده است تا که انسان آثار بد غذاهای من در آوردی و بد ترکیب را خنثی کند.

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۶۹)

سپس از همه میوه ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه بپوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می کنند نشانه [قدرت الهی] است (۶۹)

۵۸)حتی ادیان دیگر هم بر تبعیدی بودن ما تاکید کرده اند

دین زرتشت، مقصد نهایی انسانها را دو چیز معرفی میکند.

رفتن به آتشگاه (جهنم)

و

برگشت به پردیس (بهشت)

۵۹)خودتان را از تبعیدگاه بعدی نجات دهید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مامورند انجام می دهند (۶)

۶۰)صفاتی که زندگی را بر مردم مشکل میکند

خدای مهربان صفات بدی در کتاب آسمانیش در وجود انسان ذکر میکند که باعث نابودی انسان میشود. کسی که بخواهد به بهشت اصلی برگردد و از دست این جهان فانی خلاص شود و به تبعید بعدی یعنی جهنم نرود باید صفات ناپسند زیر را از خود دور کند.

۱- عجول بودن
۲- ناسپاس بودن
۳- ستم پیشه بودن و خشم و عصبانیت
۴- بخیل بودن
۵- تنبلی و نا امیدی
۶- طغیان گر بودن
۷- جدل پیشه بودن
۸- مال دوست و زیاده خواه بودن
۹- متکبر بودن

زندگی در زمین سخت است ولی اگر کسی صفات ناپسند بالایی را داشته باشد، زندگی به مراتب بسیار سخت تر خواهد شد. انسانی که صفات بالایی را داشته باشد، تعادل زندگی اش به هم میخورد و بیماریهای گوناگون هم به او روی می آورند.

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿۱۸﴾

به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان (۱۸)

۶۱) جهنمی ها

کسانی که از حواسهای چندگانه خود بدرستی استفاده نکنند و با آن گناه کنند و در راه خدا با آنها تلاش و کوشش نکنند، اکثریت اهل جهنم را تشکیل می دهند.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹)

و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [چرا که] دلهایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوشهایی دارند که با آنها نمی شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند [آری] آنها همان غافل ماندگانند (۱۷۹)

۶۲) سردی و گرمی

آدمی با یک غوره سردی می کنه و با یک مویز گرمی. اکثر آدما چنین ضعیف هستند. در حالیکه جانداران دیگر چنین نیستند. زیرا آنها میدانند که چی بخورند و چی نخورند. ولی آدمیزاد بعلت اینکه با طبیعت اخت نیست، خیلی راحت از تعادل خارج میشود. تجربه نشان داده است که انسانهایی که با طبیعت اخت تر و نزدیکترند، عمر بیشتری میکنند. آدمی هر چی با طبیعت بیگانه تر باشه، بیشتر مریض میشود و بیشتر از ویروسها و میکروبهای زمین ضربه می بیند. آدمی البته مجبوره که این کمبودها را با تکنولوژی و داروهای مصنوعی جبران کند.

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا (۲۸)

خدا می خواهد تا بارتان را سبك گرداند و [می داند كه] انسان ناتوان و ضعیف آفریده شده است (۲۸)

۶۳) خاصیت عجیب انسان

سیگاری ها با آنکه می دانند نیکوتین آن ها را از پای در می آورد، سیگار را ترک نمی کنند. آنها با اینکه میدانند دود حاصل از سیگار ریه آنها را نابود میکند، ولی ترک نمی کنند. کسانی که مشروبات الکلی و مخدرها مصرف میکنند، با آنکه میدانند مشروبات الکلی و مواد مخدر برایشان مضر است ولی باز ترکش نمی کنند. زیرا آنها فکر میکنند با سیگار و مواد مخدر به حالت آرامش میرسند و شخصیتشان ارتقا می یابد. یعنی انسان تبعید شده برای بازیابی خودش و بازیابی اصل خویش

بنابه وسوسه شیطان به چیزهایی روی می آورد که مضر و زیان آور است. هیچ جاندار دیگری روی کره زمین این چنینی نیست.

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى (۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم (۱۲۰)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (۱۲۱)

آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت (۱۲۱)

۶۴) آدمی همه چیز خوار است و نمیتواند به یک چیز اکتفا کند

بشر غذای مشخصی در زمین ندارد و بیشتر غذاهای ترکیبی مصرف میکند. بعضی ها به گیاه خواری روی آورده اند ولی عملا خیلی مشکلات در زندگی دارند ، گیاه خواران خیلی زود ضعف می کنند، مثلا گیاه خواران به هم دیگر توصیه میکنند که برای جلوگیری از ضعف فلان چیز را بخورید! اگر از گرسنگی غش کردید فلان کار را بکنید. اگه حال نداشتید بلند شوید، سه تا خرما بخورید و ...

بشر بهتر است به جای این کارها در تغذیه تعادل داشته باشد و در هیچ چیزی زیاده روی نکند. افراط و تفریط در هر چیزی مشکل زاست. همین مشخص نبودن غذای انسان در زمین، بخاطر در تبعید بودن اوست.

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (٣١)

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگیرید و بخورید و بیاشامید و[لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد (٣١)

بشر از آنجا که اصالتا بومی زمین نیست، در برخورد با طبیعت یا زیاده روی میکند و یا کوتاهی. در کنار یک آبشار خودش را بخطر می اندازد و متوجه عواقب کار خود نیست. هیجان ناشی از کارش برایش مهم است. در حالیکه حیوانات دیگر هیجانات مخاطره آمیز بکار نمی برند. انسان در خوردن گیاهان و گوشتهای طبیعت هم یا افراط می کند و یا تفریط. به همین خاطر سلامتی خود را بخطر می اندازد.

۶۵) لذتهای زمینی هم بخاطر توجه و رحمت خداست

اگر یک ذره خوشی در زمین داریم، بخاطر توجه و رحمت خداست. گاهی انسانها فکر میکنند که خدا در مشکلات کنترل امور را در دست ندارد! در حالیکه خدا

لحظه به لحظه ما را می بیند و ما را نظاره گر است. در هر دم و بازدمی خدا ما را می بیند. اگر اکنون زمین هنوز قابل استفاده است و میتوان روی آن نفس کشید؛ بخاطر رحمت و توجه خداست. در جهنم ، آدمیان از رحمت خدا دورند و بین خدا و آنها حجابی قرار می گیرد که زندگی را بر مردم مشکل میکند.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵)
زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان جدا خواهند بود(۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (۱۶)
آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند (۱۶)

وقتی از رحمت خدا دور باشی و مورد لعنت خدا قرار گیری، در آنصورت پشت و پناهی نداری و رحمانیت خدا شامل تو نمیشود و برای همیشه در زجر بسر می بری. این عاقبت گوش دادن به حرف شیطان است . این همان جهنم است که قرار است گناهکاران کره زمین به آن تبعید شوند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)وای بر تکذیب کنندگان در آن هنگام (۱۰)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۱۱)آنان که روز جزا را دروغ می پندارند (۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی گیرد (۱۲)

۶۶) اصالت

درست است که ما اصالتا زمینی نیستیم، اما اصالت فقط این نیست که از کجا آمده ایم، بلکه این که به کجا می رویم و چطوری میرویم هم جزو اصالت ماست که خودمان در این دنیای فانی چند روزه باید آن را بسازیم. فرصت ما محدود است زیرا هر لحظه ممکن است که اجلمان فرارسد و کار از کار بگذرد. ما از آن خدا هستیم و به سوی او هم باز می گردیم.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم

ایمان بدون عمل صالح بی فایده است. ایمان ما باید طوری باشد که عمل صالح بیافریند تا اصالت و شخصیت ما را در این چند روزه دنیای فانی بسازد. اگر ایمان باعث عمل صالح نشود، بیفایده ست و قابل قبول نیست. فرعون در لحظات آخر عمرش به خدا ایمان آورد ولی از آنجا که ایمانش باعث هیچ عمل خوبی نشده بود، قابل قبول نبود. در واقع کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده باشد، ایمان آوردنش سود نمی بخشد و بی فایده است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ (۱۵۸)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم (۱۵۸)

۶۷) غرایز منحرف شده

هر غریزه ای که خدا آفریده است، یک هدف در آن است که باید براساس آن استفاده شود. خدای متعال غریزه جنسی را جهت حفظ بقاء و تولید نسل در موجودات گذاشته است. اما متاسفانه بعضی مکاتب در طول تاریخ و هم اکنون چنین اهدافی را زیر پا گذاشته اند. قوم لوط نیازهای غریزی خود را تغییر داده بودند. آنان ماهیت نیاز جنسی خویش را تغییر داده بودند. آدمی نباید ماهیت غرایز طبیعی خویش را تغییر دهد و گرنه دچار دردسر خواهد شد.

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿۷۳﴾

ترجمه: پس به هنگام طلوع آفتاب فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت.

قوم لوط دچار عمل زشت لواط شدند و بهمین خاطر خدا عذاب را بر آنان نازل فرمود. این نشان می دهد که در صورتی که یک قوم خاصی غرایز منحرف شده را

در دنیای واقعی اجرا کنند ، خدای متعال بعد از مدتی عذاب را بر آن قوم نازل می کند. زیرا غرایز منحرف شده برخلاف طبیعت است و محکوم به نابودی است. خدای مهربان آنقدر رحمش فراوان است که صرفا بخاطر ذهن و تفکرات کسی را در این دنیا عذاب نمی کند. بلکه فقط وقتی عذاب نازل می کند که آن غرایز به مرحله عمل رسیده باشند.

۶۸) دستکاری در طبیعت

بشر تبعید شده آنچنان در طبیعت دستکاری کرده که بالاخره نتیجه و عواقب تغییرات خویش را خواهد گرفت. همین حالا اردیبهشت ۱۴۰۰ جاهایی در ایران هستند که آبهای زیر زمینی در آنها نزدیک ۵۷۰ متر پایین رفته است و این یعنی فاجعه. قطعا چنین فاجعه ای، آن جامعه را به نابودی خواهد کشاند. بیشتر حشرات و حیواناتی که زیر زمین زندگی میکنند خطر را زودتر از انسان درک میکنند و به سطح زمین می آیند تا خود را نجات دهند. البته این وضعیت را انسان برایشان پیش آورده است و آنان در این زمینه هیچ گناهی ندارند. اما انسان خطر در بیخ گوش خود را هم درک نمی کند. انسان متوجه نیست که بزودی دچار یک زلزله مهیب خواهد شد و برای همیشه نابود میشود.

۶۹) انسان تنبیه خواهد شد

وقتی صحبت از نابودی لایه ازن میشود، به یاد بیماریهای پوست می افتیم، وقتی گرم شدن زمین مطرح است و در نتیجه یخ های قطبی آب میشوند ، به یاد زیر آب رفتن شهرها می افتیم. وقتی آلودگی هوا مطرح است، انواع سرطان های ریه و گوارش بالا میگیرد وقتی صحبت از زیاده روی در مصرف آب است، یاد زلزله و رانش زمین می افتیم و هزاران مثال دیگر. انسان تبعید شده خودخواه و خودبین و ظالم است. او نه تنها به فکر جانداران دیگر زمین نیست، بلکه به فکر نسل بعد از خودش و فرزندان خود هم نیست.

انسان از نظر علمی میتواند پیشرفت کند و راههایی برای رهایی از نابودی محیط خود پیدا کند ولی جنبه شیطانی انسان را نباید فراموش کرد که مشکل اصلی از همینجا ناشی میشود. صفات بد شیطانی که در تک تک انسانها نفوذ کرده و باعث میشود علم چندان موثر نباشد. طمع برداشت محصول بیشتر، باعث نابودی آبهای زیرزمینی و بالتبع وقوع زلزله خواهد شد. بیشتر انسانها در ظاهر مخالف اسرافند ولی در عمل چیز دیگری انجام میدهند. طمع، حسد، کینه، دشمنی، تنبلی و... از صفات شیطانی اند که باعث نابودی زمین خواهد شد. اسراف در مصرف آب بخاطر طمع، ساخت و بکارگیری ابزارالات جنگی مضر بخاطر دشمنی و ... . همگی ناشی از صفات شیطانی اند. به جرات میتوان گفت که در طول تاریخ اگر رسولان خدا نبوده بودند، تمام جهان رو به نابودی میرفت.

۷۰) خطرات واقعی

پیش بینی زلزله توسط حیوانات یک امر طبیعی است و بخاطر اخت بودن آنها با زمین است. اما بشر تبعید شده، در این مورد کاملا گیج است. مشاهدات زیادی مبنی بر ترک لانه قبل از وقوع زلزله از سوی مارها، راسوها و موش ها گزارش شده است؛ این حیوانات برای فرار از خطرات زلزله، چند روز پیش از وقوع آن، محل را ترک میکنند. حتی بعضی مارها یک ماه قبل از زلزله ، محل را ترک میکنند! حیوانات قبل از زلزله انواع مختلفی از بی قراری ها تا ترک لانه و فرار را بروز می دهند. آزمایشات نشان داده است که مورچه ها قبل از زلزله، بسته به شدت زلزله ، نظم و آرامش خود را از دست می دهند. این موارد نشان میدهد که حیوانات و موجودات دیگر تنها در صورت وقوع یک خطر واقعی دچار استرس و ترس و اضطراب میشوند. اما بیشتر استرسها و ترسها و ناراحتی هایی که انسان بر خود تحمیل میکند، غیر واقعی است و بیشتر الکی است و فقط احساسات و توهمات است. همین مورد دلیل تبعید انسان به کره زمین را مشخص میکند. تا وقتی که انسان این خصوصیات بیخود را از خود دور نکند، نمی تواند به موطن اصلی خویش بهشت برگردد. واکنش در مقابل یک خطر غیرواقعی و کاذب! استرس بخاطر هیچ! ترس از هیچ!

هیچ حیوانی از تاریکی نمیترسد بجز انسان! هیچ حیوانی برای خود توهم نمیسازد تا بعد از توهم خودساخته بترسد. البته دلیل این رفتار انسان برمیگردد به قرین او که همان شیطان است. شیطان متاسفانه با القاء ترس به قربانیان خود، آنان را کنترل میکند.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸)

شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست. (۲۶۸)

۷۱) انسانهای متکبر قادر به درک محیط خویش نیستند

انسان در محیطی که هر روزه زندگی میکند و هر روز می بیند، باز کارهای غلط را تکرار میکند و بندرت و ناچاری از تجربیات خود استفاده میکند. اگر یک الاغ در حال سفر اشتباه یا خطری را حس کند، حرکت نمی نماید و آغاز به کوبیدن پاهایش می نماید. این رفتار از روی هوش آن هاست اما مردم فکر می نمایند از روی سرکشی و لجبازی آن هاست؛ بسیاری از مردم به همین خاطر الاغ ها را موجوداتی احمق تصور میکنند و آنها را میزنند! اما انسان نیازی نمی بیند که طرز فکرش را در مورد زمین و موجودات بومی آن تغییر دهد، زیرا دست بالا را دارد و میتواند جان بقیه را براحتی بستاند. هر چند که بعضی خصوصیات بد در حیوانات هم هست که آزار دهنده است. مثلا صدای بچه خر برای یک انسان ناخوشایند است.

طرز رفتار انسان با محیط زندگیش نماد آنچیزی است که در درون آدمی رخ میدهد. وقتی افراد یک جامعه طمعکار و پول پرست باشند ، در آنموقع آب و سایر

منابع طبیعی را به اتمام میرسانند و در آنصورت برای خود زلزله می آفرینند. این است که خدا عذابهای دنیایی را حاصل و نتیجه کارهای خود انسان میداند.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ (۳۰)

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی گذرد (۳۰)

در آیه بعدی خدای حکیم می فرماید که ای مردم شما در زمین زیاد توانا نیستید ؛ اگر خدا بگذارد و امر کند، یک ویروس ساده مثل کرونا زمین گیرتان میکند. در آنصورت فقط خدا میتواند نجاتتان دهد و بجز او یاوری ندارید.

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۳۱)

و شما در زمین درمانده کننده نیستید و جز خدا شما را سرپرست و یاوری نیست (۳۱)

خدای حکیم میفرماید که مغرورانه روی زمین راه نرو. یعنی نسبت به انسانها و سایر موجودات و منابع زمین افتاده باش و اسراف نکن.

۷۲) انسان باید بداند که از کجا آمده است و به کجا میرود

کسی که بداند از کجا آمده است و برای چی به زمین تبعید شده است، وضعیتش در زمین بسیار بهتر است. بسیار بهتر میتواند با کمبودها و کاستی ها بسازد. در آنصورت انسان باید به اعمالی که انجام میدهد و عواقب آن فکر کند. قطعا خدا ما را جهت آبادانی به زمین تبعید نموده است و نه جهت خرابکاری و فساد.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (٨٣)

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (٨٣)

خدا صراحتا و علنا مردم را به سمت جای اولیه مان دعوت میکند و خیلی واضح زندگی زمینی را هیچ و لهو و لعب اعلام میکند. خدا میفرماید ای مردم برای رسیدن به بهشتی تلاش کنید که وسعتش به اندازه آسمان و زمین است. خدا حتی وسعت بهشت وعده شده را هم بیان میدارد تا اهمیت موضوع را بیان دارد.

٧٣) نفسها جفت جفت آزمایش میشوند

شاید جالب باشد که خدا طریقه فریب آدم و حوا توسط شیطان را در قرآن بیان میدارد و در این نحوه فریب، آدم و حوا هر دو مقصرند. شاید همدیگر را به سمت گناه سوق داده باشند. در زندگی واقعی زمینی ، ما و همسرمان میتوانیم همدیگر را به سمت و سوی گناه سوق دهیم. گاهی زن و شوهر در ثابت قدم بودن همدیگر

در راه خدا موثرند و برعکس میتوانند همدیگر را به سمت گناه بکشانند. خدا آزمایش زمینی را اینطوری طراحی کرده است. بعضی مواقع بعضی مردم حرفهایی میزنند که مثلا چرا فلان زن و شوهر که اصلا کارهای نیک هم انجام نمی دهند ولی با همدیگر خیلی خوبند! و زندگی خیلی خوبی دارند. باید توجه شود که اتحاد در زندگی زمینی در یک امری، دال بر خوب بودن آن امر نیست. آدم و حوا در بهشت با همکاری و هماهنگی هم، خود را از بهشت اخراج کردند! اگر می بینیم که زن و شوهرهایی کارهای نیک انجام نمی دهند ولی با هم سازش دارند؛ این سازش به نوعی اتحاد بر امری شیطانی است و اتحادی موقتی را میگذرانند که زیاد دوام نخواهد آورد و بالاخره یکجایی خودش را نشان میدهد.

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (۲۵)

و [ابراهيم] گفت جز خدا فقط بتهايى را اختيار كرده ايد كه آن هم براى دوستى ميان شما در زندگى دنياست آنگاه روز قيامت بعضى از شما بعضى ديگر را انكار و برخى از شما برخى ديگر را لعنت مى كنند و جايتان در آتش است و براى شما ياورانى نخواهد بود (۲۵)

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۶)

پس لوط به او ايمان آورد و [ابراهيم] گفت من به سوى پروردگار خود روى مى آورم كه اوست ارجمند حكيم (۲۶)

در قرآن ، شیطان عامل انحراف آدم و حوا ذکر شده است. در تورات ، شیطان از طریق حوا ، آدم را فریب داد. در حالیکه در قرآن فریب را به هر دو آدم و حوا نسبت میدهد و این نشان میدهد که از نظر قرآن هیچکدام از زن و مرد نمی توانند گمراهی خود را گردن دیگری بیندازند. بلکه هر کسی مسئول اعمال خودش است. اما براحتی میتوان متوجه شد که انحراف یکی از زوجین، بر دیگری بسیار موثر است و میتواند او را به گمراهی بکشاند، اگر که او آدم صالحی نباشد. در تورات ، شیطان از طریق حوا ، آدم را فریب داد و این طرز نگرش در مورد حوا که در تورات ذکر شده است باعث اختلافات فرهنگی زیادی شده است. مثلا کشیشهای مسیحی جهت جلوگیری از انحراف ازدواج نمی کنند. زنی که ازدواج کند، فامیلی او به فامیلی همسرش تغییر می یابد و ...

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيطانُ لِيبْدِی لَهُما ما وُورِی عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما وَ قالَ ما نَهاكما رَبُّكما عَنْ هذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكونا مَلَكينِ أَوْ تَكونا مِنَ الْخالِدِينَ

پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد؛ تا آن چه را از عورت هایشان برایشان پوشیده مانده بود، برای آنان نمایان گرداند و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد؛ جز [برای] آن که [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاوادنان شوید

۷۴) آدمیزاد میخواهد یکی دیگر باشد

شیطان با این حیله آدم و حوا را از بهشت بیرون کرد که به ملائکه تبدیل شوند. این تبدیل شدن به یک موجود دیگر از خصوصیات بشر است. بشر هیچوقت در موقعیت کنونی خویش راضی نیست. یک فقیر و یک ثروتمند هیچوقت به آنچه که دارند راضی نیستند. فقیر آرزو دارد که ثروتمند شود و ثروتمند آرزو دارد محیط آرامی داشته باشد و خوشبخت شود!

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى (۱۱۷)

پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناك] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی (۱۱۷)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى (۱۱۸)

در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی (۱۱۸)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى (۱۱۹)

و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب‌زده (۱۱۹)

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى (۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم (۱۲۰)

۷۵) قبلا وعده اخراج به زمین به بنی آدم داده شده بوده است

اما جالب است که خدای حکیم طبق آیات بالایی در بهشت به آدم هشدار تبعید به زمین داده بوده است. خدا هشدار داده بود که ای آدم زنهار که شیطان شما را از بهشت بیرون نکند و آنوقت بد بخت وشقی میشوی. ای بنی آدم حالا شما در جایی هستی که نه تشنه میشوی و نه گرسنه و نه برهنه و نه آفتاب سوخته و ... این یعنی این که اگر نافرمانی کنی و فریب شیطان را بخوری ، به جایی میروی که تشنه میشوی و گرسنه میشوی و برهنه میشوی و آفتاب سوخته میشوی و... اینها تعریف خداست از زمینی که هم اکنون در آن در تبعید به سر می بریم. خدا این هشدارها را قبلا گفته بوده است در بهشت! خدا قبلا گفته بوده است که زمین جای زیاد مناسبی برای زندگی بنی بشر نیست.

البته همین حالا در این مکان یعنی در زمین ، خدا هشدارمان میدهد به تبعید گاه بعدی به نام جهنم. جالب است که همان هشدارها دارد تکرار میشود ولی کو گوش شنوا!

بزرگترین گناه آدمیزاد در نظر نگرفتن هشدارها و خط قرمزهایی است که خدا تعیین میکند. اگر این هشدارها و خط قرمزها رعایت نشود، آدمی خیلی راحت در آغوش شیطان می افتد.

ولی جالب اینجاست که آدمیزاد بخاطر نافرمانی در بهشت به اخراج شدن به جایی به اسم زمین وعده داده شده است. خدا اخراج به زمین را یک عذاب برای ما در

نظر گرفته است. اینجا خیلی واضح مشخص میشود که بهشت چه جای راحتی بوده است! و همچنین همین زمین که زندگی در آن به سختی میگذرد ؛ خیلیها به خاطر تصاحب و مالکیت همین زمین، چه جنایتها که مرتکب نمی شوند. بدا بحال کسی که به زمین بچسبد.

۷۶) شرک

قبلا که آدم و حوا در بهشت بودند، شیطان به این روش آنها را فریب داد که به آنها وعده تبدیل شدن به ملائکه و جاودانگی داد. در بهشت هر گونه امکاناتی بود در حد اعلی. شیطان آنها را به بهانه جاودانگی و تبدیل شدن به ملائکه فریب داد. آدم و حوا دقیقا مهمترین دستور خدا را براحتی زیر پا گذاشتند.

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (۲۰)
پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورتهایشان برایشان پوشیده مانده بود برای آنان نمایان گرداند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید (۲۰)

اما حالا در زمین که اصلا امکانات بهشت را ندارد و زندگی به سختی میگذرد؛ شیطان وعده امکانات ساده همان بهشت را به مردم میدهد تا آنان را گمراه کند! دیگر از وعده جاودانگی و فرشته شدن خبری نیست!

گروههای داعش و امثالهم را وسوسه میکند که با منفجر کردن خود میان مردم، به بهشت میروند. مذاهب و گروههای دیگر را با وعده دیدار بهشت گمراه میکند و ساده ترین دستورات خدا را زیر پا میگذارد. درخت ممنوعه ای که در بهشت ممنوع شده بود، در زندگی زمینی ما همان گناه خطرناکی است که از نظر خدا قابل بخشش نیست، یعنی شرک.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (۴۸)
مسلما خدا این را که به او شرك ورزیده شود نمی بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می بخشاید و هر کس به خدا شرك ورزد به یقین گناهی بزرگ بربافته است (۴۸)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۴۹)
آیا به کسانی که خویشتن را پاك می شمارند ننگریسته ای [چنین نیست] بلکه خداست که هر که را بخواهد پاك می گرداند و به قدر نخ روی هسته خرمایی ستم نمی بینند (۴۹)

۷۷) دلبسته زمین نشوید

آدمیزاد فکر میکند که اگر شغل خوب و مقام خوب و یا درآمد خوبی داشته باشد، در آنصورت خوشبخت میشود. او تصور میکند که اگر یک زوج خوب و

فرزندانی داشته باشد، در آنصورت خوشبخت میشود و... ولی این آدمی که از این تصورات دارد، هفت میلیارد آدم دیگر را می بیند که بسیاری از آنان زن و فرزند دارند و مال و منال دارند. حتی لحظه ای به وضعیت آنان توجه نمی کند که آیا اینهایی که این امکانات و اموال را دارند، خوشبختند یا نه؟ اگر خوشبخت نیستند، به چه دلیل؟

بشر بعد از این همه تجربه و سابقه هنوز نمی خواهد قبول کند که خوشبختی واقعی فقط در گرو دل بستن به خداست و بس.

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸)
همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد (۲۸)

بشر اگر امکانات و مال داشته باشد، بعد از سالها زندگی و دل بستن به مال و منال باید یک آزمایش مهم پس دهد. باید بعد از سالها دل بستن به مال و منال، یک روزی به فکر دل کندن از آنها باشد. ما باید قبل از مردن خویش این آزمایش را روی خود انجام دهیم. مراسم حج که خدای حکیم برای ما گذاشته است ، دقیقا به این خاطر است که فرد خود را آزمایش کند که آیا میتواند به مدت فقط چند هفته مال و منال خود را ول کند! البته متاسفانه امروزه کسی که به حج میرود، هر روز و حتی هر ساعت با خانواده خود تماس میگیرد و پیگیر امور مال و منال خویش است! و این دقیقا برخلاف روح مراسم حج است. در حالی که خدا میخواهد که ما طی این مراسم، زمین محل زندگی خویش را ترک

کنیم و از داشته های خود دل بکنیم. این آزمایش بسیار مهمی است که هر کسی که مال و منالی دارد، باید روی خود انجام دهد. تا ببیند آیا به زمین چسبیده است یا آماده برگشت به بهشت است؟ خدا آنقدر حکیم است که میخواهد ما این تست را روی خود انجام دهیم قبل از رفتن به سرای قیامت. تا که اگر مشکلی داریم و دلبسته زمینیم، در مدت باقیمانده عمرمان، فکری به حال خود کنیم.

۷۸) انسان فراموشکار است

انسان خیلی چیزها را در زندگی روزمره خویش فراموش میکند. هیچکدام از ما خاطرات دو سالگی خویش را بیاد ندارد. ما هیچوقت توجه نکرده ایم که پدر و مادر ما در طول دوران بچگی چقدر برای ما هزینه کرده اند. بعضی خاطرات را بیاد می آوریم و بعضی ها را نه. ما هیچوقت هزینه دقیق چیزهایی که در طول عمر خود خریده ایم و یا خورده ایم، حساب نکرده ایم. خیلی ها را اصلا یادمان نمی آید و بمرور بفراموشی سپرده میشود. ولی خدا در طول زندگی از ما میخواهد که بعضی چیز ها را هیچوقت فراموش نکنیم. و چون به انسان آسیبی رسد پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا میکرد فراموش می نماید و برای خدا همتایانی قرار می

دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند بگو به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی.

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (٨)
و چون به انسان آسیبی رسد پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا میکرد فراموش می نماید و برای خدا همتایانی قرار می دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند بگو به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی (٨)

کسانی که خط قرمزهای خدا را به فراموشی بسپارند، در آخرت بفراموشی سپرده میشوند و مورد رحمت خدا قرار نمی گیرند و هچکس نمیتواند یاریشان کند. اصولا اینکه شیطان لهو و لعب را در دنیا تبلیغ میکند، ۹۹ درصد بخاطر وادار کردن انسان به فراموشی سپردن خط قرمزهای خداست.

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (٥١)
همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار میکردند ما [هم] امروز آنان را از یاد می بریم (٥١)

۷۹) رنگ پوست

یکی از مشکلات بشر تبعیدی آفتاب زده شدن اوست. این مورد باعث شده است که فرزندان آدم، در هر منطقه ای رنگ پوستشان تغییر کند. یکی سیاه پوست است، یکی سفید پوست است. همین مورد از خصوصیات زمین است که در بهشت اصلا اینطوری نبوده است. البته خدای مهربان اعلام داشته است که گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. رنگ و نژاد و زبان بی اهمیت است. آزمایش انسانها اینطوری طراحی شده است که تعدادی رنگ پوستشان سیاه و تعدادی سفید باشد تا که در آن موقعیت آزمایش شوند. تمام این موارد هم به دلیل شرایط آب و هوایی مناطق مختلف زمین پیش آمده است. در جهنم رنگ پوستها آنقدر زننده است که نگاه کردن به آن هم خودش نوعی عذاب است.

۸۰) نظریه داروین

بعضی ها میگویند که انسان تکامل یافته نوعی میمون است. این فرضیه آنقدر باطل است که نیازی به رد کردن ندارد. انسان که در مقابل آفتاب سوختگی حساس است و در مقابل جاذبه زمین کم آورده است. اما یک میمون هیچوقت آفتاب سوخته نمیشود و همچنین با حرکاتش جاذبه زمین را زیر سوال برده است. حتی یک صد هزارم هم احتمال ندارد که انسان تکامل یافته میمون باشد. خیلی واضح و مشخص است که میمون موجودی است مخصوص زمین خلق شده است و انسان موجودی است تبعیدی به زمین و توانایی های او با میمون خیلی فرق دارد. اگر هر کدام از موجودات زمین حذف شوند، کل زمین به نابودی

کشیده میشود. مثلا اگر زنبور عسلهای دنیا از روی کره زمین حذف شوند، زمین بعد از سه سال از بین میرود و همینطور برای سایر حیوانات. اگر انسان از روی کره زمین برداشته شود، زمین بمرور زمان بحالت طبیعی خویش بر میگردد. انسان جهش یافته میمون نیست زیرا جهش در طبیعت ، برای حفظ طبیعت است. ولی انسان به طبیعت بیشتر آسیب میرساند.

۸۱) کینه ورزی

کینه ورزی یکی از صفات شیطانی است که وجود آن در زمین، زندگی را برای انسان مشکل میسازد. اما در زمین میتوان کینه ها را فراموش کرد و بجای آن دست دوستی دراز کرد. شاید بهترین خصوصیت زمین نسبت به جهنم، نعمت فراموشی است که به انسان عطا شده است. انسان در زمین میتواند حوادث و کینه ها را فراموش کند و باری از نفس خود بردارد. اما در جهنم نمیتوان چیزی را فراموش کرد. اگر کسی در جهنم به شما حرف زشتی بزنند، تا ابد در شما اثرگذار است و به عذابی برای فرد تبدیل میشود و فراموشی در جهنم نیست! یکی دیگر از نعمتهای خدا در زمین، خواب شبانه است. خوابی که خیلی از مشکلات عصبی و روانی آدمی را حل میکند. اما در جهنم چنین موردی وجود ندارد.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (۴۷)

و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید (۴۷)

۸۲) به حکمت خدا در زندگی خویش شک نکنید

کسی را دیده ای که میگوید من از خدا یک چیز خواستم ولی بهم نداد! این افراد چنان از ناتوانی خدا حرف میزنند ، انگار که تمام کارهای دیگر را خودشان انجام داده اند و همین یکی را به خدا واگذار کرده اند تا که خدا انجام دهد! آنها غافل از آنند که حتی در دم و بازدمی که انجام می دهند ، وابسته به خدایند. آنها غافل از آنند که تمام جزئیات و ریز ریز زندگی خویش را مدیون خدایند. خدا طبق سنت مکتوب خود، در ۹۹ درصد موارد نیازهای انسانها و موجودات دیگر را برآورده می کند. اگر هم کاستیي وجود دارد، بعلت دخالت شیطان و انسانهاست. اگر فقر و قحطیي وجود دارد، بعلت شرایطی است که انسانها با بی رحمی برای هم نوع خود ایجاد می کنند.

قوم صالح از صالح خواستند که اگر راست میگوید، به خدا بگوید که یک شتر بزرگ سرخ روی از کوه سنگی مشهور شهر بیرون آورد. این اولین بار بود که بشر خودش معجزه از خدا طلب میکرد و خودش موضوع معجزه را تعیین میکرد. صالح به آنها گفت که ای مردم این معجزه بزرگی است و خدا طبق سنت خویش بعد از انجام آن، دیگر به انکار کنندگان فرصت نخواهد داد و عذابش را بر آنها نازل می کند. قوم صالح گفتند که ای صالح اگر راست میگوئید معجزه را انجام بده! معجزه انجام شد و انکار کنندگان بعد از مدت کوتاهی زیر قول

خود زدند و عذاب خدا بر آنها نازل شد و نابود شدند. آنها نمی دانستند که درخواست معجزه به ضررشان تمام میشود. بنی اسرائیل از موسی خواستند که میخواهند خدا را ببینند. خدا گوشه ای از نور خود را نمایان کرد و کوه سوخت و بنی اسرائیل هم مردند ولی خدا براساس حکمت و رحم خویش دوباره آنها را زنده کرد و فرصت دیگری به آنها داد. قوم پیامبر محمد هم از پیامبر محمد یک سری معجزات همچنینی میخواستند که انجام نشد و خدا به آنها یادآوری کرد که بعد از انجام معجزه انکار کنندگان نابود خواهند شد و این به ضررشان است.

گاهی بعضی درخواستها توسط خدا انجام نمیشود زیرا طبق سنت خدا، اگر درخواستی از طرف خدا بطور خارق العاده انجام شود و فرد درخواست کننده انکار کند و یا ناسپاسی کند، عذاب خدا بر او نازل خواهد شد. خدا به افراد رحم میکند که زود با آنها اتمام حجت نمیکند و فرصت بیشتری به آنها میدهد. خدا برای ابراهیم آتش را سرد کرد زیرا میدانست که ابراهیم هیچوقت انکار و ناسپاسی نخواهد کرد. هیچوقت به مهربانی و حکمت خدا نباید شک کرد.

۸۳) آخرین شانس ما

قرآن بیان میدارد که جهنمیان واقعا دروغگویند. زیرا اگر از جهنم برگردند به این جهان خاکی، دوباره همان کارهای زشت را مرتکب میشوند.

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۲۸﴾

]ولی چنین نیست] بلکه آنچه را پیش از این نهان می داشتند برای آنان آشکار شده است و اگر هم بازگردانده شوند قطعا به آنچه از آن منع شده بودند برمی گردند و آنان دروغگویند (۲۸)

دلیل واقعی آن این است که قوای حسی ما بلافاصله پس از ورود به ابعاد دنیای زمینی، نسبت به وقایعی که در ابعاد ماوراء الطبیعه یعنی همانجا که خدا و فرشتگانش و بهشت و دوزخ را می توان دید ؛ اتفاق می افتد بکلی بی خبر است و حواس زمینی در اینباره کاملا از کار می افتند. از اینرو، حتی پس از مشاهده بعد جاوید، گناهکاران هیچ تغییری در رفتار خود نخواهند داد. این است که حتی مشاهده جهنم و برگشت دوباره به این جهان گناهکاران را سر عقل نخواهد آورد. حتی اگر چنین فردی وارد بهشت شود، بعد از مدت کوتاهی، بهشت را به لجن خواهد کشید و باعث شورش دوباره در بهشت خواهد شد. بهشت جای مغرور و متکبر نیست. این زندگی آخرین شانسی است که ما برای بازگشت به قلمرو الهی در اختیار داریم. بنابراین کسی که وارد جهنم میشود، واقعا جایگاه همیشگیش جهنم است و خدا عادل مطلق است و هیچوقت اشتباه نمی کند. یعنی عذاب جهنم همیشگی است و کسی که وارد جهنم شود، دیگر تا ابد آنجاست و بیرون بیا نیست.

زیرا ما در این زمین خاکی ، وقایع زیادی را می بینیم و می شنویم ولی درس عبرت نمی گیریم و از کنار آن براحتی رد میشویم. این است که هیچ بهانه ای در جهان آخرت قابل قبول نیست. مشاهده جهنم و بهشت و دوباره برگشت به همان اشتباهات قبلی، اشتباه کوچکی نیست، بلکه یک خودخواهی و تکبر بسیار بزرگ

است و تا وقتی آدمی زیر این خودخواهیش نزند، به لانه اصلیش یعنی بهشت بر نمی گردد.

۸۴) ما برای برگشت به بهشت، نیاز داریم نفس خویش را ایمن و مطمئن کنیم

بررسی ها نشان داده است که استخوانی که در بال پرندگان است ، حتی از خود پر هم سبکتر است. به این دلیل است که بعضی پرندگان حتی بدون بال زدن در آسمان ثابت میمانند و به زمین نمی افتند. بشر هیچوقت نتوانسته است که یک چیزی به این دقت درست کند. ما هم باید برای برگشت به سمت خدا، سبکبال باشیم و تعلقات زمینی خویش را نابود کنیم. چیزهایی که ما با خود می بریم، باید نفس ما را ایمن و مطمئن کنند. یک کار خوب که انجام میدهیم، نفس ما را ایمن میکند. ما برای برگشت به سمت خدا باید اعمال خوبمان را زیاد کنیم. فرق بین فعل و عمل در این است که فعل یعنی انجام هر کاری با نیت و بدون نیت. اما عمل یعنی انجام کاری با نیت و اراده. اگر ماشینت را می شویید، با یک سطل آب آن را انجام میدهید زیرا میگویید که آب کم است و من نباید اسراف کنم. به این میگویند یک عمل صالح. اما میتوانید همین فعل را انجام دهید بدون هیچگونه نیتی و برحسب عادت. آنچه که از نظر خدا مهم است صالح بودن عمل است و این که عمل شما همراه با اراده باشد تا نفس شما بتواند از آن بهره ببرد و ایمن گردد. افعال بر حسب عادت در تزکیه نفس خودمان تاثیر چندانی ندارد.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ (۱۰)
هر کس سربلندی می خواهد سربلندی یکسره از آن خداست سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود و کار شایسته به آن رفعت می بخشد و کسانی که با حیله و مکر کارهای بد می کنند عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان خود تباه می گردد (۱۰)

ما باید هر لحظه برای نفس خویش عمل صالح جمع کنیم و تمام کارها و افعال خویش را با حرفهایمان هماهنگ کنیم و آنچه را که میگوئیم و به آن اعتقاد داریم، هدفمند به مرحله فعل برسانیم. تنها به این روش است که میتوانیم از این زندان خاکی نجات یابیم و به موطن اصلی خویش برگردیم. کوچکترین عمل نیک بدون ریا ، در سرنوشت ما موثر است. نباید حتی از یک ذره اش هم گذشت.

۸۵) انقطاع فکر در جهنم نیست

اینکه آدمی مدام بر یک فکر و مشکل تمرکز کند و مدام به آن فکر کند، خسته کننده و آزار دهنده است. در زندگی زمینی میتوان از یک فکر و روال پیوسته به یک فکر و روال دیگر رفت و خود را از شر آن فکر آزار دهنده نجات داد. وقتی فکر و روان مدام بر یک روال پیوسته و تقطیع نشده باشند، فرد خودبخود دچار فریز و جمود فکری خواهد شد و گره ها و عقده های فکری و ذهنی در

او ایجاد خواهند شد. همین گره ها و عقده ها زندگی او را بر هم می زنند و او را زجر میدهند. نماز یکی از تکلیفهایی است که در زندگی روزمره باعث انقطاع فکر ما میشود و آرامش جسمی و روانی را برای ما فراهم میکند. متاسفانه بیشتر مردم حاضر نیستند که روزی ۵ بار برای خدا، افکار و تجارت و امور روزمره خویش را قطع کنند؛ همین پیوسته بودن کار آنها ، باعث ناراحتیهای روحی و جسمی خواهد شد. در جهنم، به هیچ عنوان انقطاع افکار وجود ندارد. در جهنم آنچنان هجمه ای از طرف افکار و عقده های روانی به فرد حمله میکند که روزی صدبار سکته میکند. بعضی از مردم در زمین کنونی همین شرایط جهنم را برای خود بوجود می آورند، طوریکه بیشتر عقده های روانی بخاطر عدم تقطیع امور روزمره است.

۸۶) در جهنم نمیتوان چیزی ساخت

ما تبعید شده ها در زمین میتوانیم یک خانه بسازیم، یک سایبان بسازیم، آب را تصفیه کنیم، از مواد داخل زمین غذاهایی برای خود بسازیم، تفریحاتی برای خود فراهم کنیم و... اما در جهنم کسی نمیتواند چیزی بسازد و یا تغییری فیزیکی و یا شیمیایی در مواد آن ایجاد کند. این مورد بعلت خاصیت سنگین ماده های داخل جهنم است و همچنین عدم توانایی انسان در انجام این امور. ما البته در کره زمین هم با اراده خدا توانستیم آهن استفاده کنیم. خدا در مورد آهن میفرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است نازل کردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است (۲۵)

اگر خدا اراده نکرده بود، ما هیچوقت نمیتوانستیم در زمین هم تغییرات زیادی ایجاد کنیم. اگر کمکهای خدا و راهنمایی های او نبود، بشریت هم اکنون در اوج عقب ماندگی علمی بود. اما این کمکها و راهنماییها در جهنم نیست. خدا روی کره زمین چیزهای زیادی نازل میکند. از جمله باران، آهن، قدر و مقدرات، رزق و روزی. اما در جهنم خبری از این نزولات نیست و البته زندگی ما روی زمین وابسته به همین نزولات آسمانی است و اگر این نزولات نباشد، زندگی بسیار سخت خواهد بود. روی تبعیدگاه زمین ، گاه گاهی خدا این نزولات آسمانی را کمتر خواهد کرد تا که مردم متنبه شوند.

۸۷) انسان دنبال مالکیت در زمین

هیچ حیوانی در زمین، دنبال مالکیت زمین نیست. اما انسان ، این موجود تبعید شده، بیشتر دنبال مالکیت است تا استفاده درست از زمین. این حس انسان که ناشی از سردرگمی او در زمین است، نشان از آن دارد که انسان در اعماق وجود

خود اعتقادی به منابع زمین ندارد و اساسا با زمین و جانداران آن بیگانه ست. بشر بیشتر دنبال اقناع حسهای شیطانی خویش در زمین است. بجای استفاده صحیح از منابع زمین و توزیع عادلانه آن، دنبال مالکیت بیشتر منابع آن است. بجای حفاظت از جانداران بومی زمین از آنان استفاده ابزاری میکند و آنان را در قفس میکند. از آنجا که انسان خودش از بهشت وارد قفسی به اسم زمین شده است، دوست دارد که جانداران زمین را مثل خودش در قفس ببیند. این حس شیطانی او نشان از آن دارد که بشر متاسفانه آینده خوبی نخواهد داشت و کار دست خودش خواهد داد.

۸۸) تبعید شده ها دنبال قدرتهای توهمی

خدا در قرآن می فرماید که: مردانی از انسان ها در کارهای خویش از مردانی از جن کمک می طلبند. انسان ها از طریق جن ها قدرت می جستند، ولی آنها اینان را به مصیبت بیشتری دچار کردند.

بشر تبعید شده بجای پناه بردن به خدا ، دنبال قدرتهای توهمی است. بعضی افراد آنقدر در توهمات فرو می روند که دنیای واقعی برای آنها کم اهمیت میشود؛ آنها نسبت به حوادث دور و بر خود عکس العمل واقعی نشان نمی دهند. مثلا حتی اگر وسیله نقلیه ای آتش بگیرد و یک فرد در داخل ماشین فریاد بزند که "کمکم کنید از ماشین خارج شوم" ؛ آنها بجای کمک کردن، فیلم و عکس می گیرند و اینجوری نشان می دهند که آنها نسبت به دنیای واقعی بیگانه اند و

در یک فضای دیگری سیر می کنند. آنها به آنچه که در کره زمین اتفاق می افتد، بی تفاوتند. بی تفاوتی مهمترین دلیل انحراف بشریت است.

۸۹) زقوم

جهنمیان برای همیشه در جهنم خواهند بود و آنجا غذایشان از درخت زقوم است. آنها مجبورند که از درخت زقوم بخورند و البته نیازهای غذایی آنان را برآورده نمی کند ، بلکه فقط شکمها را پر میکند. یعنی صد در صد درد و اساسا بی فایده است.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿۵۱﴾آنگاه شما ای گمراهان دروغپرداز (۵۱)
لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿۵۲﴾قطعا از درختی که از زقوم است خواهید خورد (۵۲)
فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿۵۳﴾و از آن شکمهایتان را خواهید آکند (۵۳)
فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿۵۴﴾و روی آن از آب جوش می نوشید (۵۴)
فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ﴿۵۵﴾[مانند] نوشیدن اشتران تشنه
(۵۵) هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿۵۶﴾این است پذیرایی آنان در روز جزا (۵۶)

گناهی که آدمی در این جهان مرتکب میشود، دقیقا شباهت عجیبی به مصرف درخت زقوم دارد. کسانی که در زمین گناه مرتکب میشوند، از انجام آن سیر نمی شوند ولی مجبورند به انجام گناه ادامه دهند. زیرا خاصیت گناه این است که نیاز واقعی انسان را برآورده نمی کند و در عوض عطش فرد نسبت به آن

بیشتر میشود و گناهکار مجبور است که گناه را ادامه دهد زیرا به آن معتاد شده است. افراد گناهکار در جهنم ، دقیقا عذابی مطابق با گناهشان دریافت خواهند کرد. غذایی که نه فربه میکند و نه سیر میکند؛ فقط شکمها پر میشوند. وقتی شکمها پرشد، نیاز به آب دارند و باز اینجا مجبورند آب داغ و چرکین بنوشند و باز عذابی دیگر. بر همین منوال، هر کاری که جهنمیان انجام میدهند، غذا خوردن، آب نوشیدن، راه رفتن، حرف زدن، شنیدن و... بر عذابشان می افزاید. خدای حکیم درخت زقوم را به راس شیاطین تشبیه کرده است، دلیل آن این است که غذاهای جهنم ، ظاهر زیبایی ندارند و حتی ظاهر آن هم درد است.

غذایی که ما در کره زمین میخوریم، مقداری از آن جذب بدن میشود و مقداری از آن دفع میشود. اما براساس آیات بالایی براحتی میتوان فهمید که در غذای جهنم، چیز مفیدی در آن نیست و فایده ای به بدن نمی رساند و همه اش درد و غصه است. در بهشت، غذاهای موجود آنقدر مفیدند، که چیزی از آن دفع نمیشود و همه ش مفید است.

۹۰) نعمات خدا گسترده است

در فضای مجازی یک ویدئو دیدم که یک فرد ثروتمند یک قلاده شیر در خانه نگهداری میکرد و به آن افتخار میکرد. این شیر روزی ۵۰ کیلوگرم گوشت میخورد. یک فرد ثروتمند در کره زمین ، بخاطر نگهداری یک قلاده شیر و تهیه نیازهای او افتخار میکند!

بزرگی خدا اینجا مشخص میشود که آن قادر مطلق تمام موجودات و جانداران ریز و درشت کره زمین را غذا میدهد و هزارها قرن است که اینکار بدون وقفه ادامه دارد. متاسفانه کسی این مسائل را درک نمی کند و یا توجه نمی کند. بدون درک این مسائل نمیتوان به خدا نزدیک شد. انسان تا این حد ضعیف ، در مقابل خدای رحمان سرکشی و عصیان میکند و در مقابل خدا به خود حق میدهد و تفاخر میکند.

خدا میتوانست در همان گناه اول که در بهشت انجام دادیم، ما را به جهنم بیندازد؛ ولی خدا توبه ما را پذیرفت و بودن ما در زمین، فرصتی است جهت تزکیه نفس خویش و آمادگی دوباره، برای برگشت به بهشت جاویدان. خدا بسیار اصرار دارد که ما زمین را انتخاب نکنیم؛ آن قادر مطلق تاکید میکند که به زمین نچسبیم و برای تزکیه نفس خویش تلاش کنیم. یعنی از نظر خدا ، امکانات زمین برای تزکیه نفس ما طراحی شده است و نه برای بقاء. اگر کسی از امکانات زمین برای تزکیه خویش استفاده کرد که فبهاء ؛ در غیر آنصورت، امکانات زمین بجز تفاخر چیزی نیست و لهو و لعب است.

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (۲۰)

بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است [مث ل آنها] چون مث ل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشك شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاك شود و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست (۲۰)

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)
[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند بر یکدیگر سبقت جویید این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می دهد و خداوند را فزون‌بخشی بزرگ است (۲۱)

خدا بزرگتر است از آن چیزی است که ما فکر می کنیم. خدا در فکر و اندازه انسان نمی گنجد. انسان حتی نمی تواند از چند ماهی کوچک به مدت چند روز نگهداری کند. اما خدا میلیاردها موجود زنده را در روی زمین رزق و روزی می دهد. خدا تمام موجودات را بدون هیچگونه خللی غذا می دهد . چه کسی به جز خدا قادر است که چنین سیستمی را کنترل کند؟ آیا خدا برای بندگانش کافی نیست.چند سال پیش چند ماهی کوچک خریدم. اما ماهی ها فقط به مدت یک روز دوام آوردند و مردند. بعد پیش خود گفتم که: من نتوانستم حتی به مدت یک روز چند ماهی کوچولو را حفظ کنم! اما خدا میلیاردها ماهی را در اقیانوسها نگهداری میکند و آنان را حفظ می کند. پس چرا خدا برای بندگانش کافی نباشد؟ عظمت خدا در ذهن انسان نمی گنجد. اگر فقط یک لحظه تعداد موجودات زنده روی کره زمین را در ذهن خویش تصور کنید ، به عظمت و قدرت خدا ایمان خواهید آورد. متوجه خواهیم شد که تمام امور دنیا فقط در دست خداست.

۹۱) شرایط زمین برای زندگی سخت تر میشود

بشر مخصوصا بعد از انقلاب صنعتی، تغییر و تحولات زیادی در کره زمین ایجاد کرده است. جرم اشیای مصنوعی ساخته شده توسط بشر هر بیست سال دو برابر شده است. البته در عوض تعداد حیوانات بومی روی کره زمین رو به کاهش است و حضور حیوانات وحش به پارکهای جنگلی محدود شده است. جنگل خواری، کوه خواری، صید بی رویه حیوانات خشکی و دریایی، موجب کاهش تعداد جانداران روی کره زمین شده است. بعد از انقلاب صنعتی، بشر ردپای قابل توجهی در زمین گذاشته است. هرکدام از حیوانات و جانداران روی کره زمین نقش مهمی را در زمین ایفا میکنند. دانشمندان ثابت کرده اند که اگر مثلا زنبور عسل در کره زمین نباشد، در عرض سه سال کره زمین نابود خواهد شد و قابل سکونت نخواهد بود. حتی یک جاندار کوچک مثل مورچه نقش مهمی را در زندگی ما در روی زمین ایفا میکند ولی متاسفانه بشر نمی خواهد بفهمد. لایه ازن و سایر لایه های دیگر بالای سر ما ، باریکتر میشوند و زمین مثل قدیم الایام دیگر محافظت شده نیست. یعنی زمین بطور مرتب از اطرافش کاسته میشود.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴۱)

آیا ندیده اند که ما [همواره] می آییم و از اطراف این زمین می کاهیم و خداست که حکم می کند برای حکم او باز دارنده ای نیست و او به سرعت حسابرسی می کند (۴۱)

کاسته شدن از اطراف زمین، طریقه زندگی بشر را عوض میکند و مشکلات بشر به سرعت بیشتر میشود. این کاسته شدن مخصوصا بعد از رشد صنعتی بشر

سرعت زیادی گرفته است. بزودی یک روزی می آید که لایه های جو زمین آنقدر نازک میشوند که اشعه های مضر آفتاب خیلی زیاد میشوند و دیگر کسی نمیتواند بیش از نیم ساعت در طول روز زیر آفتاب بماند. با پیشرفت فوق العاده علمی و صنعتی بشر که از قرن نوزدهم شروع شد، بشر به توانایی خود مغرور شد و دچار انواع خداستیزی شد. با مغرور شدن بشر به صنعتی شدن جوامع، امکانات تسهیلاتی زمین کمتر شده و میشود. دانشمندان اعلام کرده اند که مقدار اکسیژن جو زمین بطور تصاعدی رو به کاهش است. هر کی بامش بیش، برفش بیش. صنعتی شدن بشر و مغرور شدن او ، زمین را از حالت طبیعی خارج میکند و آنوقت بشر بدون صنعتش نمیتواند در زمین زندگی کند و نمیتواند از خود محافظت کند. بشر تبعید شده، روی زمین مسافر است ولی از یک طرف دیگر روزبروز شرایط زندگی را برای خود سخت تر میکند.

۹۲) نژاد

ما انسانهای تبعیدی همگی از یک پدر و مادر متولد شده ایم و در ضمن اصالتا زمینی نیستیم. اما عده ای نسبت به زبانشان و یا منطقه زندگی خود تعصب عجیبی دارند. آنان نژادشان را از بقیه بهتر میدانند! جنایتهای زیادی در این مورد رخ داده است که هیچ جاندار دیگری تابحال نکرده است. هیتلر تعداد زیادی غیر آریایی و یهودی کشت، آخرش با بررسی دی ان آی ، مشخص شد که هیتلر اصالتا یهودی آفریقایی است!! تمام نژادپرستیها به همچنین ماجرایی ختم میشوند.

۹۳) خدا میخواهد که ما علیه شیطان شورش کنیم

از آنجا که ما قبلا شیطان را انتخاب کردیم و علیه خدا شورش کردیم، خدا اینبار از ما میخواهد در کره زمین علیه شیطان شورش کنیم. به همین خاطر است که خدا میفرماید که دشمنی با شیطان باید دو طرفه باشد.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)
در حقیقت شیطان دشمن شماست، شما هم او را دشمن گیرید او فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند (۶)

مادام که ما شیطان را دشمن خود فرض نکنیم، نمی توانیم به سوی خدا برگردیم. وقتی شما شیطان را دشمن خود میدانید، به این معناست باید روشهای فریب او را بشناسید و از دستورات و وسوسه های او حذر کنید.

۹۴) بهشت ، فراتر از خیالات است

بشر جهت برآوردن نیازهای غذایی خود، مجبور شده است که فصلهای مجازی و گلخانه ای ایجاد کند. جاندارانی مثل مورچه خودشان را با فصلهای بدون محصول هماهنگ کرده اند. بعضی خرسها در فصل زمستان گاهی شش ماه به خواب می روند. آنها زندگیشان را با طبیعت زمین هماهنگ میکنند. زیست شناس معروف، ولزبرگ در یک آزمایش یک قورباغه درختی را برای چندین ماه در یک جعبه کفش نگه داشت. او می گوید: "زمانی که جعبه را باز کردم،

چیزی شبیه به قورباغه مومیایی‌شده دیدم. روی آن آب ریختم. قورباغه از پوسته اطرافش بیرون آمد و کاملاً حالش خوب بود."

اما بشر با فصول زمینی زیاد راحت نیست و از قدیم الایام به خشک کردن میوه ها جهت فصل زمستان می پرداخت. خدای مهربان فصول چهارگانه و بعضی مناطق زمین فصول پنجگانه را آفریده است تا که حالت پیوستگی روحی انسان را منقطع کند. در فصل زمستان آدم غمگین میشود و بعد که بهار می آید، خوشحال و امیدوار میشود. این تغییر روحیه ها را خود خدا با تغییرات فیزیکی در زمین برای ما بوجود می آورد زیرا خدا منت برما نهاد و بعضی جاها اجبارا روحیات ما را تغییر میدهد. بیشتر مشکلات بشر امروزی از پیوستگی روحی روانی اوست. اگر بشر مدام بر یک فکر و روال باشد، دچار توهمات میشود. نماز های پنجگانه روال بسیار مهمی است جهت تغییر روان و انقطاع پیوستگی روحی روانی ما در طول روز.

در بهشت، ما چنین مشکلاتی نداریم. کمبودی وجود ندارد. نیازی به تغییر فصل نیست ، زیرا هیچگونه افسردگیی وجود ندارد. هر آنچه که ما بخواهیم هست. خدا میفرماید:

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵)
هر چه بخواهند در آنجا دارند و پیش ما فزونتر [هم] هست (۳۵)

هر آنچه که ما بخواهیم و خیال کنیم هست و در ادامه می فرماید که پیش ما افزونتر بر آن هم هست. یعنی اینکه چیز هایی در بهشت هست که خیال بشر

به آن نمی رسد. یعنی بشر خیالپرداز که در خیالپردازی استاد است، حتی نمی تواند تمام امکانات و نعمات بهشت را تصور کند.

۹۵) بشر دلتنگ بهشت است

چرا ما انسانها برخلاف حیوانات و جانداران دیگر، زیاد به آسمان نگاه می کنیم؟ آیا غیر از این است که در نهاد ما ، بازگشت به بهشت فردوس قرار داده شده است و دلتنگ بهشتیم. اما بشر نمیداند که چطوری برگردد! خدای مهربان قبل از تبعید به زمین، از روح خود در آدمیان دمید تا بتوانیم به کمک آن تکنولوژیهای مفید را بوجود آوریم و بتوانیم در زمین برای مدتی معین، آزمایش زندگی را بگذرانیم. اما ما باید از خدا کمک بخواهیم تا که خدا به ما رحم کند و همچنین خیر و برکت را بر ما نازل کند تا که به سلامت و در امنیت، زندگی موقت را در زمین پاس کنیم و به بهشت فردوس برگردیم.

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۴)
و از نشانه های او [اینکه] برق را برای شما بیم‌آور و امیدبخش می نمایاند و از آسمان به تدریج آبی فرو می فرستد که به وسیله آن زمین را پس از مرگش زنده می گرداند در این [امر هم] برای مردمی که تعقل می کنند قطعا نشانه هایی است (۲۴)

انسان بخاطر اینکه فریب شیطان را خورد و علیه خدا شورش کرد، باید بیشتر از هر موجود دیگری به خدا روی آورد. آنچه که در آسمانها و زمین است رو به

خدا کرده اند و اگر انسان هم همینگونه کند، به بهشت برخواهد گشت و گرنه به تبعیدگاه آخری یعنی جهنم خواهد رفت و آنجا واقعا بدجایگاهی است.

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ (۲۶)
و هر که در آسمانها و زمین است از آن اوست همه او را گردن نهاده اند (۲۶)
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۶)
و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم (۹۶)

و اگر بشر ایمان آورده و به تقوا بگراید، قطعا خدا برکاتی از آسمان و زمین بر او می گشاید ولی متاسفانه بشر روش عذاب را برای خود انتخاب میکند. عذابها در وقت خواب و یا در وقت لهو و لعب نازل میشوند. جانداران دیگر غیر از بشر، براحتی سونامی ها و زلزله ها را تشخیص میدهند و قبل از آن جان خود را نجات میدهند. سگها و گربه ها و مارها و خیلی حیوانات دیگر قبل از زلزله به جنب و جوش می افتند و خواب و فعالیت خود را ول میکنند. اما انسان از همه جا بی خبر است و وقتی به خواب رود و یا مشغول لهو و لعب شود، دیگر حواس طبیعی خود را کامل از دست میدهد.

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (۹۷)
آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته اند به آنان برسد (۹۷)

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۹۸)

و آیا ساکنان شهر ها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد (۹۸)

به فرموده دو آیه بالایی، خواب و تفریحات، دو وقتی که عذاب بر انسانها، در آن مواقع نازل میشود. به همین خاطر ما باید قبل از این دو ، توبه کنیم و خود را به خدا بسپاریم تا ما را از جهنم محفوظ دارد. شاید بعد از خواب و یا سفر تفریحی برنگشتیم؟؟ شاید آخرین خواب و سفر ما باشد؟؟

۹۶) جهنمیان در جهنم هم دچار توهماتند

جهنمیان به راه و روشی که در دنیا داشته اند، ایمان کامل دارند. آیه زیر نشان میدهد که جهنمیان از راه خود کامل مطمئنند.

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

و می گویند ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از [زمره] اشرار می شمردیم نمی بینیم (۶۲)

یعنی افراد جهنمی ، کسانی را که در این جهان اشرار می شمردند، در جهنم نمی بینند و از این موضوع تعجب میکنند و برای آنها غیر قابل باور است. این نشان میدهد که اشرار شمردن مردان پاک، از سر دشمنی و عداوت نبوده است؛ بلکه واقعا آنها را بی ایمان می شمرده اند و حتی این ایده ها و توهمات به جهنم هم راه پیدا میکند.

۹۷) پسر نوح

زمانی که طوفان شروع شده بود و نوح فرزندش را برای آخرین بار به سوی خدا دعوت کرد، او پسرش را "پسرکم (یا بنی)" صدا کرد. میخواست او را به حالت بچگانه صدا بزند تا شاید که پسرش دلش به رحم آید و به طرف خدا برگردد. نوح نسبت به خانواده اش دل رحم بود ولی چه میشود کرد که این حربه هم کارساز نبود. پسر نوح شقی بود و از رحم چیزی نمی دانست. او محبت و توجه پدرش را درک نمیکرد و بی توجه بود. او در جواب نوح گفت که من به کوه پناه میبرم زیرا کوه مرا از آب حفاظت میکند. پسر نوح نمیدانست که کوه و آب فرقی ندارند. هر دو تحت امرخدایند. انسان در زمین بیگانه ست و زمانی که عذاب خدا بیاید، کوه و آب و دره و آتشفشان و باد و ... همگی تحت امر خدایند و با هم هماهنگند و کسی نمی تواند از عذاب خدا در کره زمین فرار کند. تمام عوامل در کره زمین برای انسانهای تبعیدی هماهنگند و انسان نمیتواند از چنگال این عوامل فرار کند، مگر اینکه خدا رحم کند.

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ (۴۲)
و آن [كشتى] ايشان را در ميان موجى كوه آسا می برد و نوح پسرش را كه در كنارى بود بانگ درداد ای پسرك من با ما سوار شو و با كافران مباش (۴۲)

قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (۴۳)
گفت به زودى به كوهى پناه می جويم كه مرا از آب در امان نگاه می دارد گفت امروز در برابر فرمان خدا هيچ نگاهدارنده ای نيست مگر كسى كه [خدا بر او] رحم كند و موج ميان آن دو حايل شد و [پسر] از غرق شدگان گرديد (۴۳)

یکی میگفت که (جهنم وجود ندارد، زیرا چطوری خدا راضی میشود که من به بهشت بروم و بچه ام، جگر گوشه ام به جهنم برود؛ آیا آنوقت من در بهشت زجر میکشم یا خوشی؟! وقتی می بینم که بچه ام در جهنم زجر میکشد، منم دیگر در بهشت خوش نیستم!!)

شاید چنین دیدگاهی از اینجا ناشی میشود که آدمها فقط خودشان را در نظر میگیرند. آیا قابیل که برادرش، هابیل را کشت، نباید مجازات شود، زیرا تا آدم و حوا پدرو مادرشان در بهشت ناراحت نشوند! هرکسی در این جهان مسئولیت اعمال خویش را باید بپذیرد و گرنه عدالت بی معناست. شاید چنین چالشهایی در زندگی هرکسی پیش آید ولی بطور منطقی باید جوابی برای آن یافت. نوح برای پسرش از خدا میخواهد که او را نجات دهد؛ نوح میگوید خدایا پسرم جزو خانواده من است! اما خدا میفرماید که ای نوح از جاهلین مباش و چنین درخواستی نکن، زیرا پسرت دیگر جزو خانواده تو نیست. این آیه نشان میدهد که انساب نزد خدا تا وقتی معنا دارد که صالح باشند و گرنه کسی که خدا را نخواهد، دیگر شایستگی بهشت را ندارد.

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵)
و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا پسرم از کسان من است و قطعا وعده تو راست است و تو بهترین داورانی (۴۵)

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۴۶)

فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای] کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان علم نداری از من مخواه من به تو اندرز می دهم که مبادا از نادانان باشی (۴۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۴۷)
گفت پروردگارا من به تو پناه می برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم (۴۷)

۹۸) کووید ۱۹

مبدا کووید ۱۹ از خفاش بوده است. خیلی جالب است که خفاش یکی از جانداران موثر و مفید برای حفاظت از مزرعه ها و طبیعت است. دانشمندان محیط زیست به این نتیجه رسیده اند که خفاش بسیاری از آفتهای طبیعت را از بین میبرد. این نکته حاوی پیام بسیار مهمی است که ویروس کووید ۱۹ ، بیشتر برای دفاع از طبیعت و جانداران آن بوجود آمد. اینبار خفاش انسانها را به عنوان آفت طبیعت هدف قرار داد! خفاشها روزانه شش هزار نوع حشره را کنترل می‌کنند و باعث می‌شوند آفت‌ها از بین بروند و طبیعت تعادل پیدا کند. به قول یک فعال محیط زیست، اگر خفاش‌ها نباشند کاکتوس‌ها و گیاهان بیابانی نمی‌توانند گرده‌افشانی کنند و در نتیجه از بین می‌روند و اگر از بین بروند، خاک بیابانها و دشتها موجب ایجاد ریزگردها و گرد و غبار میشود. جانداران روی زمین بغیر از انسان، در مقابل تعدی و طمع انسان بسیار صبور هستند و لی بعضی مواقع جانداران روی زمین برای دفاع ا ز همان طبیعت، به امر خدا دست بکار میشوند و البته چاره ای جز این نیست. همانطور که خفاشها ، برای طبیعت

لازمند، کووید ۱۹ هم برای طبیعت لازم بوده است و مرحله ای از مراحل دفاع از طبیعت بوده است.

۹۹) فرعون

فرعون و سایر متکبرین تبعید شده به زمین، از آنجا که به خدا و روز آخرت ایمان ندارند، عباراتی که در مورد بهشت فردوس بکار میرود، را در مورد ملک خویش در زمین بکار می برند. مثلا عبارت (تجری من تحتها الأنهار) را برای ملک فانی خویش در زمین بکار می برند. این عبارت در مورد بهشت برین بکار برده شده است.

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۵۱)
و فرعون در [میان] قوم خود ندا درداد [و] گفت ای مردم [کشور] من آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر [کاخهای] من روان است از آن من نیست پس مگر نمی بینید (۵۱)

و فرعون در میان قوم خود ندا در داد و گفت ای مردم کشور من آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر کاخهای من جاری است از آن من نیست؟ فرعون و متکبرین دنبال اعتلا در زمین هستند. آنها به خیال خود همان شرایط بهشت را در روی زمین برای خود بوجود آورده اند، البته به قیمت بردگی زیردستان خود. در حالیکه آنها به زمین تبعید شده اند و دلیل اصلی تبعید به زمین هم ، اینجور ظلم و جورها بوده است. فرعون و آل فرعون آنچنان غرق در زمین

بودند که چندین نشانه از طرف خدا (طوفان، هجوم ملخ‌ها، شپش، قورباغه‌ها و قرمز شدن آبها و خون و کمبود محصولات و ...) را نادیده گرفتند و سرانجام به عذاب نهایی دچار شدند و غرق شدند. عذابهای اولی فقط جهت هشدار بوده است و پیش نیاز عذاب نهایی بوده است و البته این نوع پیش عذابها در مورد تمام عذابهای ملل دیگر هم صدق میکند. آیا کم آبی، مشکلات اقتصادی، گرانی، بیکاری، گرد و غبار، آلودگی هوا، خشک شدن دریاچه ها و کمبود محصولات و ... در جامعه ما، پیش نیاز یک عذاب بزرگ نیست؟ متاسفانه فرعون پیش عذابها را نفهمیدند و درکش نکردند و بدبخت شدند.

۱۰۰) قارون

آنچه که ما از کره زمین با خود میبریم، ساختمان و پول و مادیات نیست، بلکه اعمال ماست که با همراه میشود. هر آنچه ما در کره زمین جمع کرده ایم، در همین کره زمین میماند و کسی نمیتواند اپسیلونی از آن خارج کند. نمونه چنین افرادی در قرآن ذکر شده است به اسم قارون که گنج های زیادی جمع آوری کرده بود. ولی بعلت ستمهایی که بر مردم روا میداشت و بعلت اینکه از چیزهایی که خدا به او داده بود، به مردم دیگر نمی بخشید، خدا او و ثروتش را در زمین فروبرد. گنج قارون از زمین استخراج شده بود ولی در نهایت به همان زمین برگشت و البته صاحبش را هم با خودش غرق کرد.

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (۷۶)

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد و از گنجینه ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می آمد آنگاه که قوم وی بدو گفتند شادی مکن که خدا شادی کنندگان را دوست نمی دارد (۷۶)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۷۷)
و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد (۷۷)

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (۷۸)
[قارون] گفت من اینها را در نتیجه دانش خود یافته ام آیا وی ندانست که خدا نسلهایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال اندوزتر بودند و[لی این گونه] مجرمان را [نیازی] به پرسیده شدن از گناهانشان نیست (۷۸)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۷۹)
پس [قارون] با کوکبه خود بر قومش نمایان شد کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می شد واقعا او بهره بزرگی [از ثروت] دارد (۷۹)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (۸۰)
و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند گفتند وای بر شما برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است و جز شکیبایان آن را نیابند (۸۰)

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ (۸۱)
آنگاه [قارون] را با خانه اش در زمین فرو بردیم و گروهی نداشت که در برابر [عذاب] خدا او را یاری کنند و [خود نیز] نتوانست از خود دفاع کند (۸۱)

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۸۲)
و همان کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند صبح می گفتند وای مثل اینکه خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند و اگر خدا بر ما منت ننهاده بود ما را [هم] به زمین فرو برده بود وای گویی که کافران رستگار نمی گردند (۸۲)

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۸۳)
آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (۸۳)

تجربه و تاریخ ثابت کرده است که گاهی آدمیزاد تبعید شده، گنجهایی از طلا در زمین برای خود جمع میکند و البته در ۹۰ درصد موارد به درد خودش نمی خورد. شما میتوانید خودتان آزمایش کنید. نصف ثروتتان را به طلا تبدیل کنید و آن را در جایی مخفی کنید و بمدت بیست سال نگهدارید؛ بعد از طی بیست سال ، متوجه شده اید که زندگی شما بدون آن قطعه طلا هم سپری شده است! ، آن قطعه طلا در زندگی شما تاثیری نداشته است. دقیقا به این خاطر است که در اندوختن ثروت باید به حلال بودن آن بسیار توجه کرد، زیرا واقعا شایسته نیست و ارزشش را ندارد که بخاطر چیزی که فایده ای برات نداره ، ایمانت را از دست دهید.

انسانهای مومیایی کشف شده از قشر فقرا نبوده اند، بلکه همگی از افراد ثروتمند و سلاطین زمان خویش بوده اند. بشر تبعید شده، برای ادامه زندگی روی کره زمین دست به مومیایی کردن خویش هم زده است و فکر کرده است که به این طریق آینده خویش را تضمین میکند! هیچ جاندار دیگری بغیر از انسان، چنین

تصوری در مورد زمین ندارد. اگر چه آنها بومیهای زمین هستند و بهتر از ما زمین را درک میکنند.

(۱۰۱) خوشبختی از نگاه تبعید شده ها

قارون در یک مراسم جشن برای تفاخرو خودنمایی، زیور آلات خویش را به مردم مینمایاند؛ تعدادی از مردم میگفتند که قارون چقدر خوشبخت است، ای کاش ما هم مثل اوخوشبخت بودیم! این تصور مردم در مورد خوشبختی جالب است! هر آنچه که می بینند ، به خوشبختی تعبیر میکنند. در حالیکه خود قارون، ثروتش را بخاطر تفاخر و خودنمایی نمایش میداد و حس خودنمایی خویش را ارضا میکرد. خودنمایی یک حس شیطانی است و قارون داشت یک حس شیطانی را در وجود خویش ارضا میکرد و اصلا تعداد گنجینه های خویش برایش مهم نبود و حتی تعدادش را هم نمیدانست. ولی مردم فقط در آنچه که میبینند قضاوت میکنند و واقعیتها را توجه نمیکنند. مثل یک معتاد که در حین مصرف مواد مخدر، نعشه میشود و حرفهای گنده گنده میزند. در این حالت مردم فکر میکنند که او چقدر داناست! در حالیکه فرد معتاد فقط دارد خودش را ارضا میکند و به آنچه که میگوید ایمان ندارد و عمل هم نمی کند.

بعد که خانه قارون و گنجهایش در زمین فرو رفتند، همان عده از مردم اینبار گفتند که: وای مثل اینکه خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند و اگر خدا بر ما منت ننهاده بود ما را هم به زمین فرو برده بود!

این طرز تعویض رفتارها و گفتارها، نشان از این دارد که بشر تکلیفش را با خود مشخص نکرده است و هنوز نمیتواند بپذیرد که زمین محل آزمایش است. تعریف خوشبختی از نگاه بشر تبعید شده، بسیار متغیر است زیرا بشر به آنچه که می بیند توجه میکند و به آن حسادت می ورزد. در این جا بشر باز هم صفت شیطانی به اسم حسادت را در وجود خویش ارضا میکند. تمام تعبیرهای بشر از خوشبختی، از یک سری صفات شیطانی نشات میگیرد. ما در زندگی خویش در کره زمین، اگر صفات خدایی مثل بخشش، گذشت، مهربانی، خوش خلقی و ... را در خود تقویت کنیم؛ در آن صورت به همان بهشت گمشده خویش بر میگردیم؛ اما اگر صفات شیطانی مثل بخل، حسادت، طمع، ریا، خودنمایی و ... را در خود تقویت کنیم؛ در آن صورت شایستگی به بهشت رفتن را نداریم . اگر این صفات شیطانی در انسان قوی شود، نیاز به آبیاری دارد و بشر را معتاد خویش میکند. و در آنصورت بشر در یک سیکل باطل صفات شیطانی گیر می افتد و خوشبختی معنایش را از دست میدهد. او بعد از مدتی متوجه میشود که به جای خوشبختی به یک سری صفات شیطانی، از جمله بخل، خودنمایی، ریا و ... روی آورده است. دقیقا به این خاطر خدا می فرماید که به زمین نچسبید و الا شیطان کاری میکند که در همان زمین قورت داده شوید.

۱۰۲) سیستم ایمنی

این یک واقعیت است که سیستم ایمنی بدن انسان تبعید شده ، به نسبت سیستم ایمنی بدن جانداران بومی زمین، کم و کاستیهای زیادی دارد. بسیاری از مردم در طول روز همیشه خسته اند. یکی از دلایل آن این است که سیستم ایمنی بدن انسان

در تلاش برای دفاع از خود است و خیلی از مواقع بزحمت می افتد و باعث کسلی و خستگی مداوم بدن میشود و سطح انرژی ما پایین می آید. از یک طرف دیگر بیماریهای روحی روانی، افراد تبعید شده به زمین را تهدید میکند. شیطان متاسفانه تلاش دارد که مردم را دیوانه کند. حتی متشخص ترین انسانها هم در حین بحثهای اجتماعی و یا خانوادگی، کنترل خویش را از دست میدهند و بسیاری از مردم از این نوع بیماریهای روانی ؛ که به وسیله آن به روان خویش حمله میکنند، آگاه نیستند. غفلت از خدا و دستورات خدا باعث این چنین اتفاقاتی است. زندگی و جهان بینی ما در زمین باید براساس دستورات خدا باشد و لاغیر.

۱۰۳) حیات دنیا

زندگی روی کره زمین، در قرآن حیات دنیا نامیده شده است. "دنیا" در قرآن به معنای پایین و دون است. یعنی زندگی در پایین و یا زندگی پست. این دقیقا مهمترین دلیل بر تبعیدی بودن ماست و نشان میدهد که زندگی روی کره زمین بسیار پست و ناچیزه به نسبت جایی که قبلا آنجا بودیم.

۱۰۴) پرندگان

بومیهای زمین در استفاده از آب، کاملا بهینه عمل میکنند. یک پرنده از قطرات آبی که ما بی ارزش میپنداریم، مینوشد. آنها طریقه گذران زندگی در زمین را میدانند.



در تبعیدگاه آخری، جهنم، پرندگان و جانداران بومی زمین وجود ندارند و فقط انسانها و اجنه حضور دارند. زیبا بودن نسبی زمین هم بخاطر حضور پرندگان و سایر موجودات غیر از انسان است. اگر چنین موجوداتی در محیط زندگی وجود نداشته باشند، واقعا زجرآور است.

۱۰۵) هیتلر

بررسی هیتلر و ایده هایش شاید بهترین عبرت باشه برای تبعید شده ها تا که در طریقه زندگی خویش بازنگری انجام دهند. بعضی تفکرات پوپولیستی که در ظاهر ساده هستند ولی عواقب بسیار خطرناکی در آینده خواهند داشت. برای نمونه توجیهات هیتلر برای کشتار اسلاوها و یهودیان را بخوانید.

هیتلر و همکارانش معتقد بودند که : زمانی که در جبهه‌ها بهترین فرزندان کشور فنا می‌شوند دستکم باید در درون کشور حشرات (منظورش کسانی بود که در جنگ هیتلر را همراهی نمی کردند) از میان برداشته شوند! هیتلر آدمهایی که با حزب او همکاری نمی کردند را بی مصرف و خطرناک خطاب میکرد. آنها بسیاری از کودکان محله های یهودی نشین و اسلاوها را بی مصرف و در نتیجه "خورندگان بی فایده" قلمداد می کردند. یهودیها اصولا در هر کشوری که بوده اند، خود را متعلق به آن کشور نمی دانستند و دنبال اهداف مذهبی خویش بوده اند. به همین خاطر هیتلر کینه خاصی نسبت به این قشر از مردم که با هیتلر بیعت نمی کردند، در دل داشت و بعدا تعداد زیادی از این اقشار را قتل عام کرد. این اتفاق برای بنی اسرائیل در طول تاریخ گذشته مصر هم اتفاق افتاده بوده است. فرعون بنی اسرائیل را به بندگی و بردگی گرفته بود زیرا بنی اسرائیل تعلق خاطری نسبت به فرعون نداشتند. اگر سیاستهای فرعون را قبول می کردند ، مثل آل فرعون می‌شدند ولی بنی اسرائیل با تفکرات فرعون همراهی نکردند و به همین خاطر فرعون آنان را از همه چیز محروم میکرد و آنان را به بردگی میگرفت.

۱۰۶) حیوانات در قرآن

از نظر قرآن، تمام جانداران و حیوانات خدا را سجده میکنند و او را تسبیح میگویند. اما ممکن است که بعضی بگویند پس چرا خدا به صدای کره الاغ میگوید انکر الاصوات؟

در توضیح باید گفت که بعضی خصوصیات در وجود حیوانات هستند که برای یک انسان ناخوشایند است و البته برای موجودات دیگرلزوما ناخوشایند نیست. زیرا همه آیتمهای زمین با بشر مناسب نیست؛ بشر تبعید شده است و قرار نیست تمام خصوصیات موجودات زمین مناسب و خوشایند بشر باشند.

بنابر این نباید در مورد حیوان ها با منطق انسانی قضاوت کنید چون حیوان ها مقهور طبیعت هستند و چرخه غریزی خود را طی میکنند؛ اگر صفت بدی در یک حیوان موجود است، جزو خاصیت اوست و غریزی است و عمدی در کار نیست. مثلا صدای کره الاغ ناخوشایند است؛ موش موذی است؛ گربه بی صفت است؛ سگ وفادار است؛ گرگ درنده است؛ اینها خاصیت طبیعت زمین است و طبیعت زمین مثل طبیعت بهشت کامل و ایده آل نیست. زیرا قرار بوده است محل تبعید شده ها باشد؛ به همین خاطر حیوانات زمین هم تمام صفاتشان به مذاق ما خوشایند نیست. در قرآن، لقمان به پسرش توصیه میکند که صدایش را مثل صدای کره الاغ بلند نکند؛ این توصیه برای یک انسان بوده است و نشان میدهد که خصوصیت انکر الاصوات بیشتر در میان انسانها رایج است. حتی در مجادله های خانوادگی، بلند کردن صدا مهمترین علت مشاجره هاست.

مثلا بهانه گیری ، عادت مناسبی نیست. اما خیلی از بچه ها بهانه گیرند. بهانه گیری برای یک بچه عیب نیست ولی برای یک فرد بزرگ ، ناپسند است، زیرا بچه هنوز به فهم کامل نرسیده است. صدای بلند برای یک کره الاغ عیب نیست ولی برای یک انسان بسیار ناپسند است. وقتی میگوئیم مثل بچه بهانه گیر است؛ قصدمان توهین به بچه نیست؛ بلکه فقط تشبیه کلامی است جهت رساندن مفهوم آنچه که در دل داریم.

خدا به چهارپایان اهلی در قرآن انعام میگوید. مثل گاو، گوسفند، خر، بز، شتر و... اما باید توجه شود که چهارپایان اهلی، رام و مطیع انسانند. مثلا شاید شنیده باشید که میگویند مثل گوسفند دنباله رو هر چیزی نباش. ولی از یک نظر باید بدانیم که حلقه به گوش بودن و مطیع بودن گوسفند یک نعمت است برای ما انسانها. زیرا اگر یک گاو و یا یک گوسفند، مطیع ، بهره ده، بدون توقع و حلقه به گوش نباشد، چه کسی میتوانست شیر آنها را بدوشد! اگر یک گاو مثل یک شیرو یا یک روباه حمله گر، سیاست باز و زیرک باشد؛ دیگر در آن موقع تحت کنترل انسان قرار نمی گرفت و هیچ فایده ای نداشت. عده ای در هندوستان، گاو را مقدس و مایه برکت میدانند و گوشت او را بر خود حرام میدانند. در هندوستان گاو بجای اینکه به انسانها فایده برساند، بیشتر سربار آنهاست. اگر گاو برکت دارد، بخاطر شیرش، گوشتش، پوستش و ... است.

در میان یک خانواده هم این قاعده ها برقرار است. تفاوت زن ومرد، تفاوت بزرگ و کودک ، تفاوت انسان و انعام، تفاوت اهلی و وحشی؛ اینها همگی جزو ذات زمین است. مثلا چندین نفر نمیتوانند یک شیر یا یک فیل را کنترل کنند، ولی یک چوپان میتواند هزاران گوسفند را کنترل کند. حلقه به گوش و مطیع بودن گوسفند یک نعمت است برای ما. زیرا مفید بودن گوسفند و گاو و خر در اطاعت بی چون و چرا بودن آنهاست.

در یک خانواده اگر زنها مرد باشند و مردها زن ؛ در آنصورت زندگی بی فایده است. اگر یک کودک ادای بزرگا را دربیاره؛ بنیان خانواده ها از هم میپاشه. این فقط کره الاغ نیست که صدایش ناخوشایند است؛ بلکه خدا در قرآن صدها

صفت بد از انسان ذکر نموده است. بیشتر صفات ناپسندی که در قرآن موجود است، ۹۹/۹۹ درصد مربوط به انسان است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۱۸)
آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است و هر که را خدا خوار کند او را گرامی دارنده ای نیست چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد (۱۸)

خدا در قرآن وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد و بدان مکلف شدند ولی آن را حمل نکردند و خلاف آن عمل نمودند در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت بکشد و از آن هیچ نفهمد. این صفت از الاغ از نگاه ما ناپسند است ولی یک الاغ کارش را انجام میدهد و تصور کنید که یک الاغ ، کتابهایی که بر پشتش گذاشته شود، حمل نمی کرد و از محتویاتش سوال میکرد! در این صورت الاغ به عنوان یک حیوان سودمند باربر، دیگر بیفایده بود. اما خدا بعضی علمای تورات را به الاغی تشبیه کرده که کتابی را حمل میکنند ولی محتویاتش را نمی دانند. برای یک انسان که خدا به او فکر داده، این خاصیت بسیار ناپسند است؛ اما برای یک الاغ ، ناپسند نیست. ولی قرآن به هر حال برای فهم بعضی مسائل از قصص و مثالها بهره می برد. قصد خدا توهین به الاغ نیست. بلکه خدا خالق ماست و او میداند که هر جانداری چه خصوصیت منفی و چه خصوصیت مثبتی دارد.

۱۰۷) مریخ

ناسا تصاویر زیادی از سیاره مریخ تهیه کرده است. از نظر خاک و سنگ و کوه و تپه، خیلی شبیه به زمین است.



اما جو مریخ فاقد اکسیژن است و همچنین مهمتر از همه اینکه مریخ آب ندارد و مریخ مثل زمین لایه ازن ندارد تا که مردم را از خطر اشعه های مضر خورشید محافظت کند. بشر از نظر علمی پیشرفت زیادی کرده است. به جز انسان، هیچ جاندار دیگری نسبت به یافتن امکان زندگی روی سیاره ای دیگر کنجکاوی

نشان نمی دهد. همین نکته ، نشان از شور و اشتیاق انسان تبعید شده برای رفتن از زمین دارد. اما هیچ سیاره دیگری در نزدیکی زمین قابل سکونت نیست. اگر سیاره ای قابل سکونت کشف شود، آنقدر دور است که هزاران سال نوری طول میکشد و عملا بی فایده ست. شاید هزینه زندگی روی سیاره دیگری آنقدر زیاد باشد که برای هر ثانیه زندگی روی آن میلیونها دلار هزینه بردارد. ما واقعا در زمین گیر افتاده ایم و چاره ای جز زندگی در زمین نداریم. تنها راه برون رفت از زمین، تقاضای کمک از خداست و فقط او میتواند ما را از تبعیدگاه زمین نجات دهد. اما از یک طرف دیگر ، زمین با همه امکاناتش در اختیار انسان تبعید شده قرار گرفته است و نیازهای بدیهی شامل اکسیژن، انرژی، لایه محافظت کننده ازن، خاک نرم، درختان، چارپایان و... مفت و رایگان در اختیار او قرار گرفته است، تا که بشر خدا را عبادت کند و دوباره به سوی خدا برگردد. این نیازهای بدیهی در سیارات دیگر نیست و برای بدست آوردن آن باید برای هر نفر میلیاردها دلار هزینه کرد. تنها راه کم هزینه برای برون رفت از زمین، تقوا و پرهیزگاری است تا که خدا خودش ما را به خانه اصلی یعنی بهشت برگرداند.

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)
ای گروه جنیان و انسیان اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید پس رخنه کنید [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید (۳۳)

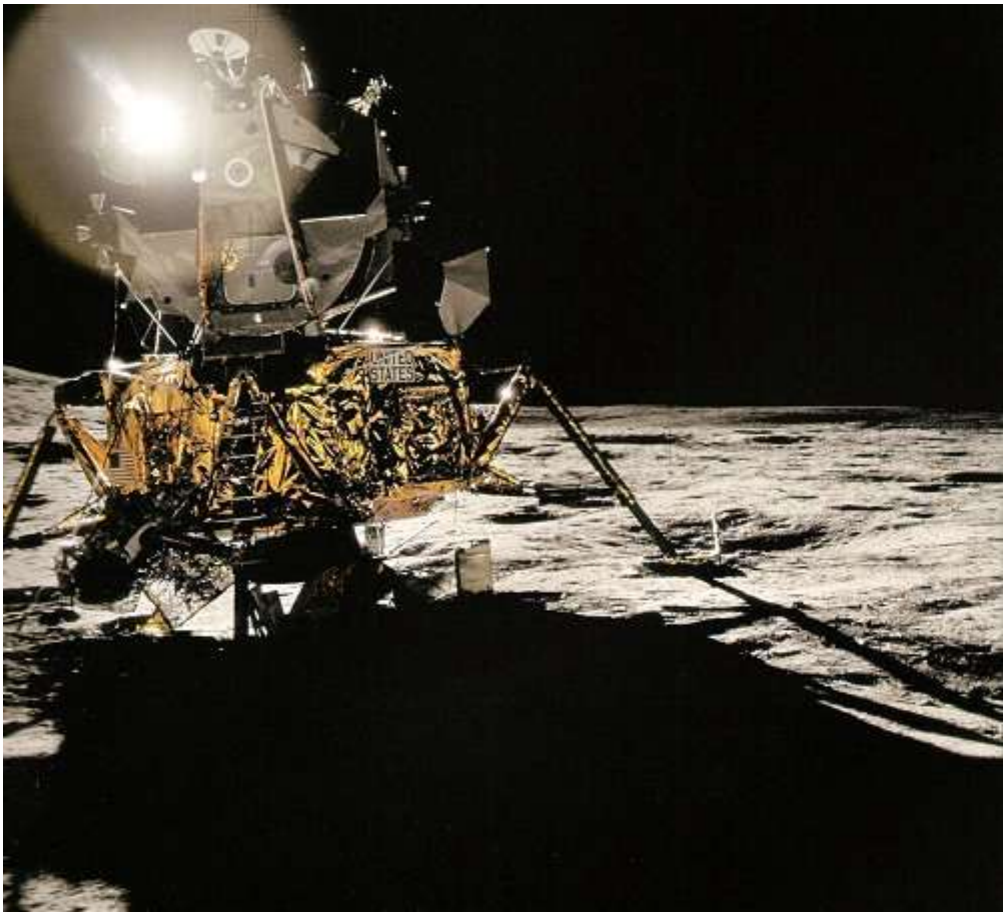
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴)
پس كدام يك از نعمتهای پروردگارتان را منكريد (۳۴)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵)
بر سر شما شراره هایی از [نوع] تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد و [از کسی] یاری نتوانید طلبید (۳۵)

حتی اگر روزی انسان بتواند وارد مریخ شود، اما مرگ را چکار میکند. این حقیقت انکار ناپذیر و حتمی که هیچ چاره ای ندارد. در سطح مریخ ، هیچ میکروبی وجود ندارد و اصولا شرایطی برای زندگی میکروبها در آن نیست. پس بااین اوصاف فردی که می میرد، جسدش برای همیشه در آنجا مثل جسد مومیایی شده باقی میماند. اما در زمین اجساد مردگان، بعد از چند سال بوسیله میکروبهای زمین تجزیه شده و از بین می روند. این مورد از مشکلات اولیه بشر بوده است. بشر ابتدا نمیدانست که جسد مرده را چکار کند تا اینکه از یک موجود بومی زمین به اسم کلاغ یاد گرفت. بشری که به زمین تبعید شده است، حالا اگر بخواهد از زمین خارج شود و جایی دیگر زندگی کند، بسیار به سختی بتواند جسد مردگانش را از بین ببرد و این مساله ساده به یکی از بزرگترین مشکلاتش تبدیل خواهد شد. در اینجا متوجه خواهیم شد که هر ثانیه زندگی ما در زمین میلیاردها دلار برای خود انسان هزینه بر میداشت؛ اگر خدا همه چیز را آماده در اختیار انسان نمی گذاشت. خدا فقط عبادت و پرهیزگاری و تقوا از ما میخواهد و بس.

۱۰۸) سایه در جهنم

با دقت در تصاویری که از کره ماه گرفته شده است، متوجه میشویم که سایه های اشیاء خاصیت عجیبی دارند و آن هم این است که سایه ها کاملا تاریک هستند؛ بحدی تاریک که انگار حفره ای تاریک ایجاد شده است.



به همین خاطر خدا سایه های زمین را برای بشر نعمت میشمارد.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (۸۱)

و خدا از آنچه آفریده به سود شما سایه هایی فراهم آورده و از کوهها برای شما پناهگاه هایی قرار داده و برای شما تن‌پوشهایی مقرر کرده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می کند و تن‌پوشها [=زره ها]یی که شما را در جنگتان حمایت می نماید این گونه وی نعمتش را بر شما تمام می گرداند امید که شما [به فرمانش] گردن نهید (۸۱)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٨٢)
پس اگر رويگردان شوند بر تو فقط ابلاغ آشكار است (٨٢)

اما سایه در جهنم ، نعمت نیست؛ بلکه نهایت عذاب است. خدا میفرماید که بروید به سوی آن سایه سه شاخه؛ نه سایه دار است و نه از شعله حفاظت می کند. هنوز بشر آنقدر علمش پیشرفت نکرده است که بتواند شرایط جهنم را توضیح دهد و بگوید که سایه سه شاخه چیست. اما نزدیکترین احتمال این است که جهنم دارای سه خورشید حرارتی است و هر چیزی سه سایه خواهد داشت و یا اینکه سایه ها در جهنم سه بعدی هستند. قطعا هر چیزی هست، راحتی و آسایش و آرامش در آن نیست. بلکه پر از غم و اندوه و ترس و درد و عذاب است. خدایا ما را از آتش جهنم محفوظ کن.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٢٨)آن روز واى بر تكذيب كنندگان (٢٨)

انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (٢٩)برويد به سوى همان چيزى كه آن را تكذيب ميكرديد (٢٩)

انْطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (٣٠)برويد به سوى [آن] سايه سه شاخه (٣٠)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (٣١)نه سايه دار است و نه از شعله [آتش] حفاظت مى كند (٣١)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (٣٢)[دوزخ] چون كاخى [بلند] شراره مى افكند (٣٢)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (٣٣)گويى شترانى زرد رنگند (٣٣)

۱۰۹)　ارزش نعمتهای روی زمین

در صنعت فضانوردی، اصطلاحی است به نام زمینی سازی مریخ و یا ماه. یعنی شرایطی را در مریخ و یا ماه فراهم کنند تا که زندگی در آن میسر باشد. بهتر است بدانید که قیمت هر لیتر آب برای سازمان های فضایی بین المللی بطور متوسط حدود ۴۵۰۰ دلار، یعنی به پول ایران در حال حاضر ۱۰۰ میلیون تومان در میاد. هر فضانورد بطور متوسط روزی چهار لیتر آب مصرف میکند. یعنی هر فرد در طول روز ۴۰۰ میلیون تومان فقط آب مصرف میکند. به همین خاطر سازمانهای فضایی دستگاهی ساخته اند که تصفیه ادرار فضانوردان را انجام داده و دوباره استفاده میشود. این کار از طریق دستگاههای پیشرفته ای انجام می پذیرد. استحمام با حوله خیس و تقریبا با کمترین آب انجام می پذیرد. در زمینه مصرف غذاها، تقریبا هیچگونه اسرافی انجام نمی پذیرد و ... چرا بشر در این مواقع درست عمل میکند و اسراف نمی کند؟ زیرا هزینه بردار است و هزینه اش را خود بشر باید بدهد.

بشر آنقدرها از نظر علمی توانمند است که بتواند چنین دستگاههایی بسازد و ساخته است. اما در صداقت بشر شک زیادی وجود دارد. زیرا همان اهمیتی که برای نعمتهای خدا در یک ایستگاه فضایی قائل است، روی زمین اصلا هیچ توجهی نمیشود. و اصلا چرا اینجور تکنولوژیها را در روی زمین برای آباد کردن بیابانهای زمین بکار نمی برند!

از یک طرف کشورهای فقیر با داشتن انبوه زمین های بایر ، معادن غنی و متنوع ، هنوز مردم این دیارها دنبال ساده ترین امکانات زندگیند. بشری که بتواند یک موبایل با کلی امکانات پیشرفته بسازد، بعید است که نتواند دستگاه نانوایی

بسازد که اتلاف نان نداشته باشد. بعید است که نتواند تصفیه خانه آب برای مناطق با آب آلوده بسازد.

اگر ارزش کل نعمتهایی که ما در زمین به هدر میدهیم، حساب کنیم ؛ عدد بزرگی بدست می آید که بوسیله آن میتوان کل کمبودهای فقرا را جبران کرد.

وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (۲۶)
و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن (۲۶)

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (۲۷)
چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است (۲۷)

۱۱۰) ما چرا به زمین آمدیم؟

ما به این علت در این دنیا بسرمی بریم که گناهی بس هولناک مرتکب شده ایم، و زندگی این دنیا فرصتی است که به ما داده شده تا دیگر بار خود را نجات دهیم، شرک خود را علناً محکوم کنیم، و به درگاه خدا بپیوندیم.تمام ماجرا از آنجا آغاز شد که میلیاردها سال پیش " نزاعی در ملکوت اعلی درگرفت " ۳۸:۶۹). یکی از مخلوقات بلند پایه، یعنی شیطان، از روی جاه طلبی و تفرعن به فکر افتاد که خود نیز می تواند با قدرتی که خدا به او داده در کنار خدا خدایی کند و بدین ترتیب مقام قدوسی خدا را زیر سوال برد. پندار شیطان نه تنها کفرآمیزTبود، بلکه بکلی نیز غلط بود - فقط خداست که توانایی و قابلیت را

برای خدایی دارد. به دنبال این کفر شیطانی، در ملکوت اعلی تفرقه ایجاد شد، و کلیه مخلوقاتی که در قلمرو خدا بودند به چهار دسته طبقه بندی شدند: T

۱. فرشتگان: مخلوقاتی که از اول به مقام قدوسی خدا معترف بودند.

۲. حیوانات: مخلوقاتی که اول عصیان ورزیدند ولی بعد دعوت خدا را برای توبه پذیرفتند.

۳. جن ها: مخلوقاتی که با شیطان موافق بودند؛ که او نیز می تواند "خدا" باشد.

۴. آدمیان: مخلوقات غیرمصمم؛ آنها نتوانستند با قاطعیت پای این اعتقاد بایستند که مقام قدوسی فقط از آن خداست.

۱۱۱) کلام خدا با کلامهای دیگر خیلی فرق دارد

قرآن، آخرین کتاب خدا به جهانیان است. بی شباهت به هر کتاب دیگری، قرآن را خدا تعلیم می دهد ؛ خدا از طریق قرآن آنچه را که ما باید بدانیم در زمانی که باید آنرا بدانیم به ما تعلیم می دهد. به همین دلیل است که قرآن را صدها بار می خوانیم و خسته نمی شویم. برای مثال، یک کتاب داستان را فقط یکبار می توان خواند. ولی قرآن را بارها و بارها می توان مطالعه کرد، و هربار اطاعات جدید و ارزشمندی از آن بدست آورد. وقتی قرآن را میخوانید، انگار که نامه ای از طرف خدا را میخوانید. نامه را از یک جای دیگری برای ما نوشته

اند. نامه را از جایی فرستاده اند که از آنجا تبعید شده ایم. هر بار که دلتنگ بهشتیم، باید این نامه را بخوانیم تا که راه را کج نرویم. مثل یک زندانی که چند عکس یادگاری از خانواده اش در زندان دارد و هر روز نگاهش میکند. ما هم باید نسبت به قرآن کلام خدا اینطوری باشیم و هر روز دلتنگش شویم و او را با اشتیاق بخوانیم و عمل کنیم. خدا می فرماید که اگر این قرآن را بر کوه وحی می کردیم، می دیدی که کوه در برابر اینهمه عظمت سر فرود می آورد، و از ترس خدا می ریخت. این مساله نشان میدهد که قرآن برای ما تبعید شده ها نازل شده است نه حیوانات و جمادات روی زمین. حیوانات و جمادات خداپرستند و مشکلی ندارند. ما باید خود را طوری عادت دهیم که مطمئن شویم خدا بیش از هر کس و هر چیزی فکر ما را به خود مشغول می دارد. خواندن قرآن به ما یاد میدهد که این عادت های نجات بخش را در خود ایجاد کنیم تا روح خود را نجات دهیم و از این تبعید گاه خلاص شویم. جهت اینکار هیچ نامه ای موثر تر از کلام خدا نیست.

تبعید شدگانی که قرآن را با صداقت مطالعه نمی کنند، همان کسانی که قرآن را می خوانند تا در آن ایراد پیدا کنند و یا آن کسانی که قرآن را میخوانند تا ایده های از قبل انتخاب شده را تایید کنند؛ از قرآن منحرف می شوند . از آنجا که قرآن پیامی است که خدا برای همه مردم فرستاده است، هرکس که مومن باشد، علیرغم زبان مادری خود، می تواند آنرا بفهمد.گواه این پدیده ی شگرف این است که: مومنانی که عربی نمی دانند قرآن را بهتر از کافران عرب زبان می

دانند. بخاطر وجود همان نیروهای نامریی که در خدمت قرآن هستند، مومنان براحتی می توانند به مفاهیم کتاب آسمانی پی ببرند و از آن لذت می برند، و در عین حال کسانی که ایمان ندارند نمی توانند به مفاهیم کتاب دسترسی پیدا کنند.

۱۱۲) ارزشها

آنچه اکثر مردم نمی دانند این است که پایمال شدن ارزشهای اخلاقی در زندگی برای آنان بسیار گران تمام می شود. تنها قانونی که بر جهان حکمفرماست، قانون خداست، و سرپیچی آشکار از قوانین خدا، موجب بدبختی و مشکلات فراوان است. جامعه امروز پر از وسوسه های نفسانی است. هم اکنون در ایران، حتی پدران و مادران هم درباره اینکه فرزندانشان دوست پسر، یا دوست دختر بگیرند با آنها صحبت می کنند! آمار نشان می دهد که درصد نگران کننده ای از جوانان کشور، با آنکه هنوز بالغ نشده اند، از نظر جنسی فعال هستند، و از همه مهمتر با ارزشهای اخلاقی کاملا بیگانه هستند. از جمله پیامدهای سقوط این ارزشهای اخلاقی: کودکان ناخواسته، پدران و مادران غافل و غیرمسئول، جنایتکارانی که هیچ ارزشی برای جان و مال مردم قائل نیستندو میلیونها وصله ناجور در اجتماع، است. فرمان خدا برای حفظ نجابت ، چه پیش از ازدواج یا پس از ازدواج ؛ به سود خود ماست. خدا بر سلامتی، دارایی، خوشبختی، و بدبختی ما کنترل دارد و در واقع رعایت نکردن دستورات خدا در قرآن ؛ به فرزندان ما ضرر میزند و نسل آینده رو به نابودی خواهد رفت. از زمان آدم تا بحال ، خدا هزاران بار نسل بشر را تصفیه کرده است و عذابهای زیادی بر ملل وارد کرده

است و تعداد زیادی را از بین برده است. البته اگر از بین نبرده بود، تابحال بشر خودش را از بین برده بود. طوفان نوح و عاد و ثمود و ... برای نجات نسل بشر بوده است. و البته این روال همچنان ادامه دارد و نسل ما در ایران بشدت در خطر است.

۱۱۳) گمراهی روشن در مقابل ابلاغ روشن

تمام پیامبران در طول تاریخ، پیام خود را بطور آشکار به مردم گفته اند. طوری که مردم پیام را بفهمند. اما مردم در عوض آنها را در گمراهی آشکار میدیدند. ابلاغ آشکار در مقابل گمراهی آشکار!

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷)
و بر ما [وظيفه ای] جز رسانيدن آشكار [پيام] نيست (۱۷)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۶۰)
سران قومش گفتند واقعا ما تو را در گمراهى آشكارى مى بينيم (۶۰)

۱۱۴) دو چیز که عمل به آن بر تبعیدشدگان بسیار گران است

دو چیز که بر انسانها انجامش سخت است، صبر و نماز است. مشکلات انسان از یک طرف مربوط به مسائل تبعید است و از طرف دیگر بخاطر در معرض وسوسه های شیطان بودن است.

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵)

از شکیبایی و نماز یاری جویید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان (۴۵)

اولی یعنی صبر و استقامت بخاطر گذراندن شرایط تبعید است. ما اگر در مقابل حوادثی که در زندگی پیش میاید یا دیگر انسانها برایمان پیش میاورند، صبر نداشته باشیم، نمی توانیم دوران تبعید را با موفقیت طی کنیم. نماز هم برای غلبه بر وسوسه های شیطان است که روزانه باید انجام پذیرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳)
ای کسانی که ایمان آورده اید از شکیبایی و نماز یاری جویید زیرا خدا با شکیبایان است (۱۵۳)

خدا پیام مهمی برای تبعید شده ها دارد و آن هم این است که خودش میفرماید: براستی خدا با صابران است. اگر کسی صبر داشته باشد و نمازش را بدرستی بجا آورد، خدا با اوست. ما در این تبعید گاه فقیریم و نیاز به کمکهای روحی، فیزیکی داریم. وقتی خدا با ما باشد، مشکلات ما خیلی راحت حل میشوند. پس راز موفقیت ما در تبعیدگاه زمین، صبور بودن است. صبور بودن در مقابل کاستی ها، کمبودها، نزاعها و ... وقتی صبور باشیم، خدا با ماست. تمام رنج و عذابهای جهنمیان، بخاطر این است که خدا با آنها نیست.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵)
زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان جدا خواهند بود (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (۱۶)
آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند (۱۶)

جدا بودن از پروردگار (كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ) در آن روز نتیجه قطعیش این است که وارد جهنم میشوند (ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ). وقتی خدا با ما باشد، از سختی های زمین هم در امانیم و در نتیجه وارد جهنم هم نمیشویم. صبر و نماز راهی است که خدای مهربان برای غلبه بر سختی ها در تبعیدگاه زمین به ما معرفی کرده است. نماز و صبر برخلاف تصورات مردم، باری بر دوش نیستند، بلکه باری از دوش بر میدارند. سلامت روانی انسانها فقط بوسیله صبر و نماز تضمین میشود. شرایط زندگی در زمین طوری است که انسانها بوسیله صبر میتوانند روح خود را تزکیه کنند تا که به بهشت برگردند.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۲۴)
[و به آنان می گویند] درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید راستی چه نیکوست فرجام آن سرای (۲۴)

با استراتژی صبر در امور دنیایی، انسان در اعمال شیطانی داخل نمیشود. کسی که صبر داشته باشد، خشمگین نمیشود، ظلم نمیکند،زود تصمیم نمی گیرد، توهین نمیکند، عصبانی نمیشود، جنگ نمی کند، غیبت نمی کند، قتل نمی کند، زنا نمی کند، دزدی نمی کند و خلاصه در همه چیز صبر میکند. خدای نادیدنی درکنار اوست. این به معنای واقعی یعنی مبارزه با شیطان و ایجاد سلامت روانی در نفس خویش.

۱۱۵) دنیا پر از ناپاکی است

اگر کسی یک کیف پول پیدا کند و آن را به صاحبش تحویل بدهد، او را تشویق میکنند و ممکن است انعام هم بدهند. اگر کسی یک حیوان را از یک چاله خارج کند و او را نجات دهد، مردم او را قهرمان میدانند و فیلم آن در فضای مجازی میلیونها لایک میخورد. تعداد این افراد زیاد نیست، به همین خاطر مردم ، این کارها را بزرگ می دارند. ما در جهانی زندگی میکنیم که چیزی که سرجایش نیست را اگر سرجایش قرار دهید، تشویق میشوید! در حالیکه این گونه کردارها و کارها، باید عادی میبود. بیشتر مشکلات بشر از همینجا شروع میشود که حسهای دزدی ، ریا، رشوه، فرصت طلبی و ... را در خود نمیکشد. کسب و کار خود را بدرستی انجام نمی دهد؛ ما باید ایمان بیاوریم که بشر نتیجه آنچه که انجام میدهد، را بزودی می بیند. متاسفانه بیشتر مردم در خفا به بدی گرایش دارند و تعداد اندکی به خوبی گرایش دارند.

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۱)
به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشاند باشد که بازگردند (۴۱)

البته به قول خدای رحیم در قرآن، قدیمی ها اکثرا مشرک بوده اند. به همین خاطر، خدا ادامه دادن راه قدیمیان را باطل میداند و آن را پیروی کورکورانه میداند. هرکسی موظف است که اصول دین را برای خود دوباره روشن کند.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ (۴۲)

بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده [و] بیشترشان مشرك بودند چگونه بوده است (۴۲)

۱۱۶) در خوشیهای دنیا زیاده روی نکنید

تجربه نشان داده است کسیکه زیاد شیرینی بخورد و مدتها ادامه دهد، به بیماری دیابت مبتلا میشود؛ کسی که زیاد غذاهای شور بخورد، به بیماری فشارخون مبتلا میشود و به قلب خود ضرر میزند و ...

ما در این دنیا ، بسادگی نتیجه کارهای خویش را می بینیم. بخاطر افراط و تفریطهای خویش در تغذیه براحتی سلامتی خویش را به خطر می اندازیم. هیچ جانداری بجز انسان به این واضحی تجربه و دانسته هزار ساله خویش را زیر پا نمی گذارد. ما میدانیم که حسادت، کینه، عصبانیت و سایر صفات شیطانی برای روان و جسم ما مضر است؛ اما بشر دست بردار نیست. بشر عصبانی وقتی براثر عصبانیت و خشم زیاد دچار زخم معده شود و بیمار بشود، سعی میکند که بیماریش را گردن طرف مقابل بیندازد تا که چی؟ برای اینکه دست از آن عادتش برندارد. برای این که دست از عادت بد عصبانیت و خشم و کینه برندارد!

در زمان قدیم، بعضی از مردم مارها را دشمن خونی خویش میدانستند و هرجا ماری میدیدند، سعی در کشتن او میکردند؛ بعد از مدتی جمعیت موشها آنقدر زیاد شد که وارد زندگی و خوراک آدمها شدند و آدمها را به طاعون مبتلا کردند . این را گفتم که بدانید، آدمی اگر دست از اعمال بدش برندارد، خودش و یا

بچه هایش نتیجه اش را می بینند و این چرخه طبیعی دنیاست. افراط و تفریط در امور دنیا، توازن را به هم میزند. یکی از کاستی های زمین همین است که براحتی با افراط و تفریط آدمی، سیستمش به هم میخورد. گاهی مواقع خدا خودش دخالت میکند و آن را به حالت نرمال بر میگرداند؛ چون بالاخره باید زمین فعلا ادامه پیدا کند و نسلهای بعدی هم استفاده کنند. اگر قوم نوح و عاد و ثمود بوسیله عذاب خدا نابود نشده بودند، تابحال زمین از بین رفته بود.

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۴)
و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید کافریم (۳۴)

۱۱۷) شجره ممنوعه

در بهشت، خدا گناهی را به عنوان شجره ممنوعه معرفی کرد و اعلام فرمود که کسی که این گناه را مرتکب شود، به زمین دنیا تبعید خواهد شد. حالا در اینجا هم ، شجره ممنوعه ای را برای مردم تعیین کرده است. ما از گناهی که در بهشت انجام شده، بغیر از گفته های قرآن ، اطلاع دیگری نداریم. اما خدا خودش، شجره ممنوعه را روی زمین برای ما مشخص کرده است. آن شجره ممنوعه روی زمین ، شریک قرار دادن برای خداست.

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغۡفِرُ أَن يُشۡرَكَ بِهِۦ وَيَغۡفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُۚ وَمَن يُشۡرِكۡ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱفۡتَرَىٰٓ إِثۡمًا عَظِيمًا ۴۸
مسلماً خدا این را که به او شرك ورزیده شود نمی آمرزد، و غیر آن را برای هر کس که بخواهد می آمرزد و هر که به خدا شرك بیاورد، مسلماً گناه بزرگی را مرتکب شده است.

گناهی که قابل آمرزش نیست و این دقیقا همان شجره ممنوعه است و مرتکبین آن قطعا به جایگاه دیگری به اسم جهنم تبعید خواهند شد برای همیشه. خدای مهربان میفرماید که :

وَقُلْنَا يَـٰٓـَٔادَمُ ٱسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ ٱلْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَـٰذِهِ ٱلشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ ٱلظَّـٰلِمِينَ ٣٥
و گفتيم: ای آدم! تو و همسرت در اين بهشت سكونت گيريد و از هر جای آنكه خواستيد فراوان و گوارا بخوريد، و به اين درخت نزديك نشويد كه [اگر نزديك شويد] از ستمكاران خواهيد شد.

همانطور که مشاهده کردید، خدا میفرماید که به درخت ممنوعه نزدیک نشوید. حتی نزدیک شدن به آن را هم ممنوع کرده است. زیرا خدا میدانست که نزدیک شدن به درخت ممنوعه همانا و مرتکب شدن گناه اعظم همانا.
حیطه شرک آنقدر خطرناک است که باید دلیل قطعی برای نزدیک شدن به آن (نه ارتکاب آن) از قرآن داشته باشید؛ و الا ممنوع است. زیرا نزدیک شدن به شرک دقیقا به معنای ارتکاب آن است.

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى (٢٣)
[اين بتان] جز نامهايی بيش نيستند كه شما و پدرانتان نامگذاری كرده ايد [و] خدا بر [حقانيت] آنها هيچ دليلی نفرستاده است [آنان] جز گمان و آنچه را كه دلخواهشان است پيروی نمی كنند با آنكه قطعا از جانب پروردگارشان هدايت برايشان آمده است (٢٣)

۱۱۸) کنترل تبعید گاه دست خداست

خدا طرحهایش را در زمین با قدرت تمام به پیش می برده است و میبرد. زمانی جادوگران خواب فرعون را تعبیر میکنند که کسی متولد میشود که سلطنت تو را به خطر می اندازد. فرعون دستور میدهد که تمام فرزندان ذکور تازه متولد شده میان بنی اسرائیل در زمان خاصی نابود شوند. اما خدا به مادر موسی وحی میکند که فرزندت را به رود نیل بسپار. نوزاد از رود نیل که زیر تخت فرعون قرار دارد میگذرد، توجه زن فرعون به نوزاد جلب میشود و نوزاد را به فرزندی خویش می پذیرند. فرعون پیش خود فکر کرد که این نوزاد پیش خود من بزرگ میشود و غیر ممکن است که علیه خودم باشد. موسی بزرگ شد و تفکراتش از فرعونیان فاصله گرفت و در نهایت همان کسی شد که فرعون از او واهمه داشت. خدا موسی را بغل دست فرعون بزرگ کرد. ذلیل بودن دیکتاتورها از همین جا مشخص میشود.

یکی از خاصیتهای زمین این است که فرعون و هیچ کس دیگری نمیتواند تکتازی خویش را همیشه ادامه دهند؛ خدا چرتشان را پاره میکند. خدا با قدرت تمام حرف میزند. خدا به مادر موسی وحی کرد که نترس و غمگین نباش و نوزاد را در یک سبد روی آب بینداز؛ آن را به تو بر میگردانم. وقتی خدا میگوید که نوزاد را به تو بر میگردانم، یعنی بر میگرداند و هیچ مانعی سر راه نیست. خدا قدرت مطلق است و وضعیت تمام تبعید شده ها را می بیند. ترس و غم برای کسی که خدا به همراه اوست راه ندارد. اعتماد به خدای نادیدنی، ایمان میخواهد؛ ولی گاهی دلبستگیهای دنیوی شک ایجاد میکند. مخصوصا دلبستگی مادر فرزندی یعنی قویترین دلبستگیهای دنیوی؛ البته اگر خدا کمکش نکرده بود، مادر موسی همه چیز را لو میداد.

۱۱۹) قناعت نکردن یعنی تن به ذلت دادن

زمانی بنی اسرائیل به موسی گفتند که ای موسی ما در این بیابان از غذای تکراری خسته شده ایم. به خدا بگو که غذاهای دیگر مثل سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما مهیا کند. خدا در جواب گفت که ای مردم آنچه که شما میخواهید، در شهر است و در اینجا نیست. شما توجه نمی کنید که برای چی اینجا هستید، شما در این مکان خلوت و غیر شهری مشغول تزکیه نفس خویش هستید. در ضمن شما در اینجا دارید از من و سلوی میخورید و این غذای آسمانی است و از چیزهایی که شما میخواهید خیلی بهتره. آیا بین خوب و بد، شما بد را انتخاب میکنید!؟ حالا که خودتان اینطوری میخواهید، وارد شهر شوید و از آنچه که میخواستید، پیدا میشود ولی به خواری و ذلت دچار خواهید شد. زیرا شما بدون تکمیل تزکیه نفس خود وارد محیط پر زرق و برق شهری میشوید و بنده و برده شهری ها میشوید.

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۶۱)

و چون گفتید ای موسی هرگز بر یك [نوع] خوراك تاب نیاوریم از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از [قبیل] سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز برای ما برویاند [موسی] گفت آیا به جای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید پس به شهر فرود آیید که آنچه را خواسته اید برای شما [در آنجا مهیا]ست و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد و به خشم خدا گرفتار آمدند چرا که آنان به نشانه

های خدا کفر ورزیده بودند و پیامبران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد درگذرانیده بودند (۶۱)

بنی اسرائیل بدون تزکیه نفس وارد شهر شدند و تحت تاثیر زرق و برق شهریها قرار گرفتند و از راه به در شدند و به همین خاطر دچار خواری و خفت شدند. ذلیل شدن بنی اسرائیل بسیار طبیعی بود زیرا آدمی اگر نفس خویش را تزکیه نکرده است؛ بهتر است که وارد هر محیطی نشود تا تحت تاثیر زرق و برق آنجا قرار نگیرد و اذیت نشود. آدم بهتر است قناعت کند ولی عزت نفس خود را حفظ کند. ما تبعید شده ها در زمین بهتر است که به آنچه که خدا به ما داده است قناعت کنیم و به قیمت از دست دادن نفس خویش، تنوع طلب نباشیم. تنوع بد نیست ولی نه به هر قیمتی! اگر در محیطهایی تزکیه نفس خویش را از دست میدهیم، واردش نشویم تا زمانی که آمادگی روانی را پیدا کنیم.

۱۲۰) پوشش بنی آدم

آدم و حوا در بهشت که بودند، با انجام گناه بزرگ، پوشش خود را از دست دادند و بلافاصله شروع کردند به پوشاندن خود بوسیله برگهای بهشت.

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ (۲۲)

پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید پس چون آن دو از [میوه] آن درخت [ممنوع] چشیدند برهنگی هایشان بر آنان آشکار شد و به چسبانیدن برگ[های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد مگر

شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است (۲۲)

بعداً در کره زمین، بشر مجبور شد بوسیله لباس از خود محافظت کند. لباس آدمی را از نور خورشید و آسیبهای دیگر محافظت میکند. مهمتر از لباس فیزیکی، لباس تقواست که آدمی باید به تن کند و گرنه پوششهای فیزیکی بدون تقوا بیفایده است.

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶)
ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورتهای شما را پوشیده می دارد و [برای شما] زینتی است و[لی] بهترین جامه [لباس] تقوا است این از نشانه های [قدرت] خداست باشد که متذکر شوند (۲۶)

شیطان ما را از بهشت بیرون راند و لباس را از تنمان برکند تا عورتهایمان و عیبهایمان را بر خودمان نمایان کند. به همین خاطر ما مجبوریم که در دنیای فانی، بوسیله لباس و سایر پوششها خودمان را از خطراتی که در زمین هست حفظ کنیم. حتی زن و مرد میتوانند همدیگر را در زندگی در مقابل خطرات و عیوب و کاستی ها بپوشانند (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ). از یک طرف بنابه پیشنهاد شیطان، زن و مرد میتوانند لباس هم نباشند و آبروی همدیگر را بریزند و مشکلات زیادی در زندگی برای هم فراهم کنند. اما یک پوشش دیگر هست که آدمی خودش برای خودش تهیه میکند و آن هم پوشش و لباس تقواست. خیلی از خطرها در دنیا، فقط بوسیله لباس تقوا دفع میشوند(لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ

خَيْرٌ) . خیلی ها در زمین بخاطر پوشش عیوب خیالی و توهمات خویش گاها دست به کارهای نادرست میزنند؛ مثلا بدون هیچ دلیل پزشکی اعضاء بدن خویش را جراحی و دستکاری میکنند و یا سعی دارند با لباسهای گران قیمت و انواع مدها و اتومبیلهای گران قیمت، عیوب خویش را بپوشانند.

در جهنم، تبعیدگاه آخری، تنها پوشش، پوست است که خود به یکی از بزرگترین اسباب زجر تبدیل میشود. خیلی جالب است که در دنیای فانی، آفتاب اذیتمان میکند اما در جهنم شدت اذیت آفتاب (آفتابها) آنقدر زیاد است که پوستها کامل میسوزد و بدن بشر جهنمی طوری طراحی شده که پوست دوباره سبز میشود و روز بعد دوباره زجر تکرار میشود. در بهشت، با انجام گناه، لباس از بین رفت، در جهنم پوستها از بین میرود و درصد خطر بطرز وحشتناکی بالا میرود. اینها نکاتی است که باید بشر روی آن تفکر نماید.

(۱۲۱)   قوم هود

زمانی که هود ، قوم عاد را نصیحت کرد که دست از گرانفروشی و کم فروشی بردارند، کسی به حرفش گوش نداد و او را مسخره میکردند. خدا در راستای این ناسپاسی، خشکسالی بر آنها نازل کرد و مردم از دست خشکسالی به ستوه آمده بودند ولی به گناه خویش اقرار نمیکردند. در نهایت عذاب خدا ظاهر شد؛ بعد از مدتها خشکسالی، ابرهای سیاه ظاهر شدند؛ مردم به هم مژده میدادند که ابر سیاه نشانه بارش فراوان است! به شادی و پایکوبی می پرداختند. هود به آنها گوشزد کرد که این ابر نشانه باران نیست ، بلکه نشانه عذاب است. هنوز فرصت دارید که به طرف خدا برگردید. اما مردم باز هم او را مسخره کردند.

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ (١٣٧)این جز شیوه پیشینیان نیست (١٣٧)
وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (١٣٨)و ما عذاب نخواهیم شد (١٣٨)

عذاب خدا نازل شد و همه نابود شدند بجز مومنین. بشر تبعیدی نشانه های زمین را درک نمیکند. حیوانات دیگر، زمین لرزه را براحتی درک میکنند و قبل از آن به جنب و جوش می افتند ولی بشر عین خیالش نیست. بشر از آنجا که در توهمات خودباوری بسر می برد، فرق بین عذاب و برکت را نمی داند. بیشتر مردم در حین زمین لرزه در خواب بسر می برند. بیشتر مردم نشانه های عذاب را نمی بینند.

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (٦٥)
و به سوی عاد برادرشان هود را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست پس آیا پرهیزگاری نمی کنید (٦٥)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (٦٦)
سران قومش که کافر بودند گفتند در حقیقت ما تو را در [نوعی] سفاهت می بینیم و جدا تو را از دروغگویان می پنداریم (٦٦)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٦٧)
گفت ای قوم من در من سفاهتی نیست ولی من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم (٦٧)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (٦٨)
پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیر خواهی امینم (٦٨)

أَوَعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۶۹)
آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد و به خاطر آورید زمانی را که [خداوند] شما را پس از قوم نوح جانشینان [آنان] قرار داد و در خلقت بر قوت شما افزود پس نعمتهای خدا را به یاد آورید باشد که رستگار شوید (۶۹)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷۰)
گفتند آیا به سوی ما آمده ای که تنها خدا را بپرستیم و آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم اگر راست می گویی آنچه را به ما وعده می دهی برای ما بیاور (۷۰)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۷۱)
گفت راستی که عذاب و خشمی [سخت] از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است آیا در باره نامهایی که خود و پدرانتان [برای بتها] نامگذاری کرده اید و خدا بر [حقانیت] آنها برهانی فرو نفرستاده با من مجادله می کنید پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم (۷۱)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۷۲)
پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رهانیدیم و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه کن کردیم (۷۲)

۱۲۲) انسان اطلاعات غیر مفید زیادی می آموزد

بسیاری از پرنده‌های مهاجر، هنگام زمستان که غذا کمیاب می‌شود مهاجرت می‌کنند. آنها هزاران کیلومتر از محل زندگی خود دور می‌شوند، اما وقتی هوا گرم شود دوباره باز می‌گردند. کاری که برای انسان‌ها بدون نقشه غیرممکن

است. فیلها بوسیله گوشهای خیلی بزرگشان می‌توانند نزدیک شدن طوفان را از فاصله ۲۴۰ کیلومتری تشخیص دهند. سوسکهای سرگین جمع کن یک حافظه داخلی از موقعیت ماه، خورشید و ستارگان ایجاد می‌کنند و می‌توانند از این تصویر ذخیره شده برای سفر به جایی که می‌خواهند بروند استفاده کنند و موقع برگشت از همان نقشه در حافظه خود استفاده میکنند. آنها توجهی به آنچه در زمین است ندارند و از آسمان برای مکانیابی استفاده میکنند. آنها از آنجا که روی زمین چرخان چرخان و غلطان غلطان ، خود و غذای خویش را حرکت میدهند، مسیریابی فضایی را مناسب خود میدانند. و صدها هزار مورد از این توانایی ها را میتوان نام برد. خدای مهربان حکیم جهت زندگی بومیان زمین، هر آنچه که برای آنها لازم است (و نه اضافی) در وجود آنها نهاده است. یک پرنده بدون قطبنما و جی پی اس ماهواره ای ، مسافت بین کشورها را براحتی رفت و برگشت میکند؛ این خاصیت را در وجود یک جاندار دیگر قرار نداده است، زیرا لازم نبوده است. یک کلاغ بوسیله هوشش غذایش را بدست می آورد. شاید یکی از باهوش ترین جانداران روی زمین، کلاغ باشد که از بسیاری از انسانها باهوشتر است. اما انسان بعنوان موجود تبعید شده ، خواص بهینه شده را ندارد و هر چیزی را باید بوسیله توانایی علمیش حل و فصل کند و برای یافتن راه و روش زندگی در زحمت است. هرچند اگر بتواند از تواناییش در راستای درست و خیر استفاده کند، مورد رحمت و مغفرت خدا قرار می گیرد و دوباره به بهشت بر میگردد. ما در زمین هوشمندتریم ولی لزوما خوشبختر نیستیم. هر چی سخت بگیرید در امورات زندگی، سخت تر میگذرد.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (۳۸)
و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه هایی مانند شما هستند ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید (۳۸)

خدا نشانه هایش را در زمین و آسمان و خودمان و آفاق و انفس به ما می نمایاند، تا که ما بوجود او ایمان آوریم.

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۵۳)
به زودی نشانه های خود را در افقها[ی گوناگون] و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است (۵۳)

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ (۵۴)
آری آنان در لقای پروردگارشان تردید دارند آگاه باش که مسلما او به هر چیزی احاطه دارد (۵۴)

ما باید روی نشانه هایی که در اطراف خویش می بینیم ، فکر کنیم و نسبت به وجود خدا اطمینان پیدا کنیم و به وجود آن قادر مطلق ایمان آوریم، تا وقتیکه به یقین برسیم و آنگاه خدا ما را به لانه اصلی خویش یعنی بهشت بر میگرداند.

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹)
و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد (۹۹)

۱۲۳) توانایی علمی بشر ، لطف خداست

اگر پیشرفتی در علم و تمدن بشر ایجاد شده است، به لطف پروردگار بوده است. خدای رحمان همیشه در مورد تبعید شده ها روی زمین، لطف زیادی داشته است و انسان عقب افتاده را به زور به جلو برده است. حتی بزرگترین کشفیات تاریخ بوسیله بزرگترین دانشمندان سرشناس، خیلی از مواقع از یک خواب، رویا، الهام و ... شروع شده است. تا وقتی خدا خودش اجازه ندهد، و لطف نکند، بشر در تاریکی مطلق است. خیلی دیگر از کشفیات، نتیجه کار گروهی انسانهاست در اقصا نقاط جهان. گاها یک چیز ساده در دو تمدن مختلف دور از هم شبیه هم اختراع شده اند. اگر خدا خودش الهام نمیکرد، نوح نمیتوانست کشتی بسازد و مردم را از طوفان نجات دهد. آمدن طوفان و عذاب برای بقای زمین آنقدر قطعی و مهم است که نوح دهها سال مشغول درست کردن کشتی شد. خدا میتوانست با کن فیکون آن اقوام را نابود و قوم دیگری جایگزین کند، ولی خدا اینطوری نمیخواهد؛ بلکه آن حکیم قادر توانا میخواهد که تبعید شده ها و نسلهای بعدی را تربیت کند و نفس آنان را آماده برگشت به بهشت کند؛ اگر نفسها آماده نشوند، سرنوشت قطعی بشر جهنم است. در جهنم ، الهام و کمکی از طرف خدا وجود ندارد و به همین خاطر کسی نمیتواند چیزی اختراع کند و در اوج عقب ماندگی بسر میبرند.

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷)
گفتند ما به تو و به هر کس که همراه توست شگون بد زدیم گفت سرنوشت خوب و بدتان پیش خداست بلکه شما مردمی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته اید (۴۷)

۱۲۴) بومیان زمین بدن و وتوانایی های خویش را می شناسند

بومیان زمین برخلاف انسانها، بدن خود و توانایی های خویش را می شناسند. آیه ای از قرآن نقل قول یک مورچه را بیان میدارد. مورچه ای به زبان خویش گفت که ای مورچه ها به خانه های خویش بروید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندانسته شما را خرد و پایمال کنند. مورچه در این جا ، لغت یحطمنکم را بکار می برد. لغت یحطمنکم در عربی به معنای شکسته شدن و خرد شدن بکار می رود. جاندارانی مثل مورچه مانند انسان ، استخوان ندارند تا بدنشان فرم خود را حفظ کند. بلکه بدن آنان توسط پوسته ای سفت و شکننده تشکیل شده است ؛ که اگر اینطور نبود، دیگر قادر به راه رفتن روی پاهای خویش نبودند. مورچه برای این پوسته شکننده ، لفظ خرد شدن را بکار می برد.

حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)

تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند مورچه ای [به زبان خویش] گفت ای مورچگان به خانه هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را خرد و پایمال کنند (۱۸)

این نکته یکی از میلیونها نکته جالب قرآن است که ثابت میکند که قرآن کلام راستین و صادق خداست. خدا براستی و بدرستی داستان یک مورچه را بیان میدارد و از لابلای کلمات، نکته های شگرفی نمایان میشود. داستانهای قرآن ، کلمه به

کلمه واقعیتها را بیان میدارند و مثل کتابهای حدیث و اساطیر نیست که براساس حدث و گمان نوشته شده اند.

در این آیه چند نکته مشخص میشود. یکی اینکه مورچه ها در مقابل خطرات پیش رو، برای محافظت خود اقدام میکنند و دوم اینکه آنان سلیمان را با نام میشناسند و میدانند که بشر اصالتا زمینی نیست و آنان میدانند که بشر در زمین نسبت به جانداران بومی زمین خواسته یا ناخواسته بی توجهی میکند؛ سوم اینکه بدن آنان از ماده ای شکننده تشکیل شده است. ۱۴۰۰ سال پیش هنوز علم آنقدر پیشرفت نکرده بود که این نکات مشخص شود. قرآن کلام راستین و بی شبهه خدای عالمیان است. مورچه ها با روش خویش با هم حرف میزنند. یکی از بزرگترین صداهای روی زمین، صدای مورچه است که آنقدر بلند است که در آستانه شنوایی انسان قرار ندارد. که اگر صداهای مورچه ها در آستانه شنوایی ما قرار داشت، بعلت آلودگی صوتی زیاد، کسی نمیتوانست روی زمین زندگی کند. خدا در روی زمین ، هیچ خصوصیاتی از جانداری را مزاحم جاندار دیگر قرار نداده است.

بومیان زمین توانایی های بدن و محیط خویش را میشناسند. یک مورچه میداند که بدنش شکننده است و از خطرات مربوط به آن پرهیز میکند. اما یک انسان مغرور بدون توجه به توانایی های خویش ، خود را سرور دیگران میداند و دیگران را به بردگی میکشد. بیشتر بردگان هم توانایی های خویش را نمی دانند و به همین خاطر همچنان برده می مانند.

۱۲۵) منافقین و کافرین با دلخواه خویش وارد جهنم میشوند

شاید تعجب کنید از این گفته؛ که جهنمیان، آتش را به دلخواه خویش انتخاب میکنند. بهتر است که در این مورد کلام خدا را بخوانیم.

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

آن روز که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است [به آنان گویند] امروز شما را مژده باد به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آنها جاودانید این است همان کامیابی بزرگ (۱۲)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳)

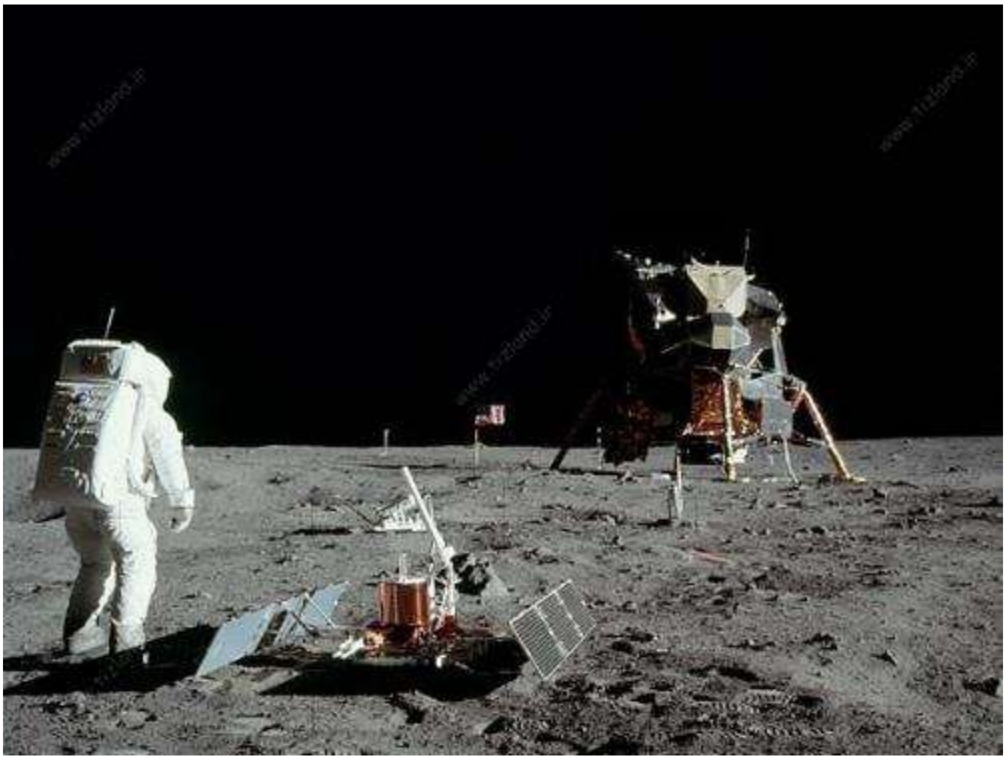
آن روز مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم گفته می شود بازپس برگردید و نوری درخواست کنید آنگاه میان آنها دیواری زده می شود که آن را دروازه ای است باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد (۱۳)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۱۴)

[دو رویان] آنان را ندا درمی دهند آیا ما با شما نبودیم می گویند چرا ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما را غره کرد تا فرمان خدا آمد و [شیطان] مغرورکننده شما را در باره خدا بفریفت (۱۴)

خدا در آیات بالایی می فرماید که مومنین در روز قیامت دارای نور هستند ولی منافقین و کافران نوری ندارند و در ظلمات و تاریکی بسر می برند. نور مومنان در جلو و کنار آنان حرکت میکند و به همین خاطر مومنان براحتی مسیر را طی میکنند.

اما منافقین در تاریکی و ظلمات مطلق بسر می برند و نمیتوانند حرکتی از خود انجام دهند زیرا دور و بر خویش را نمی بینند و در تاریکی مطلق بسر میبرند. اینکه کافران نور ندارند، به این معناست که آنان در صحنه قیامت در ظلمات بسر میبرند و این ظلمات و تاریکی خطر بزرگی برای آنها محسوب میشود. زیرا در آنروز حوادث وحشتناکی در زمین و آسمان رخ میدهد و صاعقه و ظلمات و تاریکی مطلق و بارش شهاب سنگ و ... تمام آسمان را در بر میگیرد. هر چند هم اکنون به گفته ستاره شناسان، تاریکی ، رنگ غالب کهکشانهاست. رنگهایی که ما در زمین میبینیم، نتیجه تابش نور است. اما در فضا اصلا چنین چیزی وجود ندارد و تاریکی مطلق حکمفرماست. عکسهایی که از سطح ماه گرفته شده ، نشان میدهد که حتی سایه اشیاء در ماه، تماما تیره است. از آنجا تمام آسمان هم تیره و تار است. ستاره ها آنطوری که در زمین دیده میشوند؛ در فضا قابل مشاهده نیستند.



در روز قیامت، بطور پیش فرض تمام کهکشانها تیره و در ظلمات کامل بسر میبرند. مومنان از آنجا که در این جهان، اعمال صالح انجام داده اند ، نور برای خود فراهم کرده اند و بنابراین آنان در این تاریکی مطلق بوسیله آن نور ره می پیمایند تا به مسیر مشخصی برسند و از آنجا وارد محیط دیگری شوند. اما کافرین نوری ندارند و در تاریکی مطلق نمی دانند چکار کنند و سر در گم می مانند. تاریکی مطلق برای آنان دلهره آور است. نهایتا خدا میفرماید که : فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳) آنگاه میان مومنان و کافرین دیواری و یا محافظی زده می شود که آن را دروازه ای است باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد. شاید این محوطه ، مثل یک کرمچاله است که مومنان وارد آن شده و از خطرات قیامت برپا شده در امانند. مومنان با استفاده از نور خود وارد آن محوطه میشوند . اما کافران در تاریکی مطلق نمیتوانند وارد این محیط حفاظدار شوند و در نتیجه جا میمانند، یعنی بدون نور نمیتوان وارد این محوطه شد. محیط حفاظ دار مومنان را از خطرات تاریکی مطلق و صاعقه و بارش شهاب و ... حفظ میکند و آنان را به بهشت و یا بعد دیگر منتقل میکند. اما کافران در بیرون از حفاظ میمانند و خدا کافران را در تاریکی مطلق رها میکندو مومنان را از آنجا نجات میدهد. بعد از کوچ مومنان به بهشت، کافران در تاریکی مطلق تنها میمانند. بعد از نجات مومنان؛ کافران در تاریکی مطلق ، بدنبال روشنایی میگردند. آنها یک آتشی می بینند و آنها از آنجا که هیچ نوری ندارند، جذب آتش میشوند و به طرف آن میروند. این آتش همان آتش جهنم است. خیلی جالب است که کافرین و منافقین ، آتش (النار) را بجای نور انتخاب میکنند. زیرا آنها نور ندارند و بخاطر نجات از تاریکی مطلق و خطرات و ترس از آن، ناچارا آتش را انتخاب میکنند و به

سمت آن میروند. به همین خاطر خدا میفرماید که در آن روز آتش جهنم برای آنان پناهگاه و یاور است (مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ**). آنان به دلخواه خویش آتش را بر میگزینند. تاریکی مطلق فضا که هر لحظه صاعقه می آید و هرلحظه شهاب سنگ می آید و خطرات بسیار زیاد دیگر ؛ آنان را به انتخاب آتش جهنم راهنمایی میکند.**

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (١٥)

پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده اند عوضی پذیرفته نمی شود جایگاهتان آتش است و آتش مولای شماست و چه بد مسیری است (١٥)

آنان نار را بجای نور در این جهان برای آخرت خود انتخاب کرده بوده اند. این دقیقا نتیجه اعمال خودشان است. زیرا بجای تواضع، تکبر؛ بجای صبر، خشم؛ بجای صلح، جنگ؛ بجای صحبت آرام، توهین؛ بجای دوستی، دشمنی؛ بجای مهربانی، کینه؛ بجای نور، النار و ... را رویه زندگی خویش کرده بودند. به همین خاطر در جهان آخرت نوری ندارند و مجبورند آتش را انتخاب کنند. تنها آتش موجود در آن قسمت از کیهان، آتش جهنم است. بعدا جهنمیان قصد خروج از آتش جهنم را دارند، اما هر بار که از شدت غم و غصه میخواهند از آتش خارج شوند، تاریکی مطلق و خطرات مربوط به آن ، آنان را دوباره بر میگرداند به داخل جهنم.

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (١٦)

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دلهایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دلهایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند (۱۶)

جهنمیان در آن روز بسرکردگی بزرگان خویش که در این جهان از آنان پیروی کرده اند، جذب آتش میشوند.

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (۹۸)
روز قیامت پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش درمی آورد و [دوزخ] چه ورودگاه بدی برای واردان است (۹۸)

فرعون و سایر سرکردگان در طول تاریخ که مردم زیر دست خویش را گمراه کرده بوده اند، در تاریکی مطلق، پیروان خویش را به سمت آتش دوزخ راهنمایی میکنند. اما وقتی مردم به آتش دوزخ میرسند و میبینند که واقعا چه بد جایگاهی است؛ در این شرایط جهنمیان، شیطان و رهبران و کسانی که از آنها پیروی کرده اند را بخاطر گمراه کردن آنان، مورد مواخذه قرار میدهند و آنان را لعنت میکنند. اما شیاطین و کبراء جوابی ندارند و تقصیر را به گردن خود تقلید کنندگان می اندازند. شیاطین و کبراء بخاطر روبرو نشدن با گمراهان، به قسمتهای سخت جهنم میروند و در آنجا عذاب بیشتری را می بینند. زیرا در جهنم، هر لعنتی که برای شیاطین انس و جن فرستاده میشود، در دل آنان میماند و تاثیر میگذارد و برخلاف حافظه مردم در این دنیا، حافظه جهنمیان، چیزی را فراموش نمی کند و حرفها و لعنتها بر عذاب آنان می افزاید و لعنتها برای همیشه در وجود آنان میماند. به همین

خاطر شیطان وسایر کبراء به قسمتهایی از جهنم میروند که بسیار وحشتناکتر است تا که با گمراه شدگان روبرو نشوند.

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)

و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می گوید در حقیقت خدا به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریك می دانستید کافرم آری ستمکاران عذابی پردرد خواهند داشت (۲۲)

۱۲۶) بشر صادقانه دنبال حل مشکلات خویش در زمین نیست

بشر در زمین صادقانه دنبال حل مشکلات خویش نیست، بلکه او بیشتر دنبال این است که مشکلاتش را بازگو کند و یا بشنود. مثلا اگرکسی نصیحتش کند، بدش میاید؛ ولی اگر فرد دیگری مشکلش را بازگو کند و او را مظلوم خطاب کند، خوشش میاید!

یک آهنگ یا سخنرانی گوش میکند تا که مشکلاتش را بشنود ولی قرآن که راه حل مشکلاتش را میگوید، گوش نمیکند. وقتی به مشکل برمیخورد، سعی میکند که آهنگی گوش کند که شکست خوردن در آن باشد و فکر میکند که با مظلوم نمایی و در حس فرو رفتن، مشکلش حل میشود. این روش برخورد با مشکلات،

پیشنهاد شیطان است به فریب خورده ها و اکثر مردم متاسفانه از این روشها پیروی میکنند. شیطان حس نا امیدی، مظلوم نمایی، کفران نعمت و ... را به قربانیان خویش الهام میکند.

۱۲۷) تنوع غذاها

بشر تبعیدی آنچنان در تهیه غذای خویش در زمین سر در گم است که هر قومیت و ملیتی ، غذاهای مختلفی برای خود اختراع کرده است. میلیونها سال است که حیوانات بومی زمین غذاهای یکسانی دارند و غذایشان در زمین آماده ست، ولی انسان بسته به اقوام مختلف، انواع ترشیجات، شوریجات، سوشیجات، ماکارونی ،پنیر ، ماست و ... را اختراع کرده است. گاها بچه های نسل جدید غذاهای نسل قدیم را اصلا نمیتوانند بخورند و تمایلی به آن ندارند. غذاهای هندی کاملا با غذاهای ایرانی متفاوت است و انگار از دو کره مختلف آمده اند. در بین بعضی اقوام، مردها چیز زیادی از آشپزی نمی دانند و بدون زنها مجبورند روال متفاوت و جدیدی از تغذیه را ادامه دهند. این همه تنوع و اختلاف نشان از غیر بومی بودن انسان در زمین دارد. اما در بهشت هر آنچه که بخواهی ، آماده ست. برخلاف جهنم، که هر آنچه که بخواهی، نیست.

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ (۵۴)

و میان آنان و میان آنچه [به آرزو] می خواستند حایلی قرار می گیرد همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین رفت زیرا آنها [نیز] در دودلی سختی بودند (۵۴)

ثروتمندان غذاهای خاصی برای خود تهیه می کنند و غیر از آن را نمی خورند و تمایلی نسبت به آن ندارند. فقرا غذاهای ارزانتری می خورند و بسیاری از مردم نسبت به این نوع غذاهای ساده که فقرا استفاده میکنند، تمایلی ندارند.

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳۴)و به غذای مسکین تمایل نشان نمیدهد (۳۴)

بشر به هم نوع خویش رحم نمیکند. در تغذیه بسیار اسراف میکند ؛ این نوع رفتار نشان از آن دارد که بشر همچنان میخواهد به تکبر خود ادامه دهد. ما به خاطر همین تکبر از بهشت اخراج شدیم؛ آدمی شایسته است که از تغذیه خویش کم کند و اسراف نکند و به همان مقدار ، مساکین را اطعام کند. واقعا حیف است که بخاطر شکم ، خودمان را برای همیشه به جهنم بیندازیم.

۱۲۸) بنا به اقرار شیطان، میتوان از دست وسوسه های او خود را نجات داد

آیه قرآن میفرماید که شیطان در جهنم برای قربانیان سخنرانی میکند و میگوید: من بر شما تسلّطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید! این گفته شیطان چندین نکته مهم را در پی دارد که شیطان عملا قدرتی بر آدمیان ندارد و کار او فقط وسوسه و دعوت است. این آدمی است که خودش وسوسه های شیطان را با انتخاب و دلخواه خویش می پذیرد. البته اگر کسی وسوسه های شیطان را پذیرفت، افسار نفسش دست شیطان می افتد و از آنجا به بعد براحتی توسط

شیاطین کنترل میشود. در اینجا نتیجه میگیریم که میتوان از شر شیطان نجات یافت، به شرطی که خودمان بخواهیم. اگر خودمان نیتمان را جزم کنیم و تصمیم نهایی را بگیریم، براحتی میتوان شیطان را کنار زد و خداپرست شد.

۱۲۹) کلام خدا

ما باید در روش و روند زندگی خویش تغییر و تحولات زیادی ایجاد کنیم، تا بتوانیم موفق شویم و از دست غرورهای حاصل از دنیای موقت و فانی نجات یابیم. خدا متاع زندگی این دنیای پست را قلیل، فانی، زودگذر، مایه تفاخر و ... میشمارد. خدا زندگی ما در روی زمین را زندگی دنیا (زندگی پست) نامیده است. از این نظر پست است که هیچ چیز آن پایدار و همیشگی نیست. هیچ چیزی دراین دنیای پست، به آدمی لذت واقعی نمیدهد. حتی لذتهایی هم که هست، در نهایت رنج و درد به همراه دارد. مثلا از بچه داشتن لذت میبری ولی بعدا رفتارهایی از او میبینی که لذت آن از بین میرود و یا مال دنیا جمع میکنی و کلی تلاش میکنی، در نهایت یک متر کفن نصیبت میشود ... در این دنیای پست، هر لذتی ، رنج و درد به همراه دارد. به همین خاطر برای تسکین این دردها و آلامها، خدا به ما پیشنهاد داده است که کلامش را بشنویم و آن را با جان و دل عمل کنیم. باید جهان بینی خویش را طبق قرآن تنظیم کنیم. وقتی قرآن میخوانید، با این تصور بخوانید که کلمات آن از خداست و خدا دارد با ما حرف میزند. خدا با ما از طریق یک کتاب حرف میزند و این نشان میدهد که خدا چقدر رحمان و رحیم است. خدا بسیار رحمان و رحیم است و ما دراین دنیای پست به این مساله کاملا واقف نمیشویم. بعد از مردن متوجه

خواهیم شد که خدا چقدر نسبت به ما رحم داشته است. خیلی از ابعاد رحمانیت خدا بعدا مشخص خواهد شد. خطرات و درد و رنجهای زیادی در متاع دنیا هست . خدا ما را از این خطرات آگاه کرده است و نسبت به آن هشدار داده است. خدا صادقانه به ما میگوید که خوشیهای دنیا مثل یک شکوفه (زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) است که پایدار نیست و فقط چند صباحی است. خدا صادقانه به ما میگوید که به زمین نچسبید و آخرت را انتخاب کنید. کسی که از خدا بترسد و کلام خدا را بشنود، با جان و دل میپذیرد و چنین کسانی، وارد بهشت خواهند شد و از آتش جهنم محفوظ خواهند ماند.

۱۳۰) رحم خدا بی انتهاست

بشر تبعیدی ، اگر هنوز میتواند روی کره زمین نفس بکشد، بخاطر رحمانیت خداست. بشر نسبت به همنوع خود و سایر جانداران ظاهرا دلسوزی و ترحم دارد. اما رحمانیت خدا خیلی با ترحم بشر فرق دارد. ما خیلی مواقع در ترحم خویش اشتباه می کنیم و غلط در مورد وقایع پیش آمده قضاوت میکنیم. ابراهیم، بعد از سالها مجادله با پدرش ، رو به خدا کرده و میگوید: ای خدای بزرگ، پدرم را ببخش که او از گمراهان بود.

وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (۸۶)و بر پدرم ببخشای که او از گمراهان بود (۸۶)

ابراهیم فکر میکرد که پدرش از جمله گمراهان بود و نه غضب شدگان (إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ). ابراهیم سالها ، پیش پدرش زندگی میکرده است و پدرش برای او زحمات زیادی کشیده بود. واقعا سخت است که ببینی نزدیکانت وارد جهنم میشوند. در آن موقع رحم انسان به جوش میآید. برای ابراهیم باورش سخت بود که پدرش وارد جهنم شود. حتی جوری شده بود که با دلسوزی تمام پدرش را نصیحت میکرد. در حین نصیحت ، او را پدر جان خطاب میکرد.

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (۴۴)
پدر جان شیطان را مپرست که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵)
پدر جان من می ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی (۴۵)

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا (۴۶)
گفت ای ابراهیم آیا تو از خدایان من متنفری اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد و [برو] برای مدتی طولانی از من دور شو (۴۶)

اما پدر ابراهیم سرسخت تر از این حرفها بود. او آدم سنگدلی بود. کسی که برای رفتن به طرف خدای رحمان ، مقاومت نشان دهد، سنگدل است. این قانون خداست که سنگدلها وارد بهشت نمیشوند. افراد شقی ، حتی فرزند خود را هم برای بقای بتها میکشند. افراد شقی، جهت حفظ آبروی خویش، فرزندان خویش را هم

میکشند. مهمترین جمله قرآن بسم الله الرحمن الرحیم است . سه اسم الله، الرحمن ، الرحیم به معنای واقعی نشانگر خداست. مسیحیت منحرف متاسفانه این اسامی سه گانه را به "به نام پدر ، پسر، روح القدوس" تبدیل کرده است. اگر سوره مریم را مطالعه کنید، سرنوشت و گفته های واقعی پیروان مسیح را در آن میبینید. بیشترین کاربرد الرحمن در این سوره ذکر شده است. زکریا، یحیی، مریم، مسیح و ... خدا را الرحمن مینامند و خبری از پدر و پسر نیست.

ابراهیم آدم دلسوزی بود. هر انسان خوب دیگری هم در مورد پدر و مادر خویش اینچنین فکر میکند. ولی از آنجا که ما انسانها تبعید شده ایم، به تمام جوانب رحمانیت خدا آگاهی نداریم و تمام نقشه های خدا را درک نمیکنیم. اما باید بفهمیم که خدا در نظر دارد ما را طی طرحی در زندگی دنیوی، تزکیه دهد و شایسته ها را به بهشت برگرداند. پدر ابراهیم شایستگی رفتن به بهشت را نداشت. اگر او یکبار دیگر هم زنده شود و دوباره در این جهان زندگی بگذراند، دوباره آن کارها را بصورت بدتر مرتکب خواهد شد. خدا به بندگان ظلم نمیکند. آنها خود شایستگی بهشت را ندارند و خود نمیخواهند وارد بهشت شوند. آنان در روز قیامت به دلخواه خویش ، جهنم را ماوی و پناهگاه و مولای خویش قرار میدهند. طرح خدا آنچنان دقیق است که هیچکس اشتباهی وارد جهنم نخواهد شد.

۱۳۱) خدا احسن الخالقین است

موجود کوچکی مثل مورچه آنچنان شگفت انگیز آفریده شده است که هر انسان با تقوایی را به فکر وا خواهد داشت. هزاران مورچه در یک محوطه کوچک رفت و

آمد میکنند و از داخل خانه هایشان مدام به بیرون رفت و آمد میکنند ولی هیچوقت به ترافیک بر نمیخورند. آنها با شاخک هایشان وضعیت ترافیک را به همنوعان خویش اطلاع میدهند و به همین خاطر هیچوقت در داخل راهروهای باریک خانه هایشان ترافیک نخواهد شد. کسانی جهت آزمایش خواسته اند که با قراردادن خوراکی در سر راه آنان، ترافیک ایجاد کنند؛ ولی با کمال تعجب مورچه ها ترافیک را حل کردند و به کار خویش ادامه دادند. وقتی آنها دیدند که تعدادی از مورچه ها به سمت خوراکی رفتند، بقیه جهت جلوگیری از بروز ترافیک، به سمت خوراکی نرفتند و ترافیک را حل کردند. بشر تبعیدی بعد از سالها هنوز موفق نشده است که سطح نظم خود را به سطح نظم مورچه برساند. تازه با پیشرفت تکنولوژی، بشر توانست چراغ راهنمایی و قوانین ترافیک اختراع کند. توانایی هایی که جانداران بومی رویم زمین، بطور مادرزاد دارند، بشر باید با تکنولوژی کسب کند تا بتواند سطح زندگی خویش را ارتقا بخشد. اینها نشانه است که تا بشر به احسن الخالقین بودن خدا ایمان آورد. بشر باید با کنه وجود و نفس خویش چندین خاصیت خدا را روی زمین بشناسد و درک کند و گرنه وارد بهشت نخواهد شد.

اگر با میکروسکوب قوی مورچه را نگاه کنیم، جانوری بسیار هیکلی است که اگر بزرگ بود، برای انسان ترسناک می بودکه در آنصورت، خدا را باید شکر کنیم که مورچه جانور بزرگی نیست. هر چیزی در این دنیا را باید با دقت نگاه کرد و نشانه های خدا را در آن یافت. اگر تمام اقیانوسها جوهر شوند، برای نوشتن عظمت و توانایی های آفریدگار کافی نیستند. فرکانس صوتی مورچه بسیار بالاتر از آستانه شنوایی ماست که اگر صداهای آنها در آستانه شنوایی ما قرار میداشت، همگی کر می شدیم. ما باید بدانیم که خدا زمین را بستری برای توبه ما قرار داده است. اگر

سختی و مشقت در زمین هست، میتوانیم بوسیله این سختی و مشقت، نفس خویش را تزکیه دهیم و به سوی خدا برگردیم. دید ما نسبت به جهان، باید بر مبنای جهان بینی قرآنی باشد.

بشر هنوز متوجه نشده است که خدا در خلقت هر موجودی هدفی را دنبال میکند. خدا در نازل کردن سختی ها بر بشر هم اهداف خاصی دارد. اگر کم آبی، گرانی، ریزگردها، بیماری کرونا و ... بر مردم نازل میشود؛ بخاطر آن است که مردم به خود آیند و دست از گناه بردارند. که اگر متنبه نشوند، همانند اقوام نوح و هود و فرعون ، عذاب اصلی بر آنها نازل خواهد شد و برای همیشه بدبخت میشوند. وقتی کسی هنوز زنده است و نفس میکشد، یعنی هنوز فرصت توبه دارد. خدا ارحم الراحمین است. خدا این همه نشانه و سیستم در زمین آفریده است تا که بی حساب و کتاب کسی را وارد بهشت و یا جهنم نکند. بنابراین از این فرصت باید استفاده کرد و حساب خوبی برای خود فراهم آوریم.

۱۳۲) خالصانه فقط خدا را بخوانید

[۱۱:۶۱] والی ثمود اخاهم صلحا قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربي قریب مجیب

[۱۱:۶۱] به نزد ثمود برادرشان صالح را فرستادیم. او گفت: "اي قوم من، خدا را پرستش کنید؛ خداي دیگري جز او ندارید. او شما را از زمین آغاز کرد، سپس شما را در آن مستقر کرد. از او طلب بخشش نمایید، سپس به درگاه او توبه کنید. پروردگار من همیشه نزدیک است، پاسخ دهنده."

[۵۰:۱۶] ولقد خلقنا الانسن ونعلم ما توسوس به نفسه ونحن اقرب اليه من حبل الوريد

[۵۰:۱۶] ما انسان را آفریدیم، و ما می دانیم که با خود چه نجوا می کند. ما از رگ گردنش به او نزدیک تریم.

خدا ما را به زمین تبعید کرده است، نه بخاطر اینکه خدا دشمن ما باشد؛ بلکه او رحمان و رحیم است. خدای عالمیان همیشه نزدیک است و پاسخ دهنده. او از رگ گردن به ما نزدیک تر است. خدا ما را به زمین تبعید کرده است تا شرایطی پیدا کنیم که بخشیده شویم.

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾

مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که] البته جهنم را از جن و انس یکسره پر خواهم کرد (۱۱۹)

اگر ملتی ، رو به خدا نیاورند و خدا را خالصانه در دعاهای خویش نخوانند ، خدا آنان را به حال خود رها خواهد کرد و آنانرا دست حکومتهای بی مسئولیت خواهد سپرد و آن مردم گرفتار این حکومتها خواهند شد. این خواست و وعده خداست.

اما اگر ملتی رو به خدا کنند، خدای عالمیان آنان را نجات خواهد داد. خدا کنترل تمام حوادث و جریانات جهان را در مشت دارد و کافیست از مردم ، نشانه های برگشت ببیند؛ تا که آنان را نجات دهد.

۱۳۳) بزرگترین حادثه کائنات

شاید بزرگترین حادثه کائنات، عصیان و طغیان شیاطین علیه خدا و تبعید بشر به زمین بوده است. بشر به علت این حادثه، لباس و حفاظش را از دست داد. نور آفتاب و انواع آفتها او را اذیت میکند و مجبور است که خود را از آنها محافظت کند و بپوشاند. مهمترین حفاظ در زمین در مقابل شیاطین، لباس تقوی است. کسی که این نوع لباس را برای خود مهیا نکند و متقی نباشد، در معرض انواع گزندها قرار خواهد گرفت. به فرموده قرآن، زن و شوهر لباس همدیگر هستند. خیلی از آزمایشهای انسان در زمان ازدواج شکل میگیرد. خدا می خواهد ثابت کند که آیا ازواج لباس همدیگر هستند و آبروی همدیگر را حفظ میکنند و یا اینکه آبروی همدیگر را میبرند. زن و شوهر اگر در یک فاز نباشند، و هر دو متقی نباشند، متاسفانه حفاظ هم نخواهند بود و مشکلات زیادی برای همدیگر ایجاد میکنند. آدمی اگر در اعمال خویش تقوا داشته باشد، خیلی از عیبها و کاستی هایش پوشیده میماند. اگر تقوا نداشته باشید، تحت تاثیر به زمین چسبیده ها قرار خواهید گرفت و قاطی آنها خواهید شد و خود را در معرض خطرات شیاطین قرار میدهید. باید بدانید که شیاطین تصمیم نهایی خویش را گرفته اند و جهنم را انتخاب کرده اند. به همین دلیل به جد و مصمم، قصد دارند که تمام بشریت را وارد جهنم کنند. خود

را از آتش جهنم حفظ نمائید. آنجا مثل زمین، لباس و حفاظی نیست که بتوان از خود محافظت کرد. هر تیری در جهنم به هدف میخورد. هر لعنتی و هر حرفی بر افراد موثر است.

۱۳۴) حرامهای من در آوردی

تبعید شده ها به زمین، گرفتاریهای زیادی برای هم درست میکنند؛ آن هم به اسم دین. یک زمانی نامگذاری اسم ماریا ، ماری، مری و ... را ممنوع کرده بودند، اما یادشان رفته بود که یکی از زنان پیامبر محمد اسمش ماریه بود! یک زمانی گفتن و نوشتن به زبان مادری ممنوع بوده است؛ غافل از آن که خدا خودش مردم را به اقوام و نژادها و زبانهای مختلف تقسیم کرده است. یک زمانی مرتد (کسی که از دین اسلام!!! برگردد) را اعدام میکردند، بی توجه به آنکه خدا خودش دین را آزاد گذاشته است. یک زمانی برای روزه خواری جرم تعریف کرده بودند. در حالیکه خدا خودش میفرماید که روزه بر ایمان داران واجب است. کسی که هنوز در اسلام شک دارد، چرا باید روزه بگیرد؟ آیا ایمان از ظاهر افراد مشخص است؟

زمانهای دورتر، تراشیدن ریش حرام بوده است، دوش گرفتن حرام بوده است. زمانهای خیلی دورتر از آن خوردن قسمتهایی از گوشت انعام برای زنان حرام بوده است و فقط مردان میتوانستند آن را بخورند! و این قصه همچنان ادامه دارد و خواهد داشت.

ما در اصل در زمین در رنج و تبعید بسر میبریم. اما بشر تبعیدی ، با سوء استفاده از دین ، دیگران را به بند میکشد. تمام ماجرا از اینجا آغاز میشود که شیطان از این طریق، بشر را در تاریکی و جهالت نگه میدارد. شیطان خوب میداند که بشری که در این جهان در تاریکی و جهالت بسر برد، در آن جهان هم در تاریکی بسر خواهد برد. شیطان نمی خواهد تنهایی وارد جهنم شود.

تمام کسانی که خود را نماینده خدا و یا دین میدانند، کتابهای دیگری در کنار قرآن دارند و در واقع آنان بیشتر تابع آن کتابها هستند. جالب است که این کتابها به اسم بزرگان دین رقم خورده است. در حالیکه آنان از این موضوع بی خبرند. تمام این حقه ها در آن جهان مشخص خواهد شد و پیامبر از تمام مسلمانان شکایت خواهد کرد.

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰)
و پیامبر [خدا] گفت پروردگارا قوم من این قرآن را رها کردند (۳۰)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (۳۱)
و این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم و همین بس که پروردگارت راهبر و یاور توست (۳۱)

۱۳۵) مغفرت خدا

انسان بخاطر ناشکری و ناسپاسیش نسبت به خدا ، به این دنیای پست، تبعید شده است. بشر بعد از ناسپاسی و نافرمانی خدا، دیگر توانایی زندگی در بهشت را نداشت. فقط وقتی میتواند دوباره در بهشت زندگی کند که مورد غفران پروردگار قرار گیرد. بشر باید کاری کند که مورد مغفرت خدا قرار گیرد. این که بشر بدون مغفرت خدا نمیتواند در بهشت زندگی کند، بخاطر منع شدن نیست، بلکه بخاطر خاصیت جسمی و روحی بعد از ارتکاب گناه است. همانطور که بنی اسرائیل و موسی نتوانستند خدا را ببینند. زیرا بشر قبل از مغفرت الهی ، توانایی رفتن به بهشت و دیدن خدا را ندارد. کسانی که در جهنم بسر میبرند، به این موضوع آگاهی کامل دارند و به همین خاطر از نگهبانان جهنم درخواست میکنند که از خدا بخواهند، یک روز عذاب را از آنها بردارد. آنها میدانند که عملا خروج از جهنم و ورود به بهشت امکان پذیر نیست. به همین خاطر میگویند عذاب را یک روز بردار. آنها نمی گویند که ما را وارد بهشت کنید. ما در این دنیای پست، بعضی مسائل و جوانب قضیه را متوجه نمیشویم . اما بهشتیان خوب میفهمند که از چه خطری نجات یافته اند. و همچنین جهنمیان خیلی خوب میفهمند که در چه بدبختیی گیر افتاده اند.

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ (۱۳۳)

و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است بشتابید (۱۳۳)

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳۴)

همانان که در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد (۱۳۴)

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۳۵)

و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خود ستم روا دارند خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد و بر آنچه مرتکب شده اند با آنکه می دانند [که گناه است] پافشاری نمی کنند (۱۳۵)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۱۳۶)

آنان پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان و بوستانهایی است که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است جاودانه در آن بمانند و پاداش اهل عمل چه نیکوست (۱۳۶)

۱۳۶) تغذیه بهشت و جهنم

در بهشت ، همه بهشتیان بی حساب رزق و روزی میگیرند. در بهشت همه چیز رایگان است و در حد وفور یافت میشود. اما در زمین برای هر چیزی باید پول پرداخت کرد و گاهی بعضی چیزها آنقدر گران است که هر کسی نمیتواند بخرد. اما در جهنم نمیتوان با پول چیزی خرید. هیچکس نمیتواند برای کسی کاری کند. هر غذایی یافت میشود، اجباری است و گزینه های زیادی یافت نمیشود. درخت زقوم که در جحیم میروید، چنان تلخ و سمی است که سراسر درد و عذاب است. میوه این گیاه شبیه به کله شیاطین است و چیزی مثل قارچ سمی است. بدن جهنمیان به این گیاه سمی و تلخ عادت میکند و اگر نخورند عذاب بیشتری میکشند

و بدن آنان به آن معتاد میشود. اگر مصرف کنند، عذاب میکشند و اگر هم مصرف نکنند، باز هم عذاب میکشند.

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴۰)

هر كه بدى كند جز به مانند آن كيفر نمى يابد و هر كه كار شايسته كند چه مرد باشد يا زن در حالى كه ايمان داشته باشد در نتيجه آنان داخل بهشت مى شوند و در آنجا بى‌حساب روزى مى يابند (۴۰)

وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ (۴۱)

و اى قوم من چه شده است كه من شما را به نجات فرا مى خوانم و [شما] مرا به آتش فرا مى خوانيد (۴۱)

۱۳۷) یک آزمایش ساده

بشر میتواند میزان پاکی نفس خویش را بسادگی تحت آزمایش قرار دهد. اگر بشر به پاکی خویش اطمینان دارد، آرزوی مرگ کند. او باید ببیند که آیا واقعا دوست دارد بمیرد! ترس از مرگ به این علت است که هنوز آن فرد تکلیف واقعی خود را با خدا مشخص نکرده است. او نمیداند که بعد از مرگ چی به سرش میاید. هر کس که با خدا کامل انس گرفته باشد، از مرگ کمترین ترس را دارد؛ اما کسی که با خدا انس نگرفته و او را در دعاهای خویش نمی خواند، نمیداند که بعد از مرگ چی بر سرش میاید و به همین خاطر بیشترین ترس را دارد.

۱۳۸) چرا بشر خودزنی میکنه؟

بشر از آنجا که به زمین تبعید شده است، همه آیتمهای زمین به کام او نیست. گاهی بعضی افراد چنان در فاز منفی فرو میروند که خودزنی میکنند. دلیل اصلی خودزنی و مظلوم نمایی ، جن همنشین است. جن همنشین بر رفتار و کردار انسان موثر است. اگر روح خود را پرورش ندهید، جن همنشین بر شما مسلط میشود و انواع تاکتیکها را بر شما اجرا میکند. خیلی از افراد بزرگسال اقرار میکنند که بارها تحت تاثیر جن همنشین بوده اند. جن همنشین از همان بچگی افراد، آنان را به بعضی مسائل حساس میکند و وسواس را در آنها پرورش میدهد. وسواس مقدمه وسوسه است. مثلا فردی در دوران نوجوانی احساس میکرده است که باید! یک لیوان را از یک جایی به جای دیگری منتقل کند! او دلیل خاصی برای اینکار نداشته است، فقط حس میکند که اگر اینکار را نکند گناهکار است! این مورد جزو تاکتیکهای جن همنشین است و به تست فرمانپذیری مشهور است. جن همنشین که مدام با آدمیست، با حربه های حساسیت، وسواس و ... فرمانپذیری افراد را از همان اوائل نوجوانی تست میکند تا که بزرگ شوند و مورد استفاده قرار گیرند و فرمانهای واقعی به افراد دهند. بعدا در مواقع خشم و عصبانیت و کینه و ... فرمانهای قتل، دزدی، تهمت، تخریب و ... به فرد وسواس میشود. از آنجا که فرد به این فرمانپذیری عادت کرده است و وسواس را در خود پرورش داده است، بعدا که بزرگ شد، خیلی راحت گناهان را اجرا میکند. متاسفانه بشر امروزی فقط در فکر پرورش جسم خود است و به نفس و روان خویش توجهی نمیکند. یکی جسمش بزرگ میشود، ولی روانش هنوز رشد نکرده است و آمادگی لازم برای برخورد با وقایع همتراز سنش را ندارد. به همین خاطر بشر باید همانطور که جسمش را

بزرگ میکند، روانش را هم باید با معنویت رشد دهد. گاهی فرد روانش از جسمش عقبتر است و براساس تضادی که در نفس خویش بهش رسیده است، شروع میکند به انجام کارهای مضر. مثلا مشروب الکلی می نوشد و یا مواد مخدر مصرف میکند. گاهی کارهایی انجام میدهد که بسیار خطرناک است. این نوع کارها مضرند ولی بشر انجامش میدهد. زیرا بشر به هر حال آرامش میخواهد و میخواهد به طریقی با جن همنشین به توافق برسد و به همین خاطر خودزنی را انتخاب میکند و به این طریق به طور موقت و مجازی با جنش به توافق میرسد، زیرا وسواس جن او را اذیت میکند. او خودش را میزند و به بدن خویش آسیب میزند بخاطر راضی نگهداشتن جن قرینش. البته بدون توجه به این که این روال ادامه دار خواهد بود و جن به همین سادگی دست بردار نیست و تنها هدف شیاطین نابودی بشر از نظر جسمی ، روحی است. کسانی که مشروب الکلی و موارد مخدر مصرف کرده اند، اقرار میکنند که مزه آنها بسیار تلخ است و بسیار بدمزه اند. اما بشر مصرف میکند تا که روان خود را ترقی دهد! زیرا جن همنشین برای ترقی روان انسان، این روشها را پیشنهاد میدهد و فرد وسواسی و وسوسه شده، با انتخاب این روشها بطور موقت و حداکثر یک روزه، از دست جن همنشین رهایی می یابد. اما خدا واقعا میخواهد که بشر روان و نفس خویش را ترقی دهد. خدای مهربان به ما توصیه میکند که اعمال صالح انجام دهیم تا که نفس و روان خویش را بطور واقعی ترقی و رشد دهیم.

در جهنم غذایی است به اسم زقوم که بسیار تلخ مزه و زشت است. بدن جهنمیان در اولین مصرف به آن عادت میکند و مجبورند که هر بار مصرف کنند و بسیار هم مضر و بدمزه است. طوریکه هر بار که مصرف میکنند، بر درد و رنج آنان افزوده

میشود. گناهانی که در این جهان انجام میشود، مثل میوه این درخت است که اعتیاد آور است. تنها راه نجات در اجرای دستورات خدای حکیم است تا روح و جسم همزمان هر دو رشد یابند.

۱۳۹) علم بشر

علمی که هم اکنون بشر در این دنیای فانی در آن متبحر شده است، درمقابل علم عالم بالاتر، تقریبا هیچ است. چندین سال پیش، یک گروه تحقیقاتی با هلیوکوپتر در جنگلهای آمازون تحقیق میکردند؛ آنها به یک قبیله بومی بر میخورند. این قبیله بومی دقیقا مثل اقوام اولیه زندگی میکنند. افراد این قبیله در حین دیدن هلیوکوپتر ، به سمت هلیوکوپتر با تیرو کمان تیر پرتاب میکنند!



علم ما نسبت به عالم بالاتر مثل علم این قبیله آمازونی است نسبت به علم سازنده هلیوکوپتر. خیلی از حوادث روی زمین، شامل جزر و مد و سیل و سونامی و ... از ماه تاثیر میگیرند. یعنی فرشتگان مامور به ایجاد این امور و حوادث در زمین،

براحتی بوسیله حرکت دادن ماه یا تغییرات در مدار ماه، سونامی، جزر و مد و ... ایجاد میکنند. حتی میتوانند بادها را به حرکت در آورند و در قسمتهایی از زمین، سیل و یا زلزله ایجاد کنند و یا حتی طوری تنظیم کنند که قسمتهایی از زمین دچار خشکسالی شده و مردمان آن قسمت تحت آزمایش قرار گیرند. ما همیشه یک روی ماه را می بینیم؛ روی دیگر ماه هیچوقت رو به زمین نیست. دانشمندان، میگویند که اگر روزی آن روی دیگر ماه رو به زمین باشد، تغییرات آب و هوایی شدیدی در زمین رخ خواهد داد. سیستمی که خدا طراحی نموده است، از نظر ما علمی است و کاملا پیشرفته و پیچیده؛ اما برای خدا فقط یک کن فیکون است. ایجاد یک سیستم بسیار پیچیده و علمی برای خدا فقط وابسته به یک امر است، اما بشر برای ساختن یک هلیوکوپتر سالهاست که تلاش میکند و تلاش نسلهای بشر را در خود دارد. تکنولوژی یک بشقاب پرنده بسیار پیچیده تر از تکنولوژی یک هواپیماست. زیرا بشقاب پرنده مربوط به تکنولوژی عالم بالاتر است. خدا امور زمین را دقیق زیر نظر دارد. آن قادر مطلق تمام این سیستمهای پیچیده را آفریده است تا که ما بشر به سوی او برگردیم و به همه ما رحم کند. تمام این ساختارهای پیچیده جهان، بخاطر رحمانیت خداست. خدا نمی خواهد به کسی ظلم شود. خدا میدانست که در میان بشر گناهکار، تعدادی هنوز شایستگی بهشت را دارند و به سوی او برمیگردند. ما در آزمایش سختی بسر می بریم ولی در عین حال واضح. زبانی که خدا با ما حرف زده است بسیار ساده است. بشر اولیه هم میفهمد، ما هم میفهمیم. وقتی خدا میفرماید که احدی بجز من را عبادت نکنید؛ یعنی اینکه احدی به جز او شایسته عبادت نیست. تنها راه نجات بشریت عبادت فقط خداست.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)
و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ (۵۷)
از آنان هیچ روزیی نمی خواهم و نمی خواهم که مرا خوراك دهند (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۸)
خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است (۵۸)

بشر متکبر که کبر و بزرگ بینی خویش را از شیطان گرفته است، به حیله ها و روشهای مختلف ، از عبادت مستقیم فقط خدا سرباز میزند. ولی بالاخره تنها متضرر این ماجرا هم خود اوست و نتیجه اش را هم بزودی می بینند.

۱۴۰) کره ماه

جاذبه ی ماه همانطور که باعث جزر و مد میشود، باعث جابجایی قطعات پوسته زمین هم میشود. اگر ماه به زمین نزدیکتر بشود، باعث فعال شدن اکثر آتشفشانها و گسلهای زلزله خواهد شد و سونامی و جزر و مد خشکی ها را زیر آب خواهد برد. گرانش ماه باعث به‌وجود آمدن جزر و مد آب‌های کره زمین می‌شود و گرانش کره ماه باعث با ثبات ماندن محور گردش زمین به دور خود می‌شود که در صورت عدم وجود ماه، انحراف محوری زمین مرتبا تغییر می‌کرد و این امر باعث آشفته شدن آب و هوا و فصل‌ها در زمین می‌شد. ماه به عنوان یک سپر

دفاعی همواره از زمین در مقابل شهاب سنگها محافظت کرده است. ماه مانند یک لنگر عمل می کند و اجازه نمی دهد تا زمین بیش از یکی دو درجه از محور خود تغییر کند. بدون ماه سیاره ما احتمالا شبیه یک قایق در آب تکان تکان می خورد. هر ده هزار سال ده درجه منحرف می شد و این انحراف باعث تغییییرات اقلیمی شدید از سرمای شبیه عصر یخبندان تا گرمای جهنمی می شد که هیچ گونه جانداری نمی توانست زنده بماند. امواج منتشر یافته از ماه روی هیپوفیز بشر اثر می‌گذارد و به دنبال آن، چرخه سیرکادین در بدن دچار اختلال می‌شود. به دنبال این اتفاق، ریتم خواب و بیداری نیز مختل خواهد شد. احتمالا تغییر رفتار انسان‌ها و حیوانات در زمان ماه کامل که خیلی به زمین نزدیک است از این فرآیند فیزیولوژیکی سرچشمه می‌گیرد. بعضی از دانشمندان گمان می‌کنند امواج نامرئی و مغناطیسی حاصل از ماه و خورشید روی سلول‌های حساس به الکتریسیته موجود در قلب و مغز تاثیر می‌گذارد.

همه این نشانه ها، حاکی از این مساله مهم است که خدا از طریق سیستم فوق پیشرفته ای زمین و جانداران روی آن را کنترل میکند. براحتی از راه دور میتوان در زمین زلزله ایجاد کرد. وقتی عده ای در روی زمین علیه خدا طغیان کنند و اعمال شیطانی انجام دهند، خدا براحتی و کاملا علمی، از طریق ماه روی زمین زلزله و یا سونامی ایجاد خواهد کرد. گرانش ماه روی حرکت گسلها براحتی تاثیر میگذارد. محاسبات خدا آنقدر دقیق است که ملائکه براحتی بوسیله ماه و فرمولهای گردش آن ، نقطه زن زلزله ایجاد کنند و دستورات خدا را اجرا کنند. فقط کافیست خدا امر کند. خدا توانست آتشی که برای ابراهیم چیده بودند، گلستان کند.

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (۶۹)
گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش (۶۹)

علمی که در عالم بالاتر است، آنچنان پیشرفته است که بشر هیچوقت به آن نخواهد رسید. تمام این اتفاقات به این خاطر است که بشر دوباره به سوی خدا بازگردد و خدا را در هر لحظه از زندگیش یاد کند. کسی که خدا را در این زندگی فانی یاد کند، خدا هم او را یاد میکند و بموقع به فریاد او میرسد. همانند ابراهیم که مدام در فکر خدا بود و به همین خاطر خدا هم بموقع او را از آتش نجات داد. حتی ابراهیم و سایر بندگان خوب خدا هم جزو تبعید شده ها هستند. چطوری میتوان از یک تبعید شده کمک خواست در حالی که منشاء همه خوبی ها یعنی خدا از رگ گردن به ما نزدیکتر است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)
[بار الها] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم (۵)

۱۴۱)   حس کنجکاوی

یک نوجوان، دوست دارد همه فیلم یا کارتنی را نگاه کنند که او دوست دارد. زیرا از بعضی نکات فیلم یا کارتن خوشش آمده است و به نوعی میخواهد ابراز اطلاعات جدید کند و دیگران را متوجه آن نکاتی کند که خود جذب آن شده است. این جذب شدن در زمینه مسائل معنوی هم مطرح است. گاهی یک فردی در اینترنت

مطالبی را مطالعه میکند و یا میشنود و دوست دارد که دیگران هم به آن توجه کنند. گاهی این جور جذابیتها بخاطر اعتراض به فرهنگهای مذهبی غلط جامعه شکل میگیرد. زیرا روح آدمی تشنه است و اگر درست سیراب نشود، جذب هر راه و روشی میشود. بیشتر روشهای غلط که جوانان جذب آن میشوند، بعلت عدم پاسخ صحیح و دور از افراط و تفریط به سوالات مذهبی است.

اجبار در دین، اجبار در مناسک دین، کشتن مرتد از دین و... مردم را تشنه روحی میگذارد و به اولین مسلک که این قوانین را رد کند، جواب مثبت میدهند. بعضی از مذاهب، روشهای خود را بجای روشهای علمی در مباحث مثلا پزشکی و بیماری مطرح میکنند و پیروانشان را به انجام آن توصیه میکنند و گاها باعث مرگ و میر خیلی افراد میشوند.

۱۴۲) نشانه های خدا را با خدا اشتباهی نگیرید

در قسمتهای قبلی عرض شد که ماه و خورشید نقطه کنترل حوادث روی زمین هستند. جزر و مد و سونامی و زلزله و بارش و ... توسط گرانشهای ماه و خورشید ایجاد میشود. اگر خدا اراده کند که در یک نقطه از زمین سونامی و یا زلزله ایجاد کند، با تغییر چند درجه ای مدار ماه توسط فرشتگان ، براحتی میتواند این کار را انجام دهد. بدون کره ماه، پیش بینی آب و هوا عملا غیر ممکن خواهد شد. در این شرایط، متوسط اختلاف دما میان گرم ترین و سردترین نقاط زمین به حدی زیاد خواهد شد که حیات بشر به خطر خواهد افتاد. به گزارش سایت بیگ بنگ، چرخش منحصر بفرد و مطلوب محور زمین فصول را تعیین میکند، و آب و هوای

ما را در راستای بقای حیات نگه می دارد. ماه ، زمین را بر روی محورش ثابت نگه می دارد، بنابراین زمین لرزش کمی دارد و قابل سکونت است.

در زمان پیامبر نوح، تغییرات ناگهانی در مدار ماه باعث سیل و طوفان فوق العاده ای شد که بشر تا آنوقت با آن روبرو نشده بود. گردش ماه به دور زمین صرفا یک مدار دائمی مارپیچی کامل و ساده نیست، بلکه به گفته ناسا، مدار چرخش آن تغییرهای اساسی و نوسان‌هایی دارد. این تغییرهای نوسانی آرام ، جزر و مدهای روی زمین را یا تشدید می‌کند یا مانع بروز آن‌ها می‌شود.

ماه طریقه زمانبندی، زمان روزه و حج را در زمین برای مردم تعیین میکند. هیچ قمری در منظومه شمسی به نسبت اندازه سیاره اش، به اندازه ماه بزرگ نیست. زیرا قطر ماه تقریبا یک چهارم قطر زمین است. این میزان قطر برای یک قمر خیلی زیاد است و دانشمندان ناسا در تعجبند که چطوری زمین چنین قمر بزرگی را نگه میدارد! و حتی بعضی ها به نظریه توخالی بودن کره ماه روی آورده اند. به هر حال نقش ماه حتی در روح و روان آدمیان غیرقابل انکار است. در زمان قرص کامل ماه، گرانش قوی آن باعث تاثیر در اعصاب و روان بشر خواهد شد.

بشقاب پرنده ها تکنولوژی عالم بالاتر هستند و بنابراین بشر هنوز خیلی با آن فاصله دارد. دانشمندان آمریکایی قطعاتی از بشقاب پرنده سقوط کرده را مورد آزمایش قرار دادند، بطوریکه ضخامت آن از یک ورقه نازک کاغذی هم کمتر بود. آن ها با پتکهای قوی هم نتوانستند آن را خم کنند. در کوره های ذوب آهن هم ذوب نشد و حتی گرم هم نشد. قطعا چنین آلیاژی در زمین یافت نمیشود. تکنولوژی بشقاب پرنده که بوسیله آن از سرعت نور هم بیشتر میتوان اوج گرفت.

دانشمندان میگویند که یک بشقاب پرنده تمام تکنولوژی یک کیهان را در خود دارد.

بشر هم اکنون در دنیا در اوج پیشرفت خود قرار دارد . اما در مقابل علم عالم بالاتر هنوز در دوران بچگی خود قرار دارد. برخلاف باور عموم، عالمی که ما از آنجا تبعید شده ایم، آنچنان پیشرفته است که بشر حتی تصورش را هم نمیتواند بکند.

نکته مهمی را در پایان این قسمت خدمت عرض میکنم. مردم زمان ابراهیم تاثیرات ماه و خورشید و ستارگان را بر روی زمین و زندگی خویش دریافته بودند، آنها بعد از طوفان نوح از طریق پیامبرانی بعد ازنوح و یا خود نوح دریافته بودند که ماه تاثیر شگرفی بر ایجاد طوفان نوح داشته است. اما اشتباه آنها این بود که آنها می گفتند خدا ماه و خورشید را برای کنترل جهان خلق کرده است زیرا آنها را در مکان بلند تر گذاشته و آنها را ارجمند کرده و آنها در پیشگاه خدا دنیا را کنترل می کنند! آنها میگفتند که پس در نتیجه ما انسانها هم باید آنها را مقدس دانسته و برایشان احترام قائل بشویم و این اراده خداست و انسانها باید چیزی را که خدا با احترام نگاه می کند انسان هم باید برایش احترام قائل شود! و احترام قائل شدن برای ستاره ها و ماه و کرات دیگر مثل احترام گذاشتن برای خدا است! بعد از مطرح شدن این تصور، آنها شروع به ساختن معبدهایی برای ماه و ستارگان کردند و برایشان قربانی می کردند آنها ماه و ستارگان را با کلمات تقدیس و بزرگ می پنداشتند و در مقابل آنها سجده می کردند و با این تفکر اشتباه ، سعی در کامل کردن اراده پروردگار می کردند و این بنیان و اساس پرستش بتها و خدایان اشتباه بود. و این منطق آنها بود که باید ماه و ستارگان پرستش شوند.

و این در تورات سوره ارمیا (۱۰ : ۷-۸) نقل شده است؛که می فرماید:

کسانی که از تو ای خدای بزرگ نمی ترسند، و این ترس شایسته تنها تو میباشد. در میان تمامی بزرگان این ملت و در تمام سرزمین هایشان کسی مانند تو نیست. و آنها این پندار و آموزه احمقانه را تصور کردند. و تفکر نابخردانه آنها این بود که این گفتار بی اساس و پوچ را از اراده تو پنداشتند در حالیکه این طور نیست.

در واقع مردم، این فکر گمراه را گسترش دادند که خدا خودش اراده کرده تا خورشید و ماه و ستارگان تقدیس شوند و شریک خدا قرار داده شوند. بعد از گذشت مدتی، پیامبران دروغین زیادی به انسانها دستور می دادند که به ستارگان خدمت کنید و برای آنها قربانی بدهید. و تمثال هایی از آنها بسازید تا زن و مرد و کودک همه برای آنها تعظیم کنند و ادعا می کردند که آنها دریافته اند که این تصویر خاص برای آن ستاره می باشد و آن را از طریق وحی به دست آورده اند یعنی به آنها وحی شده است و بعد ازآن مردم در زیر درختان و در بالای کوه معابدی را ساختند و مردم دور هم جمع می شدند و برای آنها تعظیم می کردند و پیامبران دروغین می گفتند که این تمثال ها منبع ضرر و سود می باشند و باید از آنها ترسید و برایشان تعظیم کرد و موجب موفقیت شما می شود و باید این کارها را انجام بدهید و این کارها را انجام ندهید!

و بعد از آن افراد دروغگوی دیگری نیز می گفتند ماه یا فلان ستاره یا فرشته به او الهام کرده که مرا اینگونه و به روشی خاص بپرستید و کارهای خاصی را انجام بدهید.

ابراهیم در دورانی این مراحل را طی کرد. او ابتدا به ستارگان و ماه و خورشید اعتقاد داشت و به سمت آنان گرایش پیدا کرد.

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (۷۵)

و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد (۷۵)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (۷۶)

پس چون شب بر او پرده افکند ستاره ای دید گفت این پروردگار من است و آنگاه چون غروب کرد گفت غروب کنندگان را دوست ندارم (۷۶)

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (۷۷)

و چون ماه را در حال طلوع دید گفت این پروردگار من است آنگاه چون ناپدید شد گفت اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود قطعا از گروه گمراهان بودم (۷۷)

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (۷۸)

پس چون خورشید را برآمده دید گفت این پروردگار من است این بزرگتر است و هنگامی که افول کرد گفت ای قوم من من از آنچه [برای خدا] شریك می سازید بیزارم (۷۸)

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۷۹)

من از روی اخلاص پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم (۷۹)

ابراهیم در نهایت درس بزرگی به بشریت داد و گفت: روی خود را به سوی کسی گردانیدم که ماه و خورشید و ستاره و آسمانها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم. درست است که ماه تاثیرات زیادی روی سیل و زلزله و ... در زمین دارد ولی ما موظفیم که فقط خدا را عبادت کنیم و فقط او را پرستش کنیم. درست است که ملائکه بوسیله ماه ، زلزله و سیل ایجاد میکنند، ولی ما موظفیم که فقط خدا را تاثیر در امور بدانیم و در رفع نیازها و بلاها، فقط او را بخوانیم. ما نباید ملائکه مسئول سیل و زلزله را در دعاهای خویش بخوانیم. بلکه باید فقط خدا را بخوانیم. درست است که پیامبر محمد کتاب قرآن بر او نازل شد و او آن را بر مردم ابلاغ کرد، ولی ما مسئولیم که فقط خدا را در دعاهای خویش بخوانیم.

فرقه ای به اسم رائیلیان چندین سال پیش در فرانسه پیدا شدند که سرنشینان بشقاب پرنده ها را خالق خویش میدانستند. آنها هنوز منتظرند که سرنشینان بشقاب پرنده ها بیایند و آنان را نجات دهند! آنها معتقدند که بشقاب پرنده ها آنان را خلق کرده اند و زمین محل این آزمایشگاه بوده است. آنها ایده هایی درست را با غلط آمیخته اند.

در کتابهای آسمانی تورات و قرآن تاکید شده است که خدا بشر را به زمین تبعید کرده است و ملائک را مسئول خدمات رسانی به آنان طی زمان تبعید، کرده است. ولی تمام این کارها برای این است که بشر دوباره به طرف خدا برگردد.

در واقع بشر موظف است که فقط خدا را موثر در امور بداند ولی بشر متوهم سلسله مراتب امور خدا را قطع میکند و کار را نیمه کاره رها میکند و به این طریق وسائل

را بجای خدا پرستش میکند. ایمان به ملائکه جزو لوازم ایمان است ولی ما موظفیم فقط خدا را پرستش کنیم و فقط او را بخوانیم و فقط او را عبادت کنیم.

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۷۹)
من از روی اخلاص پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم (۷۹)

۱۴۳) ملکوت آسمان و زمین به ابراهیم نشان داده شد

با کارهایی که ابراهیم انجام داد، ملکوت آسمان و زمین به او نشان داده شد و روز بروز یقین او نسبت به خدا بیشتر میشد. ابراهیم ابتدا به ستارگان و بعد به ماه گرایش پیدا کرد و بعد از آن به خورشید و در نهایت متوجه شد که اینها که او به آنها گرایش داشته است، جزو ملک خدا هستند. و فقط خدای تنها شایسته عبادت و توجه است.

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (۷۵)
و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد (۷۵)

بعد از طوفان نوح، مردم متوجه اهمیت ماه در طوفان شدند. آنها از طریق نوح و پیامبران بعد متوجه شدند که ماه در ایجاد طوفان تاثیر بسزایی داشته است. بعد از مرگ پیامبران، آنها بعد از مدتی ، به سمت ماه و ستارگان گرایش پیدا کردند

و آنان را در ملک خدا شریک کردند و شروع به تقدیس ماه و ستارگان دیگر کردند. غافل از اینکه ماه و ستارگان همگی جزو ملک خدا هستند و در چیزی شریک خدا نیستند. ابراهیم در میان مشکلات، این مسائل را درک کرد و آن را برای مردم نمایان ساخت. او متوجه شد که تنها یک خدا وجود دارد که صاحب و خالق همه است و دنیا در اشتباه بزرگی هستند. او پی برد که هیچکس نمیتواند خدا را ببیند ولی میتوان او را حس کرد. او هیچوقت به ماه و ستارگان دل نبست و هیچوقت آنها را شریک خدا قرار نداد و فقط در حد یک مخلوق خدا به آنها نگاه میکرد. ابراهیم ماه و ستارگان را فقط نشانه ها و آیات خدا میدانست. بنابراین او درخواستها و دعاهای خویش را به فقط خدا ارائه میکرد.

۱۴۴) دنیای ما مثل یک اسباب بازی است

دانشمندان ثابت کرده اند که بیش از ۹۹ درصد کلیه موجودات و جمادات آسمان اول توخالی هستند و اگر کره زمین گیر یک سیاه چاله بیفتد، آنقدر میتواند فشرده شود تا که حجم آن به اندازه یک توپ فوتبال شود. درواقع موجودات آسمان یکم، فقط یک سری اسباب بازی هستند که از جنسی توخالی و نامرغوب درست شده اند و نسبت به کیفیت ماده عوالم بالاتر، هیچند. به همین خاطر خدای مهربان به این زندگی دنیا و مواد داخل آن میفرماید لهو و لعب.

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعا سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می کنند بهتر است آیا نمی اندیشید (۳۲)

البته بیهوده خلق نشده اند. بلکه هدف خدا از خلق انسان، بازگشت انسان بسوی خداست.

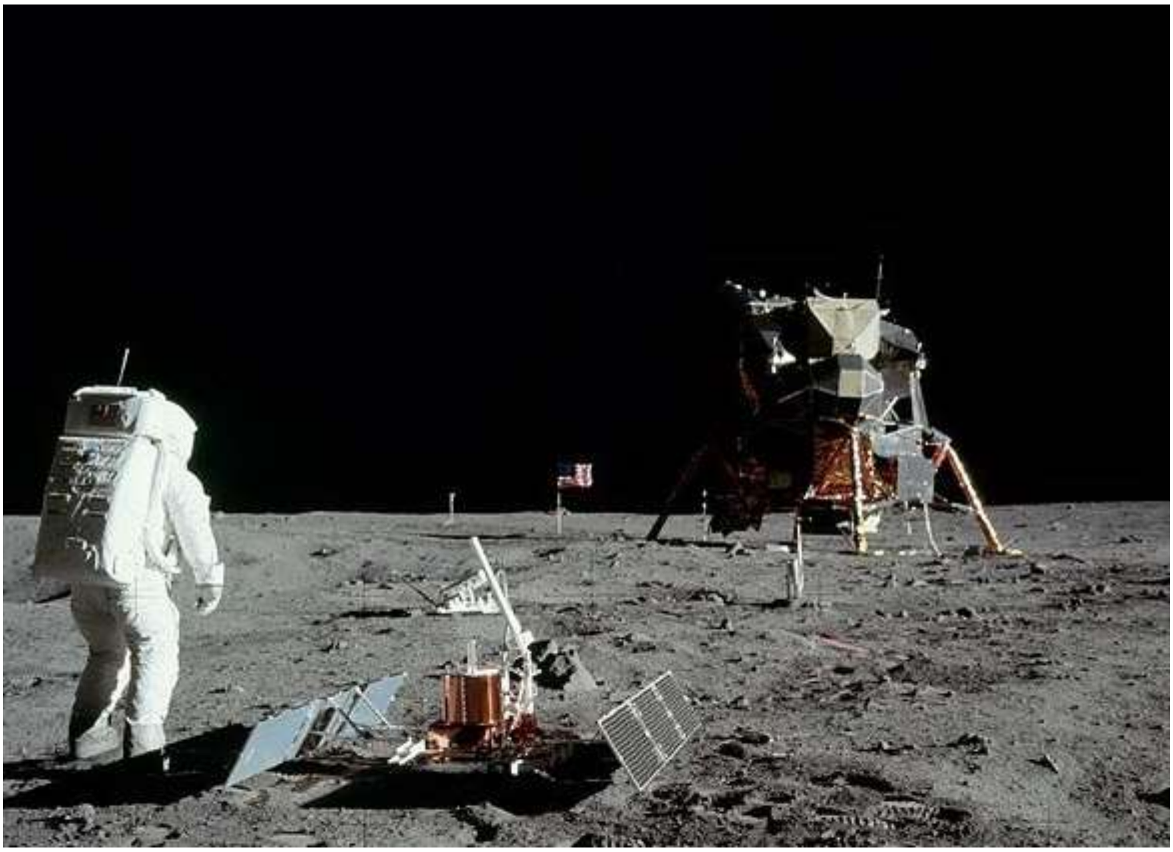
۱۴۵) تمام موجودات آسمان یکم بعد از مدتی پیر میشوند

پیری یکی از خصوصیات آسمان یکم است و هیچ موجودی در آسمان یکم از آن استثناء پذیر نیست. مثلا سنگها بعد از مدتی دگرگون شده و به خاک تبدیل میشوند. ستارگان پس از میانه عمر، به همان سرعت سنین جوانی خود نمی‌چرخند. کاهش سرعت چرخش ستارگان، بعد از مدتی نشان از پیر شدن آنان دارد. دانشمندان از روی کاهش سرعت چرخش و کاهش جاذبه ستارگان، مدت عمر آنان را تعیین میکنند. اما در عوض در بهشت پیری وجود ندارد. موجودات آسمان یکم نه تنها توخالی هستند، بلکه به سرعت دارند پیر میشوند.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)هر چه بر آن است فاني‌شونده است (۲۶)

۱۴۶) شب و روز فضا

شب و روز در کره ماه ، در هر دو زمان، آسمان تاریک است و ستاره ای دیده نمیشود. زیرا ماه مانند زمین اتمسفر ندارد. دمای هوا در کره ماه، بین مثبت ۲۴۵ درجه در روز و منفی ۱۱۵ در شب میرسد.



اما ما در زمین با چنین تغییرات زیاد دما روبرو نیستیم، زیرا اتمسفر زمین دخالت کرده و درجه هوا را متعادل می سازد. و به همین علت است که زندگی در زمین ممکن است. چشمک زدن اشیا نورانی آسمانی بخاطر لرزش هوایی است که نور ستاره از آن طریق به ما میرسد. فضا آنطوری که در زمین به نظر میرسند، در خارج از جو زمین به نظر نمیرسند. روشنایی، تاریکی در زمین واقعی نیستند؛ انگار شبیه سازی شده است. چشمان ما چیز هایی که با سرعت زیاد حرکت کنند را نمی بینند. این محدودیت ها بمرور زمان بیشتر شده است. خیلی واضح است که ما در یک آزمایش بسر میبریم و زندگی موقتی را میگذرانیم. خدای توانا از این نوع خلقت

هدف خاصی دارد و میخواهد افرادی را جهت برگشت به بهشت انتخاب کند. زندگی در بهشت، برخلاف زندگی در زمین واقعی است و خطای دید در آن نیست. اگر قدرت چشمان ما زیادتر بود، فیلمهای کنونی برای ما قابل تشخیص نبود و مثل کنار گذاشتن چندین فریم در کنار هم بود. هر آنچه در این جهان داریم، تقریبی است و دقت کامل را ندارد. البته خدا فیلم دقیقی از اعمال ما تهیه کرده است که برخلاف فیلمهای دست ساز بشر، دقت صددرصدی دارد. بهشت جای دقت است و تقریبی در آن نیست.

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ (۲۵)
و اما کسی که کارنامه اش به دست چپش داده شود گوید ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم (۲۵)

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ (۲۶)و از حساب خود خبردار نشده بودم (۲۶)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (۲۷)ای کاش آن [مرگ] کار را تمام میکرد (۲۷)

مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَهْ (۲۸)مال من مرا سودی نبخشید (۲۸)

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ (۲۹)قدرت من از [کف] من برفت (۲۹)

۱۴۷) سفر در زمان به فرموده قرآن

براساس نظریه نسبیت عام انشتین، مسیر نور هنگام عبور از یک میدان گرانشی بصورت منحنی است. هر چقدر که مقدار خمیدگی نور بیشتر باشد، در آن قسمت زمان کندتر میگذرد. سیاه چاله ها و کرم چاله ها نمونه واقعی توقف زمان و یا کند کردن زمان هستند. خلاصه نظریه انشتین این است که نیروهای گرانش بسیار قوی، تغییرات قابل توجهی در زمان ایجاد میکند. بطرز خارق العاده ای ، مثالی از سفر در زمان در قرآن آمده است. هفت نفر و یک سگ از سیستم بت پرستی زمان خویش فرار میکنند و وارد یک غار میشوند. خدای مهربان در آن نقطه درون غار چنان نیروی گرانشی ای ایجاد میکند که نور خمیده میشود. در این حالت زمان برای آن هفت نفر، به اندازه یک روز یا کمی بیشتر میگذرد ولی برای فضای بیرون از غار ۳۰۹ سال طول میکشد.

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا (۱۶)

و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می پرستند کناره گرفتید پس به غار پناه جویید تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و برای شما در کارتان گشایشی فراهم سازد (۱۶)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا (۱۷)

و آفتاب را می بینی که چون برمی آید از غارشان به سمت راست مایل است و چون فرو می شود از سمت چپ دامن برمی‌چیند در حالی که آنان در جایی فراخ از آن [غار قرار گرفته]اند این از نشانه های [قدرت] خداست خدا هر که را راهنمایی کند

او راه‌یافته است و هر که را بی راه گذارد هرگز برای او یاری راهبر نخواهی یافت (۱۷)

قسمتی از آیه میفرماید که: و آفتاب را می بینی که چون برمی آید از غارشان به سمت راست مایل است و چون فرو می شود از سمت چپ دامن برمی‌چیند. متن آیه صراحتا از خمیدگی شعاع نور در آن قسمت سخن میگوید. گرانش آن نقطه آنقدر قوی نیست که نور را کامل جذب کند، بلکه فقط شعاع نور را خم میکند. یعنی گرانش آن نقطه به اندازه یک سیاه چاله نیست که کلا نور را کامل جذب میکند. یعنی به اندازه تغییر زمان در حد ۳۰۹ سال. در پایان آیه خدا میفرماید که این از نشانه های بزرگ خداست. قطعا تابش عادی نور به غار در جاهای دیگر از کره زمین هم اتفاق می افتاد و خدا منظورش از نشانه این نکته نیست، بلکه در اینجا اختصاصا چنین پدیده ای را توضیح میدهد. پدیده سفر در زمان.

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (۱۸)

و می پنداری که ایشان بیدارند در حالی که خفته اند و آنها را به پهلوی راست و چپ می گردانیم و سگشان بر آستانه [غار] دو دست خود را دراز کرده [بود] اگر بر حال آنان اطلاع می یافتی گریزان روی از آنها برمی تافتی و از [مشاهده] آنها آکنده از بیم می شدی (۱۸)

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (۱۹)

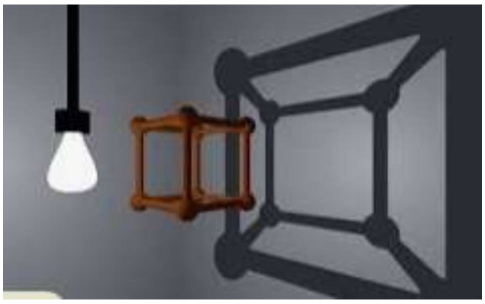
و این چنین بیدارشان کردیم تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند گوینده ای از آنان گفت چقدر مانده اید گفتند روزی یا پاره ای از روز را مانده ایم [سرانجام] گفتند

پروردگارتان به آنچه مانده اید داناتر است اینك یكی از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید تا ببیند كدام یك از غذاهای آن پاكیزه تر است و از آن غذایی برایتان بیاورد و باید زیركی به خرج دهد و هیچ كس را از [حال] شما آگاه نگرداند (۱۹)

نیروی گرانش بسیار قوی باعث متلاشی شدن ماده هم میشود و به همین خاطر نیروی گرانش داخل غار باعث تغییر در قیافه ظاهری اصحاب کهف شده بود و به همین خاطر مردم عادی با دیدن آنها دچار ترس و رعب میشدند. زمانی که بیدار میشوند، از همدیگر سوال میپرسند که چقدر خوابیدیم، آنها میگویند که یک روز یا کمی بیشتر. در واقع آنها راست میگفتند. زیرا زمان برای آنها تا حدی متوقف شده بود و یک روز آنان داخل غار به اندازه ۳۰۰ سال عادی روی کره زمین بود. اینطوری خدا یک مثال کامل از بعث و معاد به جهانیان ارائه میدهد.کتاب قرآن به معنای واقعی از غیب خبر میدهد و به معنای واقعی کلمات خداست.

۱۴۸) صفات خدا

همانطور که میدانید، در دنیایی که ما به آن تبعید شده ایم، ما وجودمان محدود به سه بعد است و بعد چهارم که زمان است هم به طور محدود و اجباری در اختیار ما قرار گرفته است. موجودات دو بعدی فقط بر طول و عرض خود مسلطند. موجودات سه بعدی هم بر طول و عرض و عمق خود آگاهی دارند. موجودات دو بعدی وقتی متوجه موجودات سه بعدی میشوند که سایه آنها در محیط دو بعدیشان بیفتد. زیرا سایه یک جسم سه بعدی، دو بعدی است.



ما بعنوان موجودات سه بعدی، اجسام دو بعدی را می بینیم ولی آنها ما را نمی بینند، و ما برای آنها نامرئی هستیم. مگر اینکه سایه ما در محیط آنها بیفتد.

بعد چهارم زمان است. از آنجا که ما فقط بر سه بعد تسلط داریم، توانایی مشاهده اجسام چهار بعدی را نداریم. اجسام چهار بعدی ، ما فقط سایه آنها را می بینیم و در آنصورت بعد زمان در سایه آنها موجود نیست و تصویر یک لحظه از آنها را نمایش میدهد.

شیطان و اجنه دارای بعد دیگری هستند که ما نداریم و به همین خاطر ما قادر به دیدن آنها نیستیم ولی آنها ما را می بینند.

يا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (٢٧)

ای فرزندان آدم زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برکند تا عورتهایشان را بر آنان نمایان کند در حقیقت او و قبیله اش شما را از آنجا که آنها را نمی بینید می بینند ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند (٢٧)

فرشتگان دارای ابعاد دیگری هستند که ما و اجنه را میبینند و آنها دارای ابعاد دیگری هستند که ما و اجنه نداریم. اما خدای قادر متعال به اندازه صفاتش ابعاد دارد و قابل وصف و درک نیست. به همین خاطر خدا براحتی بر همه چیز مسلط است و بر همه چیز احاطه دارد و ایجاد هر چیزی برای او مثل کن فیکون است.

زمانی که موسی خواست خدا را ببیند، خدا به او فرمود که تو هرگز مرا نخواهی دید، زیرا خدا دارای ابعاد زیادی است و کسی را یارای تسلط بر او نیست. زمانی هم که خدا فقط یک اپسیلون زمان خودش را به کوه نشان داد، کوه در جا پودر شد و نابود شد. این نشان میدهد که دنیای آسمان یکم، از ذرات محدود در سه بعد و توخالی درست شده اند و توانایی پذیرش نور خدا را ندارند و به محض ورود خدا به آسمان یکم، همه چیز به هم میخورد و کل سیستم آنها به هم میریزد. همان اتفاقی که در قیامت اتفاق می افتد. حوادث مربوط به قیامت به این دلیل پیش می آید که خدا همراه با فرشتگان به آسمان یکم حضور فیزیکی پیدا میکنند و به خاطر نامرغوب بودن جنس آسمان یکم، تمام سیستم آن به هم میخورد و به اصطلاح قیامت میشود.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۱۰)

مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود و کارها به سوی خدا بازگردانده می شود (۲۱۰)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

و پروردگارت و فرشته[ها] صف‌درصف آیند (۲۲)

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)
و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند آن روز است که انسان پند گیرد و[لی] کجا او را جای پندگرفتن باشد (۲۳)

خدا دارای ابعادی است که هیچ موجود دیگری ندارد. خدا بر تمام اعمال و پندار و گفتار تمام موجودات جهان تسلط دارد. شرک یعنی اینکه ابعاد خدا را برای موجودات دیگر در نظر گرفتن. بعضی از صفات خدا که در قرآن آمده است :

بار، باطن، بدیع، بر، بصیر، اله، احد، صمد، اول، آخر، السمیع، البصیر، القدیر، القادر، العلی، الاعلی، البدیع، الاکرم، الحی، الحکیم، العلیم، الحلیم، الحفیظ، الحق، الحسیب، الحمید، الرب، الرحمن، الرحیم، الرازق، الرقیب، الرؤف، السلام، المؤمن، المهیمن، العزیز، الجبار، المتکبر، الشهید، العفو، الغنی، الفاطر، الفتاح، الملک، القدوس، القوی، القریب، القیوم، المجید، المولی، المحیط، المبین، المصور، الکریم، الکبیر، الکافی، النور، الوهاب، الواسع، الودود، الوکیل، التواب، الخبیر، الخالق، الشکور، العظیم، اللطیف

خدا بر تمام این صفات مسلط است و به همین خاطر گرداندن امور جهان برای او بسیار ساده ست. به همین خاطر، خدای مهربان، مردم را به صفات خویش دعوت میکند و آنان را راهنمایی میکند که فقط او از رگ گردن به موجودات نزدیکتر است. فقط او خبیر ، علیم ، سمیع الدعاست. اگر ما دعاهای خویش را به موجود دیگری مثلا فرشتگان که دارای ابعاد بیشتری از ما هستند، ارائه دهیم، در آنصورت

آنان از آنجا که خبیر، علیم، سمیع الدعا نیستند؛ از دعا بی خبرند و بی خبر خواهند بود و دعا ها برآورده نخواهد شد. در آنصورت اجنه و شیاطین که بر ما مسلطند و ما را میبینند، سایه هایی در ذهن ما ایجاد میکنند و ما را فریب میدهند و تحت تسلط خود خواهند آورد.

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۶۰)

و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند (۶۰)

کسانی که خدا را نمی خوانند، گیر شیاطین خواهند افتاد و همراه آنان به جهنم وارد خواهند شد. جهان کاملا براساس اصول علمی اداره میشود و خدا بر این اصول علمی کاملا مسلط و استوار است.

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا (۵۹)

همان کسی که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش روز آفرید آنگاه بر عرش استیلا یافت رحمتگر عام [اوست] در باره وی از خبره ای بپرس [که می داند] (۵۹)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (۶۰)

و چون به آنان گفته شود [خدای] رحمان را سجده کنید می گویند رحمان چیست آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می دهی سجده کنیم و بر رمیدنشان می افزاید (۶۰)

۱۴۹) سایه

موجودات جهان ابعاد مختلفی دارند. مثلا ما سه بعد داریم و زمان هم بعد اجباری ماست. زیرا ما نمیتوانیم زمان را به جلو و یا عقب بیندازیم. اما اجنه بعدهای دیگری دارند و به همین خاطر ما قادر به دیدن آنها نیستیم. اجنه و شیاطین توانایی تغییر بعدشان را ندارند. یک موجود سه بعدی مثل انسان نمیتواند یک موجود چهار بعدی و یا پنج بعدی را ببیند، مگر آنکه آنان سایه هایشان را به ما نشان دهند. اجنه و شیاطین میتوانند سایه های خود را در قالب وسوسه و جادو به ما نشان دهند. فرشتگان برای بعضی پیامبران مثل ابراهیم و مریم ، خود را در ابعاد سه بعدی مثل ما انسانها نشان داده اند . در واقع این حالت، واقعیت فرشتگان نیست، بلکه آنان خود را محدود به سه بعد کرده و به نوعی سایه خود را به پیامبر ابراهیم نمایش دادند. این موضوع بخاطر محدودیت ما انسانهاست. توجه کنید که سایه ها همیشه تاریک نیستند. وقتی یک موجود با بعد بالاتر به یک موجود با بعد کمتر خود را نمایش میدهد؛ به نوعی سایه ای از خود ایجاد کرده است.

وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ ظِلاَلُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ (رعد/۱۵)
تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند -از روی اطاعت یا اکراه- و همچنین سایه هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می کنند.

زمانی در یک سایت ضد اسلام یک مطلبی نوشته بود و آیه های قرآن در مورد سجده سایه را مسخره کرده بود. آن سایت میگفت که سایه یک جسم تابع آن جسم است و جسم هر جا برود، سایه هم آنجا خواهد رفت و سجده سایه بطور جداگانه بی معناست و از آنجا نتیجه گرفت که قرآن نوشته یک انسان بوده است. نویسنده آن سایت به علت بیسوادی، این چنین حرف میزد. مفهوم سایه در کائنات بسیار عمیقتر از آنچیزی است که نویسنده آن سایت ضد قرآن فکر میکرد. به همین خاطر خدا حتی سایه های موجودات در ابعاد بالاتر را تابع خدا میداند و میفرماید :

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (۴۸)
آیا به چیزهایی که خدا آفریده است ننگریسته اند که [چگونه] سایه هایشان از راست و [از جوانب] چپ می گردد و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می سایند (۴۸)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۴۹)
و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنبندگان و فرشتگان است برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند (۴۹)

۱۵۰)   فضای توخالی

به قول سایت بیگ بنگ ، اندازه یک اتم براساس موقعیت حدودی الکترون‌هایش محاسبه می‌شود، یعنی میزان فضایی که میان هسته و پوسته

خارجی بی‌شکل اتم وجود دارد. هسته‌ها ۱۰۰ هزار بار کوچکتر از اتم‌هایی هستند که درون آنها جا دارند. اگر هسته را به اندازه یک دانه بادام‌زمینی در نظر بگیرید، اندازه اتم برابر یک زمین بیس‌بال خواهد بود. اگر انسان تمامی فضاهای خالی درون اتم‌های بدنش را از دست بدهد، می‌توان کل بدن را درون یک ذره خاک گنجاند و کل بشریت نیز درون یک دانه قند جا خواهند گرفت.

در نتیجه می‌توان گفت جسم بسیار بزرگ انسان‌هایی که خود را بسیار مهم تصور می‌کنند در واقع مجموعه‌ای گول زننده از فضاهای خالی روی سیاره‌ای خالی سرگردان در میان جهانی خالی است. البته این میزان تهی بودن، فقط در آسمان یکم برقرار است و در آسمانهای دیگر ماده بسیار منسجمتر است.

در واقع ما انسانها فقط تعدادی اسباب بازی هستیم و خودمان از ماهیت جنس بدن خویش نسبت به آسمانهای دیگر ، آگاهی کاملی نداریم و به همین خاطر زیادی مغرور هستیم. خدای مهربان، خالق ما بارها تاکید میکند که این دنیا اسباب بازی است و زیاد دلخوش نکنید. این دنیا محل آزمایش است و بس.

اما در سرای دیگر اجسام و بدنها توپر و واقعی هستند و به همین خاطر در بهشت، لذت بردن بسیار واقعی تر است و همچنین در جهنم دردها بسیار دردناکتر است. شما در زمین اگر تحت شکنجه قرار گیرید، نهایتش بعد از نیم ساعت بیهوش میشوید و می میرید و بعد از آن، از دست درد نجات می یابید. اما در جهنم اینطوری نیست و بدنها توخالی نیست و بدنها واقعیند و مرگ و بیهوشی در کار نیست و نهایت درد را حس میکنید.

زمانی که آدمیان در بهشت گناه را مرتکب شدند، تعداد ابعاد و جنس مواد بدن آنان کاهش پیدا کرد و به زمین تبعید شدند. زمین محل زندگی کسانی است

که دارای سه بعد هستند. کاهش ابعاد یعنی محدودیت، آسیب پذیری در مقابل ماده و ...

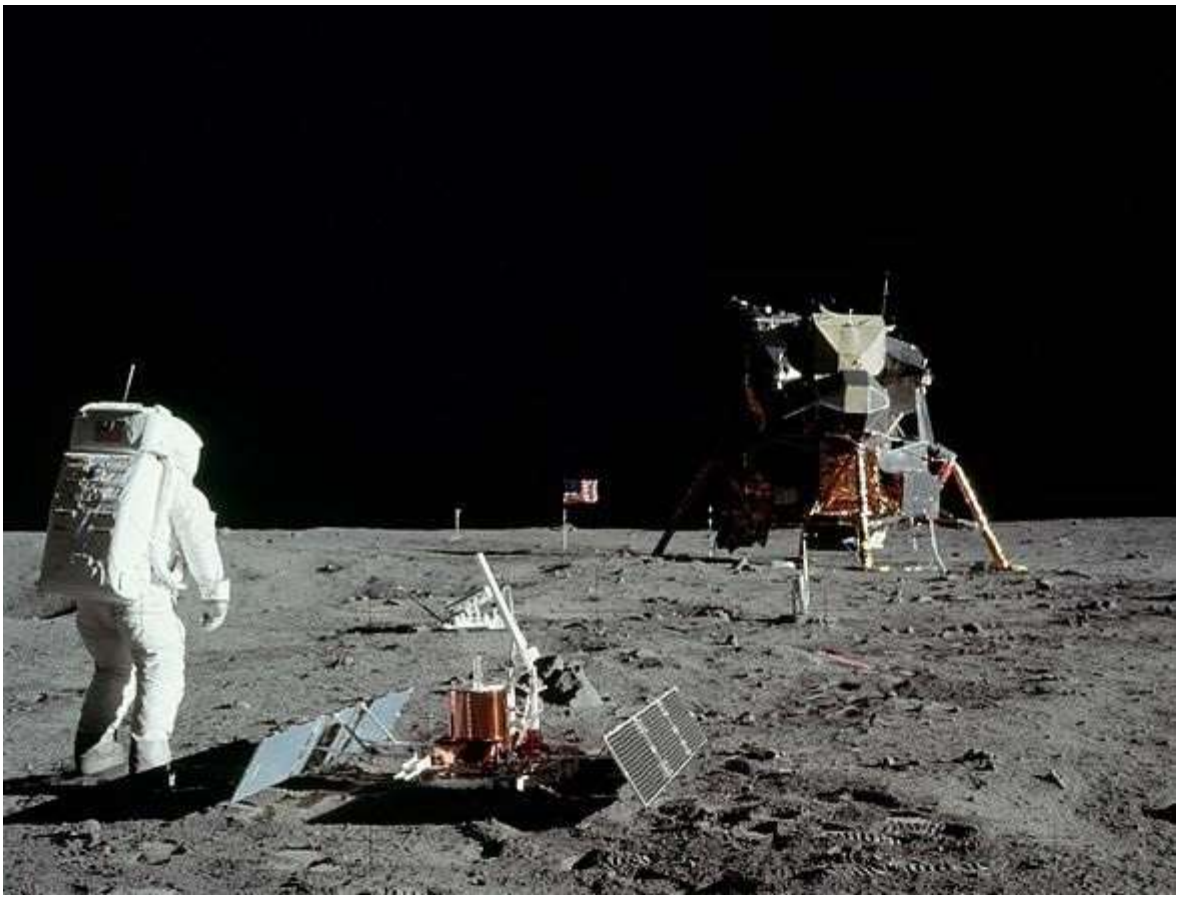
با یک تصادف ساده، بدن از بین میرود و یا آسیب جدی می بیند و تا آخر عمر هم ناقص خواهید شد. همین نکته خود نشان میدهد که ما در یک آزمایش بسر میبریم و زندگی این دنیا (دنیا در عربی یعنی پست و پایین)، چیزی جز لهو و لعب نیست. کسانی که به اسم دین خدا بر مردم حکمرانی میکنند و دنبال حکومت چند روزه این دنیایند و به مردم زور میگویند، فریب این بازی را خورده اند و نشان میدهند که بیشتر دنبال این دنیای پست هستند. خدا سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهد که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند. گروههای مسلمانی که پیروان حدیث و سنت هستند و دنبال برقراری حکومت اسلامی! هستند، فقط دنبال ارضاء حس کبر و غرور خود هستند و میخواهند جامعه ای ایجاد کنند که ادای دینداری در بیاره. مگر آنها نمی دانند که دین خدا اجباری نیست. مگر نمی دانند که هیچ پیامبری با زور دین را بر مردم اجبار نکرده است. مگر نمی دانند که نسل جدید راه و روش زندگی خویش را خودشان باید انتخاب کنند. حتی وظیفه پیامبر هم فقط گفتن و هشدار دادن بوده است و لاغیر!

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۸۳)
آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (۸۳)

کسانی که در پایان تحصیلات حوزوی خویش، مراسم ختم برای صحیح بخاری میگیرند، آنها کتابی غیر از قرآن دارند و پیرو قرآن نیستند و آنها پیرو بخاری هستند و بخاری پیامبر آنهاست.

۱۵۱) رنگها در زمین واقعی نیستند

روز در کره ماه عین شب میماند، حتی وقتی که خورشید وسط آسمان است. این مورد به دلیل نبود اتمسفر در کره ماه است. حتی نور ستارگان هم دیده نمیشوند!



آنچه که ما روی زمین از فضا می بینیم، یک حالت نقاشی شده است. اتمسفر زمین رنگهای مختلف را بوجود می آورد و حالت زیبا و رنگارنگی به فضا و

آسمان میدهد. آنچه که ما میبینیم ، بزک شده و آرایش شده است و بیشتر بخاطر محدودیتهای دید ماست وخطای دید است. دقیقا به همین خاطر زندگی روی زمین موقتی است و پایدار نیست. به زمین و آنچه در آن است دلخوش نکنید، بزودی همه چیز نابود خواهد شد.

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷)
در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام یك از ایشان نیکوکارترند (۷)

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۸)
و ما آنچه را که بر آن است قطعا بیابانی بی گیاه خواهیم کرد (۸)

موش کور جانوری است که چشمان او به اندازه سر یک سوزن است و فقط روشن بودن وتاریک بودن محیط را می بیند و تصویری دیگر را نمی بیند. موش کور در طول روز تا صد متر تونل حفر میکند. او به اول و آخر مقصدش ، از طریق چشمان ریزش که فقط روشنایی و تاریکی را تشخیص میدهد، پی می برد. یک سگ تصاویر و رنگها را به دقتی که یک انسان می بیند، نمی بیند. سگ تصاویر را تقریبا سیاه و سفید می بیند. مردان نسبت به زنان دقت کمتری در تشخیص رنگها دارند. این نشان میدهد که رنگها و تصاویر زمین واقعی نیستند و گذرا هستند و حتی به نسبت زمان تغییر می کنند. اما در بهشت اینطوری نیست و همه چیز واقعی است و حالت فریب و خطای چشمی در کار نیست.

۱۵۲) ابعاد خدا بی نهایت و غیر قابل درک است

بعضی ها معتقدند که خدا از بالا ما را میبیند؛ اما در واقع او از داخل هم بر ما ما موجودات سه بعدی، موجوات چهار بعدی را نمیتوانیم درک کنیم و موجودات چهاربعدی نمیتوانند موجودات پنج بعدی را درک کنند. خدا دارای بی نهایت ابعاد است و او فقط به تعداد صفاتش در قرآن برای ما مشخص کرده است و بقیه را نفرموده است.

وقتی نیاز دنیوی داریم ، خدا رحمن است؛

وقتی گرسنه ایم، رزاق است؛

وقتی بیمار میشویم، شفادهنده است؛

وقتی دعا میکنیم، السمیع و المجیب است؛

وقتی تنهاییم، فریادرس است؛

وقتی گرفتاریم، رفع گرفتاری میکند؛

وقتی تنهاییم، قیوم است؛

وقتی گناه میکنیم، غفور و بخشنده است؛

وقتی گمراهیم؛ نور است؛ و ...

فقط او شایسته خواندن است.

۱۵۳) زنبور عسل

خدا در قرآن مجید فرموده است که به زنبور عسل وحی میشود. قطعا باید در طریقه زندگی او شگفتیهای فراوانی باشد. او خانه هایش را بصورت شش ضلعی میسازد. وقتی بقول قرآن، طریقه خانه سازی او از طرف خدا وحی شده است

یعنی نمونه کوچکی از تکنولوژی عالم بالاتر در آن نهفته است. بیایید نظر دانشمندان را در مورد خانه سازی زنبور عسل بدانیم.



- خانه ها بصورت شش ضلعی کنار هم ساخته میشوند. این باعث میشود که بیشترین مقدار عسل در آن جای گیرد و کمترین موم در ساخت خانه استفاده شود.
- اگر خانه ها بصورت دایره ای ساخته میشد، فضاهای گپ و بدون استفاده بین دایره ها ایجاد میشد و باعث اتلاف فضا و موم میشد.

- اگر خانه ها به شکل مربع و یا پنج ضلعی و یا هفت ضلعی ساخته میشد، موم بیشتری مصرف میشد و عسل کمتری در آن مساحت جای میگرفت و این مورد از طریق فرمولهای ریاضی ثابت شده است.
- شما اگر یک کندو پر از عسل را در دستت نگهداری، به هم نمیریزد. اگر ساختار مومها بصورت غیر از شش ضلعی بود، کندوی عسل در دستان به هم میریخت. یعنی حداکثر استحکام ساختاری کندو فقط با شش ضلعی تامین میشود.
- اندازه شش ضلعی به اندازه ای است که سر زنبور در آن جای گیرد.
- برای ساخت یک کیلو گرم موم، ۱۲ کیلوگرم عسل نیاز است. در ضمن تولید موم برای زنبور بسیار زمان بر و هزینه بردار است. بنابراین شش ضلعی کمترین موم را نیاز دارد.
- حتی زنبور عسلها ، در زمان کوچ مومها را با خود میبرند تا دوباره مورد استفاده قرار گیرد و زمان کمتری در ساخت کندوی جدید صرف کنند.
- در حین ساخت کندو با موم زنبورها دمای کندویشان را حدود ۳۵ درجه نگه میدارند که برای کار با موم کاملا مناسب است. زیرا در دمای پایین تر، موم سفت است و نمیتوان با آن کار کرد و در دمای بالاتر، شکل دادن به آن سخت است.
- عسل و موم ضد قارچند و در پیشگیری از بیماریهای قارچی بسیار مفیدند.
- پادشاهان قدیم به خاصیت این ماده مهم پی برده بودند و برای مومیایی اجساد استفاده میکردند. خاصیت عایق آن فوق العاده است.

- عسل بعد از هزار سال هم سالم میماند زیرا میکروب در آن زنده نمی ماند و این از شگفتیهای آن است.
- طرز ساخت عسل از گیاهان و گلها، آنچنان شگفت انگیز است که تمام خواص دارویی گیاهان و گلها به عسل منتقل میشود. به همین خاطر واقعا عسل یک فراماده است و انگار از بهشت آمده است و در درمان بیماریهای مختلف به عنوان شفا عمل میکند. به همین خاطر میفرماید که عسل برای بدن شفاست. فرآیند وحی به زنبور بسیار پیچیده است و در زندگی ما انسانها بسیار موثرند. زنبور عسل در حین جمع آوری شهد گلها و گیاهان، روی آن گلی که باید بنشیند، می نشیند و عسل آن را کسی که باید شفا یابد، مصرف میکند. اگر خدا شفای کسی را در فلان گل قرار داده باشد و آن فرد اگر بنا به اراده خدا قرار باشد که شفا یابد، از آن عسل مصرف میکند.
- انواع زنبورهای دیگر هم هستند که عسل چندانی تولید نمی کنند و به اندازه نیاز خودشان تولید میکنند. اما زنبور عسل، بیشتر از نیاز خود تولید میکند و این به امر خداست تا انسانها هم از آن بهره برند.
- زنبور عسل در حین جمع آوری شهد گلها و گیاهان، ناخودآگاه گرده افشانی هم انجام میدهد و باعث بقای گلها و گیاهان زیادی میشود. اگر زنبور عسل نباشد، بعد از چند سال اثری از گلها و گیاهان زیبا نیست و همگی نابود میشوند. آنوقت خود بشر باید گل بکارد و گیاه بکارد؛ درحالیکه اکنون مفت در اختیارش است.

- خدا به زنبور عسل وحی میکند. دانشمندان ثابت کرده اند که زمین بدون زنبور عسل در عرض کمتر از سه سال نابود میشود. اهمیت وحی از اینجا ناشی میشود. زمین بدون وحی، خرابه ای بیش نیست. بشر بیخودی به خود مغرور است. اهمیت وحی در پیام خدا هم هست. پیامی که خدا در کتب آسمانی برای مردم جهان فرستاده است، باعث شده که زمین هنوز برپا باشد و اگر این نوع از وحی نبود، تابحال بشر همدیگر را بکلی نابود کرده بودند.
- خدا در قرآن شفا را در عسل و قرآن قرار داده است. عسل شفای جسم و قرآن شفای روح است. هر دو وحی شده اند و از عالم بالاترند. این نشان میدهد که ما چقدر وابسته به عالم بالاتریم. بدون وحی از طرف خدا بشر نمیتواند بیش از سه سال در زمین زندگی کند.

۱۵۴) قوم لوط

سرنوشت اقوام گذشته ، درس بزرگی به بشریت میدهد. خیلی مهم است که بدانیم اقوام گذشته به چه صورتی از بین رفته اند. دانشمندان ثابت کردند که عامل ویرانی شهر قوم لوط در ۳۶۵۰ سال پیش گرمای ناشی از انفجار شهاب‌سنگ بوده است. دانشمندان می‌گویند انفجار یک شهاب‌سنگ ۵۰ متری عامل ویرانی عظیم شهر باستانی منسوب به قوم لوط در ۳۶۵۰ سال پیش بوده است.

https://per.euronews.com/2021/09/23/scientists-say-found-cosmic-impact-evidence-that-destroyed-ancient-city-of-sodom-in-jordan

محققان تخمین می‌زنند انفجار این شهاب‌سنگ قدرت تخریبی معادل ۱۰۰۰ برابر قوی‌تر از بمب اتمی هیروشیما ایجاد کرده است.تجزیه و تحلیل شواهد برجای مانده در ویرانه‌های تپه باستانی تل‌الحمام نشان می‌دهد یک شهاب‌سنگ به عرض تقریبا ۵۰ متر در ارتفاع ۴ کیلومتر بالاتر از سطح زمین منفجر شده است و پس از یک نور خیره‌کننده، موجی از گرمای ۲ هزار درجه ایجاد کرده است. حرارت ایجاد شده به حدی بوده است که بلافاصله بدنه‌های چوبی خانه‌ها را سوزانده و اشیاء فلزی مانند شمشیر، نیزه و حتی سازه‌های سفالی و آجری را ذوب کرده است. با این حال این همه‌ی تخریب نبوده، چند ثانیه بعد یک موج شوک انفجار عظیم از راه رسیده و همه چیز از جمله مجموعه کاخ ۵ طبقه با دیواری مستحکم به ضخامت ۴ متر را ویران کرده است.کاوش‌های اولیه باستان‌شناسی وجود مواد غیرمعمول نظیر سفال‌های ذوب‌شده، ذغال‌سنگ، آجر «حباب‌دار»، دانه‌های سوخته و خاکستر حجمی از تخریب عظیم را نشان می‌داد. پژوهشگران نخست با تجزیه و تحلیل‌های رسوبات و لایه‌های خاک مواردی همچون جنگ، آتش‌سوزی، فوران آتشفشانی و زمین‌لرزه را بررسی و رد کردند و گفتند هیچ‌کدام از این رویدادها نمی‌تواند گرمایی مشابه ایجاد کند. تا اینکه سرانجام بیل مکانیکی کاوشگران تکه سنگ‌های کوارتز را در محل پیدا کرد که نشانه‌ای از یک اتفاق شدید و درجه حرارت ناگهانی بالا حاصل از برخورد کیهانی بود. محاسبات تیم ۲۱ نفره کارشناسان نشان داد این انفجار نمی‌توانسته حاصل از برخورد سیارک بوده باشد، چرا که دهانه برخوردی در محل وجود ندارد، بلکه انفجار ناشی از یک جرم آسمانی نظیر شهاب‌سنگ بوده است. دانشمندان می‌گویند انفجار سطوح خارجی گلدان‌های سفالی را ذوب کرده و آجرها و اسکلت انسان‌های نزدیک به محل حادثه «تکه‌تکه» شده‌اند.دکتر کنت

که در این تحقیق با فیلیپ سیلویا، استاد باستان‌شناسی کتب مقدس در دانشگاه ساوت‌وست آمریکا همکار بوده می‌گوید: «همه مشاهدات ذکر شده در سفر پیدایش عهد عتیق با یک ضربه هوایی مطابقت دارد. باستان‌شناسان اکنون می‌گویند احتمالا انفجار شهاب‌سنگ و حرارت فوق‌العاده زیاد ایجاد شده، سطح عظیمی از آب شور دریای مرده را بخار کرده و به روی دره پاشیده است و یا نمک‌های ساحلی دریا را بلند کرده و به روی شهر ریخته است. سواحل دریای مرده همینک نیز مملو از نمک هستند.

در پی این اتفاق غلظت نمک خاک به میزان «غیرعادی» افزایش یافته و کشاورزی در شعاعی ۲۵ کیلومتری غیرممکن شده است. در پی این حادثه ده‌ها هزار تن از ساکنان نواحی اطراف مهاجرت کردند و پس از آن ۶۰۰ سال طول کشید تا بارندگی‌ها در این ناحیه بیابانی نمک را از مزارع بشورد و این منطقه بار دیگر بتواند مورد زراعت قرار گیرد.

در روایت کتاب مقدس ذکر شده که به لوط پیامبر دستور داده شد از شهر خارج شود و پشت سر خود را نگاه نکند اما همسر لوط لحظه‌ای درنگ کرد و به «ستونی از نمک» تبدیل شد در حالی که آتش و گوگرد از آسمان می‌بارید و دود غلیظ از شهر بلند بود.

۱۵۵) زلزله های زمین کنترل میشوند

گاهی ما فکر میکنیم که خدا برای زمین زلزله ایجاد میکند تا که آنان را اذیت کند. اما اگر به خصوصیات زلزله های مریخ و ماه دقت کنید؛ متوجه میشوید که اگر

زلزله های زمین کنترل نشوند، زمین قابل سکونت نخواهد بود. چند روز پیش لندر اینسایت ناسا زلزله ای بیش از ۴ ریشتر در مریخ ثبت کرده است. این زلزله حدود یک ساعت و ۳۰ دقیقه طول کشیده است! اگر در زمین یک زلزله یک ساعت و نیم طول بکشد، دیگر نمیتوان روی زمین زندگی کرد. یک زلزله در زمین، نهایتش یک دقیقه طول میکشد. نکته جالب توجه در رابطه با زلزله‌هایی که در ماه رخ می‌دهند این است که مدت زمان وقوع آنها بسیار بیشتر از زمین است و در حالیکه اکثر زلزله‌های زمین کمتر از یک دقیقه طول می‌کشند، زلزله‌های ماه چند ساعت ادامه دارند!

در واقع خدا رحم زیادی به مردم ساکن زمین دارد. زلزله هایی که در زمین اتفاق می افتد، بعلت آنچه است که خود مردم با دستهای خود کسب و ایجاد کرده اند و باعث و بانی این زلزله ها خود مردم هستند. اما پس از وقوع، خدا دخالت کرده و مدت زمان آن را بسیار کم میکند؛ که اگر مدت زمان وقوع زلزله در زمین کم نشود؛ بمدت یک ساعت و نیم زمین در همان ریشتر خواهد لرزید و در این شرایط جنبنده ای قادر به زندگی روی زمین نیست.

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

[آیا شریکانی که می پندارند بهتر است] یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوه ها را [مانند لنگر] قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست [نه] بلکه بیشترشان نمی دانند (۶۱)

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَٰهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد آیا معبودی با خداست چه کم پند می پذیرید (۶۲)

۱۵۶) خانه ای در بهشت

زن فرعون در قصری زندگی میکرد که همه چیز در اختیارش بود و فول امکانات بود. اما این زن مومن، بااین همه امکانات و خدم و حشم میگوید پروردگارا پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات بده و مرا از دست مردم ستمگر نجات بده.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)

و برای کسانی که ایمان آورده اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان (۱۱)

این آیه زیبا نشان میدهد که خانه زمینی ارزش چندانی ندارد؛ باید برای خانه ای در آخرت تلاش کرد که پر از معنویت است و نزدیک خدا باشد تا که لذت بخش باشد. بعضی خانه های زمینی گرچه گرانقیمت هستند ولی بیشتر مواقع با ریا و ربا و ظلم و کم کاری بدست آمده اند و به همین علت فاقد معنویت هستند و لذت چندانی به ساکنانش نمیدهند. همانطور که میبینید، مومنان در قرآن ، به بی ارزشی

دنیا و مادیاتش پی برده اند و کنه و ذات آن را درک کرده اند و به همین خاطر خدا آنان را به عنوان مثال خوبی در قرآن ذکر میکند. مومنان این دنیای پست را زیاد جدی نمی گیرند.